

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



رسالة

# توضیح المسائل

حضرت آیة اللہ حاج شیخ مهدی طحانی  
دامت برکاتہ

## مسائل تکلیف

(مسئله ۱) بر هر مکلفی واجب است تکالیف قطعی شریعت اسلام را که به او متوجه می‌باشد انجام دهد، و شرایط تکلیف چند چیز است:

الف - «بلغ»، و نشانه بالغ شدن دختر یا پسر یکی از سه چیز است: اول - روییدن موی زبر و درشت زیر شکم و بالای عورت. دوم - بیرون آمدن منی در خواب یا بیداری سوم - برای پسر تمام شدن پانزده سال قمری<sup>۱</sup>، هر چند اگر سیزده سال او تمام شد، خوب است بنابر احتیاط مستحب، واجبات را بجا آورد و از کارهای حرام اجتناب کند و زنهای نامحرم، خودشان را از او پوشانند. و برای دختر تمام شدن نه سال قمری<sup>۲</sup> و اگر سن دختر معلوم نباشد و آبستن شود یا خونی به صفات حیض بیند، حکم می‌شود که قبل بالغ شده است.

ب - «عقل»، پس دیوانه تکلیفی ندارد.

ج - «قدرت و اختیار»، پس شخصی که به طور کلی از انجام وظایف خود عاجز است تکلیفی ندارد.

(مسئله ۲) روییدن موی درشت در صورت و پشت لب و در سینه و زیر بغل، و نیز درشت شدن صدا و مانند اینها نشانه بالغ شدن نیست، مگر اینکه انسان به واسطه اینها به بالغ شدن یقین کند.

(مسئله ۳) اگر پسری به گمان اینکه تنها پانزده سال علامت بلوغ است، به تکالیف خود عمل نکرده باشد و بعد بفهمد که قبل از پانزده سالگی یکی از

۱ و ۲ . پانزده سال قمری در حدود «۱۶۴» روز زودتر از پانزده سال شمسی تکمیل می‌شود؛ و نیز نه سال قمری در حدود «۹۸» روز زودتر از نه سال شمسی کامل می‌گردد. و چون بر حسب اختلاف در فصل ولادت مقداری جزئی تفاوت حاصل می‌شود، تعیین دقیق آن که درباره همه افراد کلیت داشته باشد ممکن نیست.

علائم بلوغ در او ظاهر بوده است، باید هر مقدار از نمازها و روزه‌هایی را که می‌داند بر او واجب بوده و بجانیاورده قضا نماید، ولی مقداری را که شک دارد لازم نیست قضا کند، هرچند خوب است به مقداری قضا نماید که اطمینان پیدا کند قضای آنچه را که ترک شده بجا آورده است.

(مسئله ۴) هر فرد مسلمان باید «اصول شریعت» را یقین و باور داشته باشد و نمی‌تواند در اصول شریعت و امور اعتقادی تقليد نماید، ولی در «فروع دین» از چهار راه می‌تواند به تکاليف و وظایف دینی عمل کند:

**الف** - «یقین» و موارد آن غالباً ضروریات شریعت یا مذهب است. و «ضروری» تکلیفی است که هیچ یک از مسلمانان یا مؤمنان در آن شک نداشته باشند.

**ب** - «اجتهاد»؛ یعنی به دست آوردن احکام از قرآن و سنت و سایر منابع فقهی.

**ج** - «احتیاط»؛ یعنی در مواردی که چند احتمال وجود دارد، کاری کند که یقین نماید تکلیف خود را انجام داده است، مثلاً اگر عده‌ای از مجتهدین عملی را حرام می‌دانند و عده‌ای دیگر می‌گویند حرام نیست آن عمل را انجام ندهد. و اگر عملی را بعضی واجب و بعضی مستحب می‌دانند آن را بجا آورد.

**د** - «تقليد»؛ یعنی پیروی از کارشناس مسائل دینی با رعایت شرایط آن. و این راهی است که بیشتر مردم به وسیله آن می‌توانند تکاليف دینی خود را به دست آورده و آنها را انجام دهند.

(مسئله ۵) بر هر مکلفی لازم است مسائلی را که غالباً به آن احتیاج دارد یاد بگیرد.

## مسائل تقلید

تقلید در احکام، عمل کردن به دستور مجتهد است. «مجتهد» کسی است که توان علمی او به حدی است که می‌تواند با کوشش خود، احکام شریعت را از منابع آن به دست آورد، و به لحاظ آگاهی و تخصص ویژه‌اش برای فraigیری دستورهای شریعت می‌توان از وی پیروی کرد؛ چنانکه مردم در زمینه‌های گوناگون به متخصصین و سررشته‌داران هر دانشی در قلمرو ویژه آنان رجوع می‌کنند.

(مسئله ۶) مجتهدی که از او تقلید می‌شود باید مرد، عاقل، بالغ، شیعه دوازده امامی، حلالزاده، زنده و عادل<sup>۱</sup> باشد و بنابر احتیاط واجب جاوهطلب و فریفته دنیا نباشد. و اگر انسان علم به اختلاف مجتهدین در بعضی از مسائل مورد نیاز داشت، باید از مجتهدی که اعلم از دیگران است تقلید نماید، مگر آنکه فتوای غیر اعلم مطابق با احتیاط باشد که در این صورت عمل باحتیاط نموده است.

(مسئله ۷) «مجتهد اعلم» را از سه راه می‌توان شناخت:

الف - خود انسان یقین کند، مثل آنکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد اعلم را بشناسد.

ب - دو عالم خبره و عادل اعلم بودن مجتهدی را گواهی نمایند، به شرط آنکه دو عالم خبره و عادل دیگر با نظر آنان مخالفت ننمایند.

ج - شهرت میان علماء و محافل علمی که از گفته آنان یقین یا اطمینان به اعلم بودن مجتهدی حاصل شود، بلکه اگر از راههای دیگر نیز اطمینان حاصل شود کفایت می‌کند.

۱. «عادل» کسی است که در عقیده و اخلاق و عمل، مستقیم و معتل باشد، به طوری که در شرایط عادی طبعاً کارهایی را که بر او واجب است بجا آورد و کارهایی را که بر او حرام است ترک نماید و اگر از محل یا همسایگان یا کسانی که با او معاشرت دارند سؤال شود خوبی او را تصدیق نمایند.

(مسئله ۸) گر شناخت مجتهد اعلم دشوار باشد، باید از کسی که به اعلم بودن او گمان برده می‌شود یا اعلمیت او محتمل است تقلييد نمود؛ گرچه احتمال اعلم بودن او ضعیف باشد. و اگر همزمان چند مجتهد از دیگران اعلم و با یکدیگر مساوی باشند، باید از یکی از آنان تقلييد نمود.

(مسئله ۹) عدول (تغییر تقلييد) از مجتهدي به مجتهد دیگر در مسائلی که به آن عمل شده جایز نیست، ولی اگر کسی که از مجتهد غیراعلم تقلييد می‌کرده پس از مدتی بفهمد دیگری اعلم است، باید از مجتهد قبلی عدول کند و به مجتهد اعلم رجوع نماید، بلکه اگر گمان پیدا کند یا احتمال دهد که دیگری اعلم است باید به او مراجعه نماید.

(مسئله ۱۰) به دست آوردن فتوا و نظریه مجتهد چهار راه دارد:

الف - شنیدن از خود مجتهد.

ب - شنیدن از دو نفر عادل.

ج - شنیدن از کسی که گفته او موجب اطمینان است.

د - دیدن در رساله مجتهد یا ملاحظه دستخط او، در صورتی که به درستی رساله یا دستخط وی مطمئن باشد.

(مسئله ۱۱) پس از آنکه مقلد به فتوا و نظریه مجتهد آگاهی یافت، تا هنگامی که به تغییر فتوا و نظر او یقین یا اطمینان پیدا نکرده است، باید به همان فتوا عمل نماید و در صورت شک در عوض شدن فتوا، جستجو لازم نیست.

(مسئله ۱۲) اگر مجتهد اعلم در مسائلهای فتوا دهد، مقلد او نمی‌تواند در آن مسائله به فتوای مجتهد دیگر عمل کند، ولی اگر فتواندهد و بفرماید: «احتیاط آن است که فلان طور عمل شود» مثلاً بفرماید: احتیاط آن است که در رکعت سوم و چهارم نماز سه مرتبه تسیحات اربعه؛ یعنی «سبحان الله والحمد لله و لا إله إلا الله والله أكبر» بگویند، مقلد باید یا به این احتیاط که «احتیاط واجب» نام دارد عمل کند و سه مرتبه بگوید و یا به فتوای مجتهدی که علم او از مجتهد اعلم کمتر و از مجتهدهای دیگر بیشتر است عمل نماید، پس اگر او یک مرتبه گفتن را کافی بداند می‌تواند یک مرتبه بگوید. همچنین است اگر مجتهد اعلم بفرماید: مسئله « محل تأمل» یا « محل اشکال» است.

(مسئله ۱۳) اگر مجتهد اعلم بعد از آنکه در مسائلهای فتوا داده است

احتیاط کند، مثلاً بفرماید: ظرف نجس را اگر یک مرتبه در آب کر بشویند پاک می شود، ولی احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند. مقلد او نمی تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر رفتار کند، بلکه باید یا به همین فتوا عمل کند، یا به احتیاط بعد از فتوا که آن را «احتیاط مستحب» می گویند عمل نماید، مگر آنکه فتوای مجتهد دیگر به احتیاط نزدیکتر باشد.

(مسأله ۱۴) اگر مجتهدی که انسان از او تقليد می کند از دنیا برود باید از مجتهد زنده دیگر تقليد نمود، پس اگر مجتهد زنده باقی ماندن بر تقليد مجتهد میت را به هر مقدار اجازه دهد، می توان به تقليد از میت ادامه داد.

(مسأله ۱۵) باقی ماندن بر تقليد مجتهدی که از دنیا رفته سه صورت دارد:

**الف** - اگر مجتهدی که از دنیا رفته اعلم از مجتهدين زنده بوده، بنابر احتیاط واجب باید نسبت به مسائلی که در زمان حیات مجتهد اعلم به آنها عمل کرده یا به قصد عمل کردن یاد گرفته و فراموش نکرده است بر تقليد او باقی بماند.

**ب** - اگر مجتهد زنده نسبت به مجتهدی که از دنیا رفته اعلم باشد، بنابر احتیاط واجب باید در تمام مسائل به فتوای مجتهد زنده عمل نماید.

**ج** - اگر مجتهد زنده و مجتهدی که از دنیا رفته از نظر علمی - به طور یقین یا احتمال - مساوی باشند، بنابر احتیاط باید نسبت به مسائلی که در زمان حیات مجتهد مرحوم به فتوای او عمل نموده باقی باشد و نسبت به مسائلی که برای عمل یاد گرفته و عمل نکرده مخیر است به فتوای هر کدام عمل نماید، ولی نسبت به مسائلی که یاد نگرفته و یا فراموش کرده باید از مجتهد زنده تقليد کند.

(مسأله ۱۶) اگر در مسائلهای به فتوای مجتهد زنده رفتار کند، نمی تواند در آن مسائله مطابق فتوای مجتهدی که از دنیا رفته است عمل نماید، ولی اگر مجتهد زنده در مسائلهای فتوا ندهد و احتیاط نماید و مقلد مدتی به آن احتیاط عمل کند، در صورتی که در زمان حیات مجتهد مرحوم در آن مسائله به فتوای او عمل کرده یا برای عمل به آن یاد گرفته باشد، می تواند دوباره به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته عمل نماید.

(مسأله ۱۷) تقليد ابتدائي از مجتهدی که از دنیا رفته جاييز نيست؛ بنابراین

کسی که به تازگی مکلف شده باید از مجتهد اعلم زنده تقليد نماید، و نمی‌تواند از مجتهد مرحوم تقليد کند.

(مسئله ۱۸) اگر برای کسی مسئله‌ای پیش آید که حکم آن را نداند، اگر ممکن است باید تا دستیابی به فتوای مجتهد اعلم صبر کند یا اگر احتیاط ممکن باشد به احتیاط عمل نماید و اگر صبر و احتیاط ممکن نباشد، مثلاً در حال نماز باشد، می‌تواند آن را به اميد درست بودن به شکلی که می‌خواهد انجام دهد، پس اگر آشکار شد عملی را که انجام داده مخالف واقع یا گفتار مجتهد اعلم بوده، باید دوباره آن را به طور صحیح بجا آورد.

(مسئله ۱۹) اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود لازم نیست به او خبر دهد، ولی اگر بعد از گفتن فتوا بفهمد اشتباه کرده است، در صورت امکان باید اشتباه را برطرف نماید.

(مسئله ۲۰) کسانی که اعمال خود را بدون تقليد انجام داده‌اند یا از مجتهدی که جامع شرایط نبوده تقليد کرده‌اند، عمل آنان هنگامی درست است که یا به وظیفه واقعی خود عمل کرده باشند، یا کارهایشان با فتوای مجتهدی که اکنون باید از او تقليد کنند مطابق باشند، و یا عمل آنان مطابق با احتیاط باشد.

(مسئله ۲۱) با توجه به گستردنگی رشته‌های فقه و تخصصی بودن آنها، اگر در بین چند مجتهد هر کدام در یک یا چند رشته از مسائل فقهی از دیگران اعلم باشد، واجب تقليد از او در همان رشته بعید نیست.

(مسئله ۲۲) اگر مقلدی که اهل فضل است در مسائله‌ای یقین و یا گمان پیدا کند که نظر مرجع تقليد او خلاف واقع می‌باشد، نمی‌تواند در آن مسئله از او تقليد نماید.

(مسئله ۲۳) کسی که به درجه اجتهاد رسیده و می‌تواند احکام شرعی را از ادله آن استنباط نماید، مرد باشد یا زن، جایز نیست از دیگری تقليد نماید، ولی اگر فقط در بعضی رشته‌ها مجتهد است. در بقیه مسائل باید از مجتهد جامع الشرایط تقليد کند و یا به احتیاط عمل نماید، همچنین کسی که هنوز به درجه اجتهاد نرسیده و توانایی استنباط احکام شرعی از ادله آن را ندارد باید در مسائل شرعی فتوا دهد و چنانچه بدون داشتن قدرت استنباط در مسائله‌ای

فتوا دهد، مسئول اعمال تمام کسانی است که ناآگاهانه به گفته او عمل می‌کنند.

## مسائل طهارت

### آب مطلق و مضاف:

آب یا مطلق است یا مضاف، «آب مضاف» آبی است که آن را از چیزی بگیرند مثل آب میوه و گلاب، یا با چیزی مخلوط کنند مثل آبی که به قدری با گل و مانند آن مخلوط شده که دیگر به آن «آب» نمی‌گویند. و غیر اینها را «آب مطلق» گویند.

### اقسام آب مطلق:

آب مطلق بر پنج قسم است: «آب گُر»، «آب قلیل»، «آب جاری»، «آب باران» و «آب چاه».

#### ۱- آب گُر<sup>۱</sup>

(مسئله ۲۴) «آب گُر» بنابر احتیاط واجب، مقدار آبی است که اگر در

۱- ظاهر آنست که گُر بعنوان آب غالب بر نجس ذکر شده بنابراین اگر چنانچه غلبه آب مطلق بر شيء نجس باشد بطوری که عین نجس و یا مزه، بو، رنگ آن نباشد و در اثر آن آب نجاست برطرف شود پاک شده و محکوم بطهارة می‌باشد. و آنچه موضوعیت دارد و ملاک است ازاله و برطرف شدن نجاست و ترکیب آن میباشد بهر نحوی که باشد و این در پنج قسم آب مطلق جاری است

ظرفی که طول، عرض و عمق آن هر یک سه وجب و نیم معمولی<sup>۱</sup> است برینزند آن ظرف پر شود و وزن آن از «۱۲۸» من تبریز، بیست مثقال کمتر است.<sup>۲</sup> بنابراین آب لوله‌ها که معمولاً متصل به منبع بزرگ است و همچنین هر لوله‌ای که متصل به کرباشد حکم آب کر را دارد.

(مسئله ۲۵) اگر عین نجس مانند: ادرار، خون، مشروبات الکلی و یا چیزی که نجس شده و حامل عین نجس است به آب کر برسد، چنانچه رنگ یا بو و یا مزه آب را تغییر دهد آب کر نجس می‌شود، ولی اگر تغییر ندهد و یا به چیز دیگری غیر از عین نجاست تغییر کند نجس نمی‌شود، هر چند شایسته است از آب نظیف و پاکیزه استفاده شود.

(مسئله ۲۶) اگر عین نجاست به آبی که بیشتر از کر است برسد و بو یا رنگ یا مزه قسمتی از آن را تغییر دهد، چنانچه مقداری که تغییر نکرده کمتر از کرباشد تمام آن آب نجس می‌شود، ولی اگر مقداری که تغییر نکرده به اندازه کر یا بیشتر از کرباشد تنها مقداری که تغییر کرده نجس است.

(مسئله ۲۷) اگر چیز نجس را زیر شیری که متصل به کر است بشویند، آبی که از آن چیز می‌ریزد چنانچه متصل به کرباشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد و عین نجاست هم در آن نباشد پاک است.

(مسئله ۲۸) اگر مقداری از آب کر یخ بیندد و بقیه آن به اندازه کرباشد، چنانچه نجاست به آن برسد نجس می‌شود و هر مقدار از یخ هم که آب شود نجس است.

(مسئله ۲۹) اگر انسان شک کند آبی که به اندازه کربوده از کر کمتر شده یا نه، در صورتی که تفاوت فاحشی پیدا نکرده باشد حکم آب کر را دارد؛ یعنی نجاست را پاک می‌کند و اگر نجاستی هم به آن برسد نجس نمی‌شود. و آبی که از کر کمتر بوده و انسان شک دارد به اندازه کربوده یا نه حکم آب کر را ندارد.

(مسئله ۳۰) کربودن آب از سه راه ثابت می‌شود:

اول - خود انسان به کربودن آن یقین یا اطمینان پیدا کند.

۱. سه وجب و نیم معمولی حدود «۷۳» سانتی متر است.

۲. بنابراین وزن آب کر تقریباً «۳۸۴» کیلوگرم می‌شود.

دوم - دو مرد عادل به کر بودن آن گواهی دهنده.

سوم - کسی که آب در اختیار اوست و متهم به بی اعتمایی به مسائل شرعی نیست از کر بودن آب خبر دهد.

## ۲ - آب قلیل:

«آب قلیل» آبی است که کمتر از کرباشد و از زمین هم نجوشد.

(مسئله ۳۱) اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد یا چیز نجس به آن برسد نجس می شود، ولی اگر از بالا آب قلیل را روی چیز نجس بریزند، مقداری که به چیز نجس می رسد نجس و هر چه بالاتر از آن باشد پاک است.

(مسئله ۳۲) اگر آب قلیل مانند فواره با فشار از پایین به بالا رود، در صورتی که نجاست به بالا برسد آب قسمت پایین نجس نمی شود، ولی اگر نجاست به پایین آب برسد بالا هم نجس می شود.

(مسئله ۳۳) آب قلیلی که هنگام شستن محل ادرار و مدفوع به بدن یا لباس ترشح می کند، با پنج شرط اجتناب از آن لازم نیست، هر چند پاک و مطهر بودن آن محل اشکال است: اول - آن آب تغییر به صفات نجاست نکرده باشد. دوم - نجاستی از بیرون به محل نرسیده باشد. سوم - نجاست دیگری مانند خون، همراه ادرار یا مدفوع بیرون نیامده باشد. چهارم - ذره های مدفوع در آب نباشد. پنجم - مدفوع یا ادرار، هنگام بیرون آمدن، بیش از اندازه معمول، محل را آلوده نکرده باشد.

و اگر هنگام شستن محل ادرار و مدفوع را با آبی که متصل به کریا جاری است تطهیر نمایند و در این هنگام، آبی به بدن یا لباس ترشح کند، چنانچه بو یا رنگ یا مزه آن آب به وسیله نجاست تغییر نکرده باشد یا ذره های مدفوع در آن آب نباشد، اجتناب از آن لازم نیست.

## ۳ - آب جاری:

«آب جاری» آبی است که از زمین جوشیده و بر آن جریان داشته باشد، مانند آب چشم و قنات.

(مسئله ۳۴) آب جاری گرچه کمتر از کرباشد چنانچه نجاست به آن برسد، تا هنگامی که بو یا رنگ یا مزه آن به وسیله نجاست تغییر نکرده پاک است و اگر آن را تغییر دهد، آن مقدار که تغییر یافته نجس و طرفی که به چشم پیوسته است، هر چند کمتر از کرباشد، پاک است.

## مسائل طهارت

(مسئله ۳۵) آب چشمه‌ای که جاری نیست، ولی طوری است که اگر از آن بردارند باز می‌جوشد، حکم آب جاری را دارد. و نیز آبی که کنار نهر ایستاده و متصل به آب جاری است، در نجس نشدن حکم آب جاری را دارد.

(مسئله ۳۶) چشمه‌ای که مثلاً در زمستان می‌جوشد و در تابستان از جوشش می‌افتد، فقط وقتی که می‌جوشد حکم آب جاری را دارد.

(مسئله ۳۷) آبی که روی زمین جریان دارد، ولی از زمین نمی‌جوشد، چنانچه کمتر از کرباشد و نجاست به آن برسد نجس می‌شود.

(مسئله ۳۸) آب لوله‌کشی منازل و ساختمانها اگر به کریا شبکه آب شهری پیوسته باشد، مانند آب جاری است.

## ۴ - آب باران

(مسئله ۳۹) «باران» در صورتی پاک کننده است که عرفاً بگویند باران می‌بارد؛ و بنابر احتیاط، به مقداری باشد که اگر بر زمین سخت بیارد جریان پیدا کند، و باریدن چند قطره کافی نیست.

(مسئله ۴۰) اگر بر چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست یک مرتبه باران بیارد، جایی که باران به آن رسیده پاک می‌شود و در فرش و لباس و مانند آن بنابر احتیاط باید بیشترین آبی که جذب آن شده با فشار و یا به هر وسیله دیگر خارج گردد، ولی اگر بر چیزی که عین نجاست در آن است باران بیارد، تا هنگامی که عین نجاست برطرف نشود پاک نمی‌شود.

(مسئله ۴۱) اگر باران به عین نجس بیارد و به جای دیگر ترشح کند، چنانچه عین نجاست همراه آن نباشد و بویا رنگ و یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک است. همچنین اگر بر روی پشت‌بام عین نجاست باشد، تا وقتی باران به بام می‌بارد آبی که به چیز نجس رسیده و از سقف یا ناوдан می‌ریزد پاک است، ولی اگر بعد از قطع باران معلوم باشد آبی که می‌ریزد به چیز نجس رسیده است نجس می‌باشد.

(مسئله ۴۲) چنانچه بر زمین نجسی باران بیارد پاک می‌شود و اگر باران هنگامی که می‌بارد جاری شود و به جای نجسی که باران نباریده برسد، آنجا را نیز پاک می‌کند. همچنین اگر باران بر خاک نجس بیارد و یقین کنیم در حال باریدن، آب مطلق به همه اجزای خاک اگر رسیده پاک می‌شود، ولی اگر خاک از رطوبت و یا رسیدن آب مضارف گل شود پاک نمی‌شود.

## ۵ - آب چاه:

(مسئله ۴۳) آب چاهی که از زمین می‌جوشد، گرچه کمتر از کرباشد، چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی که بویا رنگ یا مزه آن را تغییر نداده پاک است، ولی مستحب است پس از رسیدن بعضی از نجاستها مقداری که در کتابهای مربوطه گفته شده از آن آب بکشند.

(مسئله ۴۴) اگر نجاستی در چاه بریزند و بویا رنگ یا مزه آب آن را تغییر دهد، چنانچه تغییر آب چاه از بین برود، موقعی پاک می‌شود که با آب تازه‌ای که از چاه می‌جوشد مخلوط گردد و آب پاک بر آن غلبه کند.

### احکام آبها:

(مسئله ۴۵) آب مضاف، مانند آب میوه‌ها، گلاب و آب گلآلودی که دیگر به آن آب نگویند، چیز نجس را پاک نمی‌کند و وضو و غسل نیز با آن باطل است.

(مسئله ۴۶) آب مضاف هر چند به اندازه کر هم باشد، چنانچه ذره‌ای نجاست به آن برسد نجس می‌شود، ولی اگر از بالا روی چیز نجس بریزد، مثلاً گلاب از گلابدان روی دست نجس بریزد، مقداری که به چیز نجس رسیده نجس، و مقداری که بالاتر از آن است پاک می‌باشد و نیز اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا برود، چنانچه نجاست به بالا برسد پایین نجس نمی‌شود.

(مسئله ۴۷) اگر آب مضاف نجس با آب کر به گونه‌ای مخلوط شود که دیگر به آن آب مضاف نگویند، بلکه بگویند آب مطلق است پاک می‌شود.

(مسئله ۴۸) آبهای معدنی و آب برخی دریاچه‌ها که با نمک مخلوط شده است و نیز آب لوله کشی که در آن کلر ریخته‌اند، حکم آب مطلق را دارد، مگر اینکه مقدار مخلوط شده به قدری زیاد باشد که به آن «آب مطلق» نگویند.

(مسئله ۴۹) آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده یانه، حکم آب مطلق را دارد؛ یعنی چیز نجس را پاک می‌کند و وضو و غسل هم با آن صحیح است و آبی که مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شده یانه، حکم آب مضاف را دارد؛ یعنی چیز نجس را پاک نمی‌کند و وضو و غسل هم با آن باطل است.

(مسئله ۵۰) آبی که مطلق یا مضاف بودن آن معلوم نبوده و مشخص نباشد که قبلًاً مطلق یا مضاف بوده، نجاست را پاک نمی‌کند و وضو و غسل نیز با آن

## مسائل طهارت

باطل است، ولی اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد و نجاست به آن برسد، حکم به نجس بودن آن نمی‌شود، هرچند احوط اجتناب است و این احتیاط ترک نشود.

(مسئله ۵۱) به آبی که هنگام برطرف کردن نجاست از چیز نجس جدا می‌شود «عُساله» می‌گویند. حال اگر بخواهد با آب قلیل چیز نجسی را آب بشکشد، غساله اول آن که به خودی خود یا به وسیله فشار از آن خارج می‌شود نجس است و اگر از چیزهایی است که دو مرتبه باید شسته شود، از غساله دوم نیز باید اجتناب نمایند.

(مسئله ۵۲) چیز نجسی را که در آب کر یا جاری فرو می‌برند، اگر از چیزهایی باشد که در مرتبه اول پاک می‌شود، غساله آن پاک است و اگر از چیزهایی باشد که با دو بار فرو بردن در آب پاک می‌شود، غساله‌ای که پس از بار دوم از آن می‌ریزد پاک است.

(مسئله ۵۳) آبی که عین نجاست، مثل خون یا ادرار، به آن برسد و بویا رنگ و یا مزه آن را تغییر دهد، اگر چه کر یا جاری باشد نجس می‌شود، ولی اگر اوصاف آن به واسطه نجاستی که بیرون آن است تغییر کند - مثلاً مرداری که کنار آب و خارج از آن است بوی آن را تغییر دهد - نجس نمی‌شود.

(مسئله ۵۴) آبی که عین نجاست در آن ریخته و بویا رنگ و یا مزه آن را تغییر داده، چنانچه به کر یا جاری متصل شود یا باران در آن بریزد و تغییر آن از بین برود، بنابر احتیاط واجب در صورتی پاک می‌شود که آب باران یا کر یا جاری با آن مخلوط گردد و بر آن غلبه کند، همچنین است حکم آب قلیلی که نجس شده باشد. پس اگر آب حوضچه‌هایی که کمتر از کر می‌باشد نجس شود، پاک شدن آن به مجرد اتصال به آب کر یا جاری محل اشکال است. و با غلبه آب مطلق پاک می‌شود.

(مسئله ۵۵) آب پاکی که معلوم نیست نجس شده، همچنان پاک است و آب نجسی که پاک شدن آن معلوم نیست، همچنان نجس است.

(مسئله ۵۶) نیم خورده سگ و خوک، نجس و خوردن آن حرام است و نیم خورده حیوانات حلال گوشت، پاک و خوردن آن، در غیر پرنده‌گان و گربه، مکروه است و در گربه گفته شده کراحت ندارد و در پرنده‌گان کراحت آن محل تأمل است. و بنابر آنچه در بعضی روایات آمده است نیم خورده مؤمن

شفاست.

### نجاسات

(مسئله ۵۷) «نجاسات» دوازده چیز می‌باشد:

«بول»، «غائط»، «منی»، «مردار»، «خون»، «سگ»، «خوک»، کافر  
«شراب»، «فقاع» و بنابر احتیاط واجب، «عرق حیوان نجاستخوار» و «عرق  
جنب از حرام».

#### ۱ و ۲ - بول و غائط:

(مسئله ۵۸) بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده  
دارد؛ یعنی اگر رگ آن را ببرند خون از آن می‌جهد، نجس است و بنابر  
احتیاط واجب باید از ادرار حیوان حرام گوشتی هم که خون جهنده ندارد  
پرهیز نمود، ولی پرهیز از مدفوع آن لازم نیست. و فضله حشرات کوچک  
مانند پشه و مگس که گوشت ندارند پاک است.

(مسئله ۵۹) بنابر احتیاط واجب باید از ادرار و مدفوع حیوان نجاستخوار و  
حیوانی که انسان با آن نزدیکی نموده و گوسفتندی که گوشت آن از خوردن  
شیر خوک محکم شده پرهیز نمود.

#### ۳ - منی:

(مسئله ۶۰) منی حیوانی که خون جهنده دارد نجس است، هر چند در منی  
حیوانات حلال گوشت، حکم به نجاست خالی از اشکال نیست، ولی مطابق  
احتیاط است.

#### ۴ - مردار:

(مسئله ۶۱) مرد حیوانی که خون جهنده داشته نجس است، خواه خودش  
مرده باشد یا بدون رعایت دستور اسلام آن را کشته باشند. و ماهی، چون خون  
جهنده ندارد، گرچه در آب بمیرد پاک است.

(مسئله ۶۲) اجزایی از بدن حیوان مرده که در اصل روح نداشته مانند: پشم،  
مو و کرک، پاک است و استخوان و دندان نیز اگر روح نداشته باشد پاک  
می‌باشد، ولی همین اجزا از حیوان نجس العین؛ یعنی: سگ و خوک، نجس  
می‌باشد.

(مسئله ۶۳) اگر از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد، در حالی که

زنده است، گوشت یا چیز دیگری را که روح دارد جدا کنند نجس می‌باشد.

(مسئله ۶۴) پوستهای مختصر لب و جاهای دیگر بدن که هنگام افتادن آن رسیده، گرچه آن را جدا کنند پاک است، ولی بنابر احتیاط واجب باید از پوستی که زمان افتادنش نرسیده و آن را جدا کرده‌اند اجتناب نمود.

(مسئله ۶۵) تخم مرغی را که از شکم مرغ مرده بیرون می‌آورند، اگر پوست روی آن سفت شده باشد پاک است، ولی باید ظاهر آن را آب کشید.

(مسئله ۶۶) اگر بره و بزغاله، پیش از آنکه علفخوار شوند بمیرند، پنیر مایه‌ای که در شیردان آنها می‌باشد پاک است، ولی بنابر احتیاط واجب باید ظاهر آن را آب کشید.

(مسئله ۶۷) داروهای روان، عطر، روغن، واکس و صابونی که از کشورهای خارج وارد می‌کنند، اگر انسان به نجس بودن آنها یقین ندارد پاک است، همچنین گوشت و پیه و چرمی که در بازار مسلمانان فروخته می‌شود پاک است، ولی اگر فروشنده کافر باشد و ندانیم آن را از مسلمان گرفته یا نه، نجس است؛ همچنین اگر فروشنده مسلمان باشد و بدانیم آن را از کافر گرفته و رسیدگی نکرده که از حیوانی است که مطابق دستور شرع کشته شده یا نه، نجس می‌باشد.

#### ۵ - خون:

(مسئله ۶۸) خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد<sup>۱</sup> نجس است؛ پس خون حیواناتی مانند ماهی و پشه که خون جهنده ندارند پاک می‌باشد.

(مسئله ۶۹) اگر حیوان حلال گوشتی را به دستوری که در شرع معین شده بکشند و خون آن به مقدار معمول خارج شود، بقیه خونی که در بدن حیوان می‌ماند پاک است؛

هرچند خوردن آن حرام می‌باشد، مگر اینکه مستهلك شده و مشخص نباشد. ولی اگر به علت نفس کشیدن یا به واسطه اینکه سر حیوان در جای بلندی بوده خون به بدن حیوان برگردد، آن خون نجس است و بنابر احتیاط واجب باید از خون بسته‌ای که در قلب و یا خونی که در اجزای حرام حیوان، مانند سپر ز و تخمها، مانده است پرهیز شود.

۱. یعنی حیوانی که اگر رگ آن را بمیرند خون از آن می‌جهد.

## مسائل طهارت

(مسئله ۷۰) بنابر احتیاط واجب باید از خونی که در تخم مرغ است اجتناب شود و خوردن آن حرام است، ولی اگر آن خون در رگ و یا زرده باشد و پاره نشده باشد، بقیه تخم مرغ، پاک و حلال است.

(مسئله ۷۱) خونی که گاهی موقع دوشیدن شیر دیده می‌شود نجس است و شیر را نجس می‌کند.

(مسئله ۷۲) خونی که به واسطه کوییده شدن، زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، اگر طوری باشد که دیگر به آن خون نگویند پاک است، هر چند فرض آن مشکل است. و اگر به آن خون بگویند، تا وقتی که زیر پوست یا ناخن است برای وضو و غسل اشکال ندارد، اما هر گاه سوراخ شود، اگر مشقت ندارد باید برای وضو و غسل خون را بیرون آورند؛ و اگر مشقت و زحمت دارد باید اطراف آن را به طوری که نجاست زیاد نشود بشویند و پارچه یا پلاستیک یا چیزی مثل آنها بر روی آن بندند و روی آن دست تر بکشند و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بکنند.

(مسئله ۷۳) اگر انسان نداند که خون زیر پوست مرده است یا گوشت به واسطه کوییده شدن به آن حالت درآمده پاک است، ولی معمولاً در اثر کوییده شدن، خون زیر پوست می‌میرد.

(مسئله ۷۴) اگر موقع جوشیدن غذا ذره‌ای خون در آن بیفتد تمام غذا و ظرف آن نجس می‌شود و بنابر احتیاط مستحب، جوشیدن و حرارت و آتش پاک کننده نیست.

(مسئله ۷۵) زردابه‌ای که در حال بهبود زخم در اطراف آن پیدا می‌شود، اگر معلوم نباشد با خون آمیخته شده پاک است.

### ۶ و ۷ - سگ و خوک:

(مسئله ۷۶) سگ و خوکی که در خشکی زندگی می‌کنند، حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبتهای آنها نجس است، ولی سگ و خوک دریایی نجس نمی‌باشند.

-۸- کافر:

(مسئله ۷۷) کسی که منکر خداست، یا برای خدا شریک قرار می‌دهد، یا پیامبری خاتم الانبیاء، حضرت محمد بن عبدالله (ص) و یا معاد را قبول ندارد، کافر و نجس می‌باشد.

(مسئله ۷۸) کسی که ضروری شریعت را، یعنی چیزی را که مثل نماز و روزه، مسلمانان جزو دین اسلام می‌دانند، منکر شود، چنانچه بداند آن چیز ضروری شریعت است و انکار آن به انکار خدا یا توحید و یا نبوت باز می‌گردد کافر و نجس می‌باشد.

(مسئله ۷۹) اگر مسلمانی به یکی از چهارده معصوم:، در حال اختیار و حالت طبیعی، دشنام دهد و یا با آنان دشمنی ورزد، در کافر و نجس می‌باشد.

(مسئله ۸۰) اگر پدر و مادر بچه نابالغ کافر باشند بچه حکم پدر و مادر را دارد.

(مسئله ۸۱) اگر بچه نابالغ کافر به حدی رسیده باشد که خوبی و بدی را تشخیص دهد و در آن حال اسلام اختیار کند، مسلمان و پاک است، هر چند پدر و مادر او کافر باشند.

(مسئله ۸۲) کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه، پاک می‌باشد، ولی احکام دیگر مسلمانان را ندارد، مثلاً نمی‌تواند زن مسلمان بگیرد و نباید در قبرستان مسلمانان دفن شود، مگر اینکه اسلام او احراز شود یا در بلاد اسلامی باشد.

(مسئله ۸۳) «نجاست کافر، خبثی نیست بلکه حدثی است و لذا با شهادتین آن نجاست بر طرف می‌شود.»

-۹- شراب:

(مسئله ۸۴) شراب و هر چیز مست کننده‌ای که به خودی خود روان باشد، نجس و خوردن آن حرام و موجب حد شرعی است و اگر مثل بنگ و حشیش روان نباشد و در آن آب بریزند که روان شود پاک است، ولی خوردن آن حرام است.

(مسئله ۸۵) الکلها بی که در امور پزشکی و برای ضد عفونی و در مواردی برای رنگ آمیزی به کار می‌رود، اگر انسان نداند از چیز مست کننده روان ساخته شده، پاک است و اگر بداند از چیز مست کننده روان گرفته شده نجس

است.

(مسئله ۸۶) استفاده از عطرها یا ادکلنها در صورتی که انسان نداند از چیز مست کننده روان ساخته شده است اشکال ندارد.

(مسئله ۸۷) اگر از نفت که عنصر مایع و روان است الکل به دست آورند، در صورتی که مست کننده نباشد پاک است.

(مسئله ۸۸) انگور و آب انگوری که به خودی خود جوش آمده، نجس و حرام است و اگر به واسطه پختن جوش باید خوردنش حرام است و بنابر احتیاط واجب باید از آن و همچنین از خرما، مویز، کشمش و آب آنها، اگر جوش باید و یا جوش بیاورند پرهیز نمود و چنانچه شک کنند جوش آمده یا نه پرهیز لازم نیست. پس اگر کشمش را لابلای پلو یا میان دلمه و مانند آن بگذارند و شک کنند که مغز آن جوش آمده، پاک و حلال است.

#### ۱۰- فقّاع:

(مسئله ۸۹) «فقّاع» که از جو گرفته می شود و به آن «آبجو» می گویند، نجس و خوردن آن حرام است، ولی آبی که به دستور طیب از جو می گیرند و به آن «ماء الشعیر» می گویند و به هیچ وجه مست کننده نیست، پاک و خوردن آن حلال است.

#### ۱۱- عرق جنب از حرام:

(مسئله ۹۰) بنابر احتیاط باید از عرق کسی که از راه حرام جنب شده – مانند عرق کسی که در حال زنا یا لواط یا استمنا... و یا بعد از آن، از بدن او بیرون می آید - اجتناب شود و نباید با بدن و لباس آلوده به این عرق نماز بخوانند.

(مسئله ۹۱) بنابر احتیاط باید از عرق جنابت کسی که با زن خود در وقتی که نزدیکی با او حرام است - مانند: وقت حیض، نفاس و یا در حال روزه ماه رمضان - نزدیکی کرده اجتناب شود و با بدن و لباس آلوده به آن نماز هم نخواند.

(مسئله ۹۲) اگر جنب از حرام به جای غسل تیمم نماید و پس از آن عرق کند، بنابر احتیاط باید از عرق خود پرهیز نماید و با آن نماز هم نخواند.

#### ۱۲- عرق حیوان نجاستخوار:

(مسئله ۹۳) بنابر احتیاط باید از عرق شتر نجاستخوار، بلکه هر حیوان

دیگری که به خوردن مدفوع انسان عادت کرده - به طوری که عمدۀ خوراک آن مدفوع انسان باشد - پرهیز شود.

راه ثابت شدن نجاست:

(مسئله ۹۴) نجاست هر چیز از سه راه ثابت می‌شود:

الف - خود انسان یقین کند که چیزی نجس شده، پس اگر گمان به نجس شدن چیزی پیدا شود پرهیز از آن لازم نیست.

ب - کسی که چیزی در اختیار اوست و متهم به دروغگویی نیست، بگوید آن چیز نجس شده است.

ج - دو مرد عادل بگویند چیزی نجس شده است و اگر یک مرد عادل هم بگوید چیزی نجس است، بنابر احتیاط واجب باید از آن چیز اجتناب کرد.

(مسئله ۹۵) نوجوان نابالغی که فرا رسیدن تکلیف او نزدیک است اگر بگوید چیزی که در اختیار اوست نجس می‌باشد، بنابر احتیاط واجب باید از آن پرهیز نمود و اگر بگوید چیزی را آب کشیده، در صورت وثوق و اطمینان، حرف او پذیرفته است.

(مسئله ۹۶) اگر به واسطه ندانستن مسئله، نجس یا پاک بودن چیزی را نداند باید مسئله را پرسد، ولی اگر با اینکه مسئله را می‌داند شک کند چیزی پاک است یا نه و سابقه آن را هم نداند، مثلاً شک کند آن چیز خون است یا نه، یا شک کند که خون پشه است یا خون انسان، یا شک کند چیزی با عین نجاست تماس پیدا کرده یا نه، آن چیز پاک می‌باشد.

(مسئله ۹۷) چیز نجسی که انسان شک دارد پاک شده یا نه نجس است و اگر در چیز پاکی شک پیدا شود که نجس شده یا نه پاک می‌باشد و اگر هم بتواند نجس یا پاک بودن آن را بفهمد، لازم نیست جستجو کند.

(مسئله ۹۸) اگر بداند یکی از دو ظرف یا دو لباسی که هر دوی آنها در اختیار اوست نجس شده و نداند کدام است، باید از هر دو پرهیز نماید.

(مسئله ۹۹) کسی که در طهارت و نجاست دچار وسواس است، باید بدون توجه به وسوسه‌های نفسانی به متعارف مردم نگاه کرده و بینند آنها در چه مواردی یقین به طهارت و نجاست پیدا می‌کنند و همانند آنان عمل نماید، همچنین است اگر در مسائل وضو، غسل و سایر عبادات وسواس داشته باشد.

اگر چنین شخصی به وسوسه‌های نفسانی خود اعتماد نماید، شیطان در او طمع کرده و به تدریج در اعتقادات و امور روزمره او نیز شک و تردید ایجاد می‌نماید.

راه نجس شدن چیزهای پاک:

(مسئله ۱۰۰) اگر چیز نجسی به چیز دیگری که پاک است برسد، در صورتی که هر دو یا یکی از آنها چنان تر باشد که تری یکی به دیگری سرايت کند، آن چیز پاک هم نجس می‌شود، ولی اگر رطوبت چندان نباشد که به دیگری سرايت کند، چیزی که پاک بوده نجس نمی‌شود.

(مسئله ۱۰۱) اگر چیزی با چند واسطه به نجس اصلی مرتبط شود و زیادی واسطه به سه یا بیش از آن برسد، به گونه‌ای که عرفاً حکم به سرايت نجاست نشود، اجتناب از آن لازم نیست، هر چند احوط است.

(مسئله ۱۰۲) زمین و پارچه و مانند آن، اگر رطوبت داشته باشد، هر قسمی که نجاست به آن برسد نجس می‌شود و جاهای دیگر آن پاک است، مگر اینکه رطوبت آن حرکت کند و جابجا شود و یا آب آن زیاد و متصل باشد، یا جریان داشته باشد.

(مسئله ۱۰۳) هر گاه یک نقطه از مایعات روان - همچون شیر، دوغ و شربت - نجس شود همه آن نجس می‌شود، ولی اگر یک نقطه از مایعات غیر روان، مانند عسل و روغنی که روان نیست، نجس شود همان نقطه نجس است و می‌توان از باقیمانده آن استفاده نمود. و نشانه روان بودن این است که اگر مقداری از آن را برداریم فوراً جای آن پر شود.

(مسئله ۱۰۴) اگر مگس یا حشره‌ای دیگر از روی چیز نجسی که تراست برخاسته و روی چیز دیگری که پاک است بنشیند، چنانچه انسان یقین کند که نجاست به چیز پاک رسیده، چیز پاک نیز نجس می‌شود.

(مسئله ۱۰۵) اگر جایی از بدن نجس شود و عرق آن به جای دیگر برود، یا چند قطره آب روی آن بریزد و به جای دیگر برود، آنجا هم نجس می‌شود. و اگر عرق به جای دیگر نرود جاهای دیگر بدن پاک است مگر اینکه عرق زیاد و متصل باشد، و جابجا بشود. ولی رطوبت تنها و کم، موجب سرايت نجاست به جاهای دیگر نمی‌شود.

(مسئله ۱۰۶) اخلاطی که از یینی یا گلو می‌آید اگر غلیظ بوده و خون

## مسائل طهارت

داشته باشد، جایی که خون دارد نجس و بقیه آن پاک است، پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد، مقداری را که انسان یقین دارد جای نجس اخلاط به آن رسیده نجس و محلی را که شک دارد پاک می‌باشد.

(مسئله ۱۰۷) اگر آب دهان و بینی در داخل به خون برسد و بعد از خارج شدن به خون آلوده نباشد پاک است.

(مسئله ۱۰۸) چیزهایی مانند ابزار بزشکی که وارد بدن می‌شود و با نجاست برخورد می‌کند، اگر هنگام بیرون آوردن آلوده به نجاست نباشد پرهیز از آن لازم نیست.

### **احکام نجاست:**

(مسئله ۱۰۹) نجس کردن قرآن به تفصیلی که گفته می‌شود، حرام و آب کشیدن آن واجب است.

(مسئله ۱۱۰) خوردن و آشامیدن چیز نجس و نیز خورانیدن آن به دیگران، حتی به اطفال، در صورتی که ضرر قابل توجه داشته باشد حرام است، بلکه اگر ضرر هم نداشته باشد بنابر احتیاط باید از آن خودداری کنند، ولی اگر خود کودک خوراکی را نجس کند و یا با دست نجس، آن را بخورد، جلوگیری از او لازم نیست.

(مسئله ۱۱۱) اگر انسان بیند کسی چیز نجسی را می‌خورد یا بالباس نجس نماز می‌خواند، لازم نیست به او بگوید، مگر اینکه طرف، به اصل حکم شرعی جاهل باشد، که در این صورت لازم است حکم خدا به او گفته شود.

(مسئله ۱۱۲) اگر صاحبخانه در بین غذا خوردن بهمدم غذا نجس است باید به مهمانها بگوید و اگر یکی از مهمانها بفهمد لازم نیست به دیگران خبر دهد، ولی چنانچه طوری با آنان معاشرت دارد که می‌داند به واسطه نگفتن، خود او هم نجس می‌شود، باید بعد از غذا به آنان بگوید.

(مسئله ۱۱۳) اگر جایی از خانه یا فرش کسی نجس باشد و بیند بدن یا لباس یا چیز دیگر کسانی که وارد خانه او می‌شوند با رطوبت به جای نجس رسیده است، لازم نیست<sup>۱</sup> به آنان بگوید، مگر اینکه او آنان را دعوت کرده و

---

<sup>۱</sup> - گرچه اگر گفت خلاف نکرده.

## مسائل طهارت

چیز نجس را در اختیارشان گذاشته باشد، یا اینکه بخواهد یا ناچار باشد با آنان هم غذا شود و می‌داند به واسطه نجس بودن آنان خود او هم نجس می‌شود.

(مسئله ۱۱۴) فروختن و عاریه دادن چیز نجسی که می‌شود آن را آب کشید، چنانچه نجس بودن آن را به طرف بگویند اشکال ندارد و چنانچه نگویند محل اشکال است، بلکه لازم است.

(مسئله ۱۱۵) اگر چیزی را که عاریه کرده نجس شود، چنانچه بداند صاحبش آن چیز را در خوردن یا آشامیدن و یا در کاری که طهارت در آن شرط است استعمال می‌کند واجب است به او بگویید، بلکه در غیر این صورت نیز بنابر احتیاط به او خبر دهد.

## **مطهرات**

(مسئله ۱۱۶) ده چیز، نجس را پاک می‌کند و به آنها «مطهرات» گفته می‌شود:

«آب»، «زمین»، «آفتتاب»، «استحاله»، «کم شدن دو سوم آب انگور»، «انتقال»، «اسلام»، «تبغیت»، «از میان رفتن عین نجاست»، «استبرای حیوان نجاستخوار».

### **۱ - آب:**

(مسئله ۱۱۷) «آب» با چهار شرط، چیز نجس را پاک می‌کند:

**الف** - مطلق باشد، پس آب مضاف، مثل گلاب، بنابر احتیاط واجب چیز نجس را پاک نمی‌کند.

**ب** - پاک باشد.

**ج** - هنگام شستن چیز نجس، مضاف نشود و بو یا رنگ و یا مزه نجاست هم نگیرد.

**د** - پس از آب کشیدن چیز نجس، عین نجاست در آن نمانده باشد.

(مسئله ۱۱۸) ظرفی را که سگ از آن چیز روان خورده باید نخست با خاک پاک خاکمال کرد؛ سپس بنابر احتیاط واجب با کمی مخلوط آب و خاک آن را سایید؛ آنگاه بنابر احتیاط سه بار با آب شست، همچنین ظرفی را که سگ آن را لیسیده و یا آب دهانش را در آن ریخته بنابر احتیاط واجب باید پیش از شستن خاکمال کرد.

(مسئله ۱۱۹) ظرفی را که خوک از آن چیز روان خورده باید با آب قلیل

هفت بار شست و در آب کر و جاری نیز احتیاط هفت مرتبه است. و لازم نیست آن را خاکمال کنند؛ گرچه احتیاط مستحب آن است که خاکمال شود، همچنین است بنابر احتیاط واجب ظرفی که خوک آن را لیسیده باشد.

(مسئله ۱۲۰) ظرفهایی که به شراب نجس شده باشد باید با آب قلیل سه مرتبه شست؛ و بهتر است هفت مرتبه شسته شود، همچنین بنابر احتیاط در کر و جاری همین حکم وجود دارد.

(مسئله ۱۲۱) اگر چیز نجس را پس از برطرف کردن عین نجاست یک بار در آب کر یا جاری فرو برد که آب به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می‌شود و در فرش و لباس و مانند آن، بنابر احتیاط واجب طوری حرکت یا فشار دهنده که عمدۀ آب داخل آن بیرون رود.

(مسئله ۱۲۲) چیزی را که به ادرار نجس شده اگر ظرف نباشد و بخواهد با آب قلیل بشویند، چنانچه فشار لازم نداشته باشد، با دو بار ریختن آب روی آن پاک می‌شود، ولی اگر مانند فرش و لباس، فشار لازم داشته باشد، باید پس از هر بار ریختن آب، فشار دهنده تا غساله آن خارج شود. و در صورتی که فرض ادرار، غلیظ و چسبنده باشد باید اول عین آن را برطرف نمایند.

(مسئله ۱۲۳) اگر بخواهدن چیزی را که به ادرار نجس شده با آب کر یا جاری بشویند، یک مرتبه شستن کفایت می‌کند، ولی در فرش و لباس و مانند آن بنابر احتیاط، فشار یا در آب حرکت دهنده تا غساله آن بیرون آید.

(مسئله ۱۲۴) اگر چیزی به ادرار پسر شیرخواری که غذاخور نشده نجس شود، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند که به تمام جاهای نجس آن برسد و بنابر احتیاط غساله آن جدا شود پاک می‌شود، اگر چه احتیاط مستحب آن است که یک مرتبه دیگر هم روی آن آب بریزند و در لباس و فرش و مانند آن بنابر احتیاط واجب فشار دهنده. و در صورتی که پسر شیرخوار غذاخور شده باشد این حکم شامل او نمی‌شود و باید مطابق مسئله «۱۲۲» و «۱۲۳» عمل شود، همچنین است بنابر احتیاط اگر از شیر خوک یا شیر زن غیر مسلمان تغذیه کرده باشد.

(مسئله ۱۲۵) اگر بخواهدن لباس یا چیزی را که فشار لازم دارد در ظرفی بگذارند و آب بکشند، باید در هر مرتبه که آب روی آن می‌ریزند آن را فشار

دهند و کاری کنند که غساله موجود در ظرف بیرون بریزد.

(مسئله ۱۲۶) لباس نجسی را که رنگ شده است اگر بخواهند با آب کر یا جاری تطهیر نمایند، پس از فرو بردن در آب و رسیدن آب به تمام لباس، پیش از آنکه به واسطه رنگ لباس مضاف شود، پاک می‌شود، ولی بنابر احتیاط واجب آن را حرکت و یا فشار دهند. و مضاف یا رنگین شدن آب هنگام فشار و خروج غساله اشکال ندارد.

(مسئله ۱۲۷) ماشینهای لباسشویی در صورتی که یقین پیدا شود آب لوله کشی شهر به لباسها متصل و بر همه آنها مسلط شده پاک کننده است، گرچه غساله آن به تدریج خارج شود. ولی شستن به وسیله ماشینهایی که تماس آب به تمام لباس به تدریج و پس از قطع آب و به وسیله دوّران انجام می‌شود حکم شستن با آب قلیل را دارد، و باید حداقل دو مرتبه شسته و آب غساله آن خارج گردد.

(مسئله ۱۲۸) اگر بعد از آب کشیدن لباس و مانند آن چیزهایی از قبیل خشکیده غذا یا گل در آن دیده شود و مانع رسیدن آب به تمام اجزای لباس نشده باشد پاک است، ولی اگر آب نجس به باطن گل و مانند آن رسیده باشد، ظاهر آن پاک و باطن آن نجس است.

(مسئله ۱۲۹) هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن برطرف نکنند پاک نمی‌شود، ولی اگر بو یا رنگ نجاست در آن مانده باشد اشکال ندارد. بنابراین اگر خون را از لباس برطرف کنند و لباس را آب بکشند و رنگ خون در آن بماند پاک می‌باشد، ولی چنانچه به واسطه بو یا رنگ یقین کنند یا احتمال دهند که ذره‌های نجاست در آن چیز مانده نجس است؛ البته میزان، دقت عرفی است نه دقت عقلی و فلسفی.

(مسئله ۱۳۰) چیز نجسی را که عین نجاست در آن نیست اگر زیر شیری که متصل به کر است یک مرتبه بشویند پاک می‌شود و نیز اگر عین نجاست در آن باشد، چنانچه عین نجاست آن زیر شیر یا به وسیله دیگر برطرف شود و آبی که از آن چیز می‌ریزد بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد با آب شیر پاک می‌گردد و گرنه باید به قدری آب شیر روی آن بریزند تا آبی که از آن جدا می‌شود بو یا رنگ یا مزه نجاست نداشته باشد.

(مسئله ۱۳۱) اگر چیزی را آب بکشد و یقین کند پاک شده و بعد شک

## مسائل طهارت

کند که عین نجاست را از آن برطرف کرده یا نه، چنانچه موقع آب کشیدن متوجه برطرف کردن عین نجاست بوده آن چیز پاک است و اگر متوجه برطرف کردن عین نجاست نبوده بنابر احتیاط واجب دوباره آن را آب بکشد.

(مسئله ۱۳۲) اگر نجاست بدن را در آب کریا جاری برطرف کنند بدن پاک می شود و بیرون آمدن و دوباره در آب رفتن لازم نیست.

(مسئله ۱۳۳) اگر جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل آب بکشنده، اطراف آنجا که متصل به آن است و معمولاً موقع آب کشیدن آنجا نجس می شود، با پاک شدن جای نجس پاک می شود، به شرط آنکه آبی که برای پاک شدن محل نجس می ریزند بر آن اطراف نیز جاری شود، همچنین است اگر چیز پاکی را پهلوی چیز نجسی بگذارند و روی هر دو آب بریزند.

(مسئله ۱۳۴) اگر ظرف یا بدن نجس باشد و بعد به طوری چرب شود که آب به آن نرسد، چنانچه بخواهند ظرف یا بدن را آب بکشنده، باید اول چربی را برطرف کنند و سپس آن را آب بکشنده.

(مسئله ۱۳۵) اگر بخواهند موی سر و صورت را با آب قلیل آب بکشنده بنابر احتیاط، باید پس از هر بار آب ریختن، فشار دهنده تا غساله آن بیرون آید.

(مسئله ۱۳۶) اگر ظاهر گندم، برنج، سایر حبوبات و یا صابون و مانند آن نجس شود، با فرو بردن در آب کر و یا جاری پاک می شود، ولی اگر باطن آنها نجس شود به هیچ وسیله‌ای پاک نمی شود و مجرد فرو رفتن رطوبت به باطن آنها موجب پاکی باطن آنها نمی شود. در صورتی که شک کند آب نجس به باطن صابون و مانند آن رسیده یا نه پاک است.

(مسئله ۱۳۷) اگر ظاهر برنج و گوشت یا چیزی مانند اینها نجس شده باشد، چنانچه آن را در ظرفی بگذارند و سه مرتبه روی آن آب بریزند و خالی کنند پاک می شود؛ بلکه در صورتی که به ادرار نجس شده باشد دو مرتبه، و در غیر ادرار یک مرتبه هم کافی است و ظرف آن هم پاک می گردد، ولی اگر ظرف آن از قبل نجس بوده سه مرتبه شستن لازم است.

(مسئله ۱۳۸) گوشت و دنبه‌ای که نجس شده مثل چیزهای دیگر آب کشیده می شود، همچنین است اگر بدن یا لباس، چربی کمی داشته باشد که از رسیدن آب به آنها جلوگیری نکند.

(مسئله ۱۳۹) زمینی را که به سبب سنگفرش بودن آب در آن فرو

## مسائل طهارت

نمی‌رود می‌توان با آب قلیل آب کشید، به شرط آنکه به قدری آب روی آن بریزند که جاری شود، همچنین باید غساله آن را رد کنند و یا با پارچه و مانند آن جمع نمایند، ولی در شستن با آب متصل به کر رعایت این شرط لازم نیست. و زمینی را که روی آن از ریگ و شن پوشیده شده و غساله در آن فرومی‌رود، اگر با آب قلیل آب بکشد روی شنها پاک و زیر آن نجس است.

(مسئله ۱۴۰) زمینی که آب روی آن جاری نمی‌شود با آب قلیل پاک نمی‌گردد، مگر اینکه اصلاً آب در آن فرو نرود و ممکن باشد با پارچه و مانند آن فوراً غساله را جمع نمایند.

(مسئله ۱۴۱) اگر ظاهر چیزهایی از قبیل میز و صندلی نجس شود با آب قلیل هم پاک می‌شود، همچنین اگر ظاهر سنگ نمک نجس شود با آب قلیل می‌توان آن را آب کشید، مگر اینکه غساله‌ای که از آن جدا می‌شود مضاف شود.

### ۲ - زمین:

(مسئله ۱۴۲) «زمین» با پنج شرط، کف پا و ته کفش نجس را پاک می‌کند:

۱ و ۲ - بنابر احتیاط واجب زمین پاک و خشک باشد.

۳ - به سبب راه رفتن و برخورد با زمین نجس، کف پا یا ته کفش نجس شده باشد.

۴ - نجاستی که به کف پا یا ته کفش رسیده، با راه رفتن یا مالیدن پا به زمین برطرف شود.

۵ - زمینی که روی آن راه می‌روند خاکی یا سنگفرش و یا آجرفرش و مانند آن باشد.

و کف پا یا ته کفش با راه رفتن روی فرش یا حصیر و یا سبزه پاک نمی‌شود و پاک شدن آن با راه رفتن روی آسفالت و زمینی که با چوب فرش شده محل اشکال است.

(مسئله ۱۴۳) برای پاک شدن کف پا یا ته کفش نجس بهتر است حدائق پانزده ذراع (تقریباً پانزده گام معمولی) راه برود، هر چند با کمتر از این مقدار یا مالیدن پا به زمین نجاست آن برطرف شود.

(مسئله ۱۴۴) لازم نیست کف پایا ته کفش نجس، تر باشد، بلکه اگر خشک هم باشد به راه رفتن پاک می شود.

(مسئله ۱۴۵) هنگامی که کف پایا ته کفش نجس به راه رفتن پاک شود، مقداری از اطراف آن هم که معمولاً به گل آلوده می شود، اگر با زمین یا خاک تماس پیدا کند پاک می گردد.

(مسئله ۱۴۶) اگر بعد از راه رفتن بقین کند ذره های کوچکی از نجاست در کف پایا ته کفش مانده است، باید آن را برطرف نماید و دوباره راه برود؛ بلکه با بودن و یا رنگ نجاست، پاک بودن مشکل است.

(مسئله ۱۴۷) کسانی که با دست و زانو و یا با پای مصنوعی راه می روند، اگر کف دست، سر زانو یا کف پای مصنوعی آنان نجس شود به وسیله راه رفتن پاک می شود، همچنین است ته عصا، چرخ اتومبیل یا موتورسیکلت، نعل چهارپایان و مانند اینها. ولی درون کفش و آن اندازه از کف پا که به زمین نمی رسد، به واسطه راه رفتن پاک نمی شود و پاک شدن کف جوراب به وسیله راه رفتن محل اشکال است.

### ۳ - آفتاب:

(مسئله ۱۴۸) «آفتاب» زمین و ساختمان و چیزهایی مانند: در، پنجره و میخهایی را که در ساختمان به کار رفته و جزو ساختمان به شمار می آید با شش شرط پاک می کند:

۱ - چیز نجس به گونه ای تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد تر شود، پس اگر خشک باشد، باید آن را تر نمایند تا آفتاب خشک کند.

۲ - پیش از تاییدن، عین نجاست از آن چیز برطرف شده باشد.

۳ - چیزی مانند ابر یا پرده و یا جسم دیگری، از تاییدن مستقیم خورشید به چیز نجس جلوگیری نکند و اگر از پشت شیشه یا به وسیله آینه بتایید پاک شدن آن محل اشکال است، ولی اگر ابر به قدری نازک باشد که از تاییدن آفتاب جلوگیری نکند اشکال ندارد.

۴ - آفتاب به تنها یی تری چیز نجس را خشک کند و اگر مثلاً آفتاب و باد، یا آفتاب با گرمای دیگر آن تری را خشک کند پاک نمی شود، ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده اشکال ندارد.

## مسائل طهارت

۵ - آفتاب مقداری از بنا یا ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته یک مرتبه خشک کند، پس اگر یک مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد و روی آن را خشک کند و در روز دیگر زیر آن را خشک نماید، فقط روی آن پاک می شود و زیر آن نجس می ماند.

۶ - بین روی زمین یا ساختمان که آفتاب به آن می تابد و داخل آن، هوا یا جسم پاک دیگری فاصله نباشد و گرنده قسمت داخل پاک نمی شود، هر چند در اثر تابش آفتاب خشک شود.

(مسئله ۱۴۹) درخت و گیاه و میوه بر درخت نیز اگر نجس و تر باشد با تابش آفتاب پاک می شود، هر چند خوب است اجتناب شود.

(مسئله ۱۵۰) اگر آفتاب به یک سوی دیوار نجس بتابد سوی دیگر آن پاک نمی شود، مگر اینکه دیوار به قدری نازک باشد که با تابش به یک سوی دیوار سمت دیگر آن هم خشک شود.

(مسئله ۱۵۱) اگر بعد از آنکه آفتاب به زمین نجس تایید انسان شک کند که زمین موقع تاییدن آفتاب تر بوده یا شک کند تری آن به واسطه آفتاب خشک شده یا نه، آن زمین نجس است، همچنین است اگر شک کند که پیش از تابش آفتاب عین نجاست از آن برطرف شده یا نه، یا شک کند که چیزی مانع تابش آفتاب بوده است یا نه.

### ۴ - استحاله:

(مسئله ۱۵۲) اگر ماهیت و جنس چیز نجس به گونه ای عوض شود که به صورت چیز پاکی درآید پاک می شود و می گویند «استحاله» شده است، مثل آنکه چوب نجس بسوزد و خاکستر گردد، یا سگ در نمکزار فرو رود و نمک شود، ولی اگر ماهیت و جنس آن عوض نشود پاک نمی شود، مثل آنکه گندم نجس را آرد کنند یا نان بپزند.

(مسئله ۱۵۳) اگر چیز نجسی به وسیله مواد شیمیایی یا دستگاههای جدید به طور کلی استحاله نشود و جنس و ماهیت آن تغییر کند پاک می گردد، ولی تنها تغییر آثار آن کافی نمی باشد.

(مسئله ۱۵۴) کوزه گلی و مانند آن که از گل نجس ساخته شده نجس است و بنابر احتیاط مستحب باید از ذعالی که از چوب نجس درست شده اجتناب شود.

(مسئله ۱۵۵) اگر شراب به خودی خود یا به واسطه آنکه چیزی مثل سرکه و نمک در آن ریخته‌اند سرکه شود پاک می‌گردد.

(مسئله ۱۵۶) شرابی که از انگور نجس درست کنند به سرکه شدن پاک نمی‌شود، بلکه اگر نجاستی هم از خارج به شراب برسد، بنابر احتیاط واجب باید پس از سرکه شدن از آن اجتناب نمایند. مگر اینکه از نظر علمی ازاله نجاست همراه انگور و شیء خارجی شده باشد.

(مسئله ۱۵۷) پوشال ریز انگور و خرما که معمولاً هنگام سرکه انداختن درون خُم ریخته می‌شود اشکال و ضرری ندارد، ولی بنابر احتیاط واجب تا هنگامی که انگور یا کشمش و یا خرما سرکه نشده، چیزهایی از قبیل خیار، پیاز، سیر و بادمجان در آن نریزند.

(مسئله ۱۵۸) چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه نجس است.

#### ۵ - کم شدن دو سوم آب انگور:

(مسئله ۱۵۹) جوش آمدن آب انگور که موجب حرمت آن می‌شود به دو صورت است:

الف - به وسیله آتش جوش آمده باشد، که در این صورت خوردنش حرام و بنابر احتیاط نجس است و تنها وقتی پاک و حلال می‌شود که ٹُشان گردد؛ یعنی چنان بجوشد که دو سوم آن بخار شود.

ب - به خودی خود جوش آمده باشد، که در این صورت نجس و خوردن آن حرام است و تنها در صورتی پاک و حلال می‌شود که تبدیل به سرکه گردد.

(مسئله ۱۶۰) آب انگوری که معلوم نیست جوش آمده یا نه پاک است، ولی اگر با آتش جوش آمده باشد، تا یقین نکیم که دو سوم آن کم شده بنابر احتیاط واجب پاک و حلال نمی‌شود و اگر یقین نکیم که به خودی خود جوش آمده، تا سرکه نشود پاک و حلال نمی‌شود.

(مسئله ۱۶۱) اگر مثلاً در یک خوش‌غوره، یک یا دو دانه انگور باشد، چنانچه به آبی که از آن خوش‌گرفته می‌شود «آبغوره» بگویند و اثری از شیرینی انگور در آن نباشد و بجوشد، پاک و خوردن آن حلال است، همچنین چیزی که معلوم نیست غوره است یا انگور اگر جوش آید نجس نیست.

(مسئله ۱۶۲) اگر یک دانه انگور در چیزی که به آتش می‌جوشد بیفتد و

مغز آن بجوشد بنابر احتیاط واجب از آن اجتناب شود.

(مسئله ۱۶۳) اگر هنگام پختن شیره، آب انگور را در چند دیگ جوش بیاورند، احتیاطا برای هر دیگ یک کفگیر اختصاص دهند و کفگیر دیگ جوش نیامده را در دیگ جوش آمده و کفگیر دیگ ٹُشان نشده را در دیگ ٹُشان شده نزنند.

#### ۶ - انتقال:

(مسئله ۱۶۴) اگر خون بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد<sup>۱</sup> به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد انتقال یابد و خون آن حیوان به شمار آید پاک است و این را در اصطلاح «انتقال» گویند، مانند خونی که پشه از بدن انسان یا حیوان دیگر می‌مکد و جزو بدن پشه می‌شود، اما خونی که زالو از بدن انسان می‌مکد جزو خون بدن آن حیوان نشده نجس است.

(مسئله ۱۶۵) اگر کسی پشه‌ای را که بر بدنش نشسته بکشد و نداند خونی که از پشه بیرون آمده خونی است که از او مکیده یا از خود پشه می‌باشد، آن خون پاک است، اما اگر بداند که از او مکیده و فاصله مکیدن خون و کشتن پشه به قدری اندک باشد که عاده خون انسان است، یا معلوم نباشد خون پشه است یا خون انسان، نجس می‌باشد.

#### ۷ - اسلام:

(مسئله ۱۶۶) اگر کافر، شهادتین بگوید؛ یعنی بگوید: «أَشَهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشَهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ» هر چند به زبان دیگر باشد مسلمان می‌شود، و بعد از مسلمان شدن، بدن و آب دهان و عرق او پاک است، ولی اگر هنگام مسلمان شدن عین نجاست، مانند خون و مشروبات الکلی، به بدن او باشد، باید آن را برطرف کند و جای آن را هم آب بکشد، بلکه اگر پیش از مسلمان شدن، عین نجاست برطرف شده باشد بنابر احتیاط مستحب جای آن را آب بکشد.

(مسئله ۱۶۷) اگر موقعی که کافر بوده لباس او با رطوبت به بدنش رسیده باشد و آن لباس در موقع مسلمان شدن در بدن او نباشد؛ بنا بر احتیاط مستحب نجس است، بلکه اگر در بدن او هم باشد بنابر احتیاط مستحب باید از آن

۱. یعنی اگر رگ آن را ببرند خون از آن می‌جهد.

اجتناب نماید.

(مسئله ۱۶۸) اگر کافر شهادتین را بگوید و انسان نداند قلبا مسلمان شده یا نه پاک است، همچنین است اگر بداند قلبا مسلمان نشده، ولی آنچه در دل دارد اظهار نمی کند و بر طبق موازین اسلام عمل می نماید. گرچه احتیاط خوب است.

- تبعیت:

«تبعیت» آن است که چیز نجسی با پاک شدن چیز نجس دیگر پاک شود، مانند سرکه شدن شراب و پاک شدن آن که سبب می شود ظرف آن نیز به تبعیت پاک شدن سرکه ها پاک شود.

(مسئله ۱۶۹) هنگامی که شراب سرکه می شود ظرف آن هم تا جایی که شراب هنگام جوش آمدن به آن رسیده پاک می شود، حتی پارچه ای که عموماً روی آن ظرف می اندازند و هنگام جوش آمدن آن پارچه هم آلوده می شود پاک می گردد.

(مسئله ۱۷۰) اگر آب انگوری که با آتش جوشیده پیش از آنکه دو سوم آن بخار شود به جایی بریزد، بنابر احتیاط واجب باید آن را آب کشید، ولی ظرف و کفگیری که برای پختن آن به کار رفته پس از کم شدن دو سوم آن پاک می شود.

(مسئله ۱۷۱) تخته یا سنگی که میت را روی آن غسل می دهند و پارچه ای که عورت او را با آن می پوشانند و دست کسی که میت را غسل می دهد، پس از تمام شدن غسل، پاک می شود؛ ولی کیسه، صابون و سنگ پا که هنگام شستن میت به کار رفته، بنابر احتیاط استحبابی باید آب کشیده شود.

(مسئله ۱۷۲) فرزندان نابالغ کفار پس از اسلام آوردن پدر یا مادرشان محکوم به اسلام، ولی قبل از اسلام آوردن پدر یا مادر، حکم کافر را دارند، مگر اینکه خودشان اهل فکر و تشخیص باشند و در این جهت تابع پدر و مادر باشند.

(مسئله ۱۷۳) اگر لباس و مانند آن را با آب قلیل آب بکشند و به اندازه معمول فشار دهند تا آبی که روی آن ریخته اند جدا شود، رطوبت باقیمانده پاک است.

(مسئله ۱۷۴) کسی که چیز نجسی را با دست خود آب می کشد، اگر

## مسائل طهارت

دست و آن چیز با هم آب کشیده شوند، بعد از پاک شدن آن چیز دست او هم پاک می‌شود.

(مسئله ۱۷۵) ظرف نجس را که با آب قلیل آب می‌کشد، بعد از جدا شدن آبی که برای پاک شدن روی آن ریخته‌اند، قطره‌های آبی که پس از پاک شدن ظرف در آن باقی می‌ماند پاک است.

### ۹ - برطرف شدن عین نجاست:

(مسئله ۱۷۶) اگر باطن و درون بدن انسان - مانند داخل دهان و بینی - به نجاست آلوده شود، چنانچه آن نجاست برطرف شود پاک شده و لازم نیست آن را آب بکشنند، همچنین است اگر بدن حیوان نجس شده و نجاست آن برطرف شود.

(مسئله ۱۷۷) اگر دندان مصنوعی داخل دهان نجس شود یا غذای نجسی لای دندانها مانده باشد، چنانچه آب را در دهان بگردانند و به تمام جاهای نجس برسد پاک می‌شود.

(مسئله ۱۷۸) جایی را که انسان نمی‌داند از ظاهر بدن انسان یا از باطن، چنانچه نجس شود بنابر احتیاط واجب آن را آب بکشد.

(مسئله ۱۷۹) اگر غذا لای دندان مانده باشد و داخل دهان خون بیاید، چنانچه انسان نداند که خون به غذا رسیده آن غذا پاک است و اگر خون به آن برسد بنابر احتیاط مستحب آن را بشوید، همچنین است حکم دندانی که آن را پر کرده‌اند.

(مسئله ۱۸۰) اگر گرد و خاک و یا پودر نجس به لباس و فرش و مانند آن بنشینند، چنانچه هر دو خشک باشند نجس نمی‌شود، هر چند بنابر احتیاط برای نماز آن را بتکانند و اگر تکان دهنده به گونه‌ای که یقین کنند همه گرد نجس برطرف شده احتیاج به سستن نیست، ولی اگر گرد و خاک یا لباس و مانند آن تر باشد، باید محل نشستن گرد و خاک را آب بکشنند.

### ۱۰ - استبرای حیوان نجاستخوار

(مسئله ۱۸۱) ادرار و مدفع حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده بنابر احتیاط واجب نجس است و برای پاک شدن باید مدتی به آن خوراک پاک بدنه و نگذارند نجاست بخورد، به طوری که دیگر حیوان نجاستخوار خوانده نشود، به این عمل «استبرای حیوان نجاستخوار» گفته

## مسائل طهارت

می شود. و بنابر احتیاط واجب برای استبرای «شتر» چهل روز، «گاو» سی روز و بهتر است چهل روز، «گوسفند» ده روز و بهتر است چهارده روز، «مرغابی» هفت یا پنج روز و «مرغ خانگی» سه روز، آنها را از خوردن نجاست پرهیز دهند و اگر بعد از این مدت باز هم احتمال بر طرف شدن رانمی دهد از ادرار و مدفوع آنها اجتناب شود.

### احکام قرآن و مسجد الف - قرآن

(مسئله ۱۸۲) نجس کردن خط قرآن حرام است و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب کشید، همچنین اگر ورق یا جلد قرآن نجس شود، در صورتی که بی احترامی به آن باشد باید آن را آب بکشنند.

(مسئله ۱۸۳) قرار دادن قرآن روی عین نجس، مانند خون و مردار، هر چند آن عین خشک باشد، در صورتی که بی احترامی به قرآن باشد حرام است و برداشتن قرآن از روی آن واجب می باشد.

(مسئله ۱۸۴) دادن قرآن به دست کفار و اهل کتاب به امید هدایت ایشان و به منظور مطالعه و بررسی روی آیات آن در صورتی که در معرض نجس شدن و هتك و اهانت نباشد و واقعاً بخواهند از آن استفاده کننده مانع ندارد.

(مسئله ۱۸۵) لمس آیات قرآن و اسامی خداوند بدون طهارت بنا بر احتیاط بدون هتك حرام است، ولی نوشتن آیات قرآن و اسامی خداوند متعال، و نیز لمس گردها و خاکریزهایی که هنگام نوشتن آیات قرآنی بر تخته سیاه و مانند آن روی زمین می ریزد، بدون طهارت، اشکال ندارد، همچنین لمس نوارهایی که قرآن روی آن ضبط شده است، بدون طهارت اشکال ندارد، ولی هتك آنها جایز نیست.

(مسئله ۱۸۶) هنگام تلاوت قرآن شایسته است انسان به آن گوش دهد و از صحبت کردن پرهیز کند، بلکه در صورتی که بی احترامی و هتك به قرآن باشد صحبت کردن جایز نیست، ولی اگر کسی چیزی پرسد می تواند جواب او را بدهد.

(مسئله ۱۸۷) در هر یک از سوره های: «سی و دوم (سجده)»، «چهل و یکم (فصلت)»، «پنجاه و سوم (نجم)»، و «نود و ششم (علق)» یک آیه سجده

## مسائل طهارت

واجب وجود دارد، هر گاه انسان یکی از این چهار آیه را بخواند یا به آن گوش دهد، باید فوراً سجده کند. و تفصیل احکام آن در مبحث سجده بیان خواهد شد.

### **ب - مسجد:**

(مسئله ۱۸۸) نجس کردن زمین، سقف، بام و سمت داخلی دیوار مسجد جائز نیست و هر کس بفهمد باید فوراً آن را تطهیر نماید و نیز فرش مسجد و سمت خارجی دیوار آن نیز همین حکم را دارد، ولی اگر واقع سمت خارجی دیوار را جزو مسجد قرار نداده باشد تطهیر آن واجب نیست.

(مسئله ۱۸۹) اگر وقت نماز برسد و وقت وسعت داشته باشد، باید تطهیر مسجد را بر نماز مقدم داشت.

(مسئله ۱۹۰) اگر نتواند مسجد را تطهیر کند یا کمک لازم داشته باشد و پیدا نکند، تطهیر مسجد بر او واجب نیست، ولی اگر بی احترامی به مسجد باشد، بنابر احتیاط واجب باید به کسی که می‌تواند تطهیر کند اطلاع دهد.

(مسئله ۱۹۱) اگر مسجدی را غصب کنند و جای آن، خانه و مانند آن سازند که دیگر به آن مسجد نگویند، باز هم بنابر احتیاط واجب آن را نجس نکنند و اگر نجس شد تطهیر نمایند.

(مسئله ۱۹۲) نهادن جسد میّت در مسجد پیش از غسل دادن آن اگر موجب سراحت نجاست به مسجد و یا مستلزم هتك احترام نباشد مانع ندارد، گرچه احوط ترک آن است، ولی اگر میّت را غسل داده باشند گذاشتن او در مسجد اشکال ندارد.

(مسئله ۱۹۳) نجس کردن حرم پیامبر و امامان جائز نیست و اگر نجس شود، چنانچه نجس ماندن آن بی احترامی باشد تطهیر آن واجب است، بلکه احتیاط مستحب آن است که اگر بی احترامی هم نباشد آن را تطهیر کنند.

(مسئله ۱۹۴) نصب عکس و پوستر و مانند آن به دیوار مسجد اگر موجب تخریب و ضرر به آن نشود حرام نیست، گرچه وجود عکس هنگام نماز مکروه است.

(مسئله ۱۹۵) جا گرفتن در مسجد و مانند آن، به هر شکل که باشد، اگر طول نکشد و به گونه‌ای باشد که چنانچه دیگری در آنجا بشیند عرفا بگویند جای او را غصب کرده، موجب اولویت می‌شود و استفاده دیگری از آن جایز

نیست.

(مسئله ۱۹۶) انجام مراسم گوناگون در مساجد اگر مزاحم نماز و وعظ و ارشاد نباشد و موجب تخریب و ضرر به مسجد و یا هتك آن نشود اشکال ندارد.

(مسئله ۱۹۷) نقل و انتقال مالکیت مسجد یا تغییر آن برای کارهای دیگر که با مسجد بودن منافات دارد جایز نیست و ابزار و لوازم آن، مانند در و پنجره و فرش را اگر به هیچ وجه در همان مسجد یا مساجد دیگر قابل استفاده نباشد می‌توانند بفروشند، و پول آن را اگر ممکن است صرف تعمیر همان مسجد و گرنه صرف تعمیر مساجد دیگر نمایند. و کسانی که می‌خواهند فرش یا چیز دیگری برای مساجد یا حسینیه‌ها و یا حرم امامان : بخند خوب است آن را وقف نکنند، بلکه به آنجا تملیک نمایند تا متولی یا حاکم شرع بتواند در موقع لزوم آن را مطابق مصلحت تبدیل نماید.

(مسئله ۱۹۸) ساختن مسجد و تعمیر مسجدی که نزدیک به خرابی است مستحب می‌باشد و اگر مسجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد، می‌توانند آن را خراب کنند و دوباره بسازند، بلکه مسجدی را که خراب نشده می‌توانند برای احتیاج مردم خراب کنند و بزرگتر یا محکمتر بسازند.

(مسئله ۱۹۹) تمیز کردن مسجد و روشن کردن چراغ آن خوب است و کسی که می‌خواهد به مسجدی برود مستحب است خود را خوشبو کند و لباس پاکیزه بپوشد و خوب است موقع داخل شدن به مسجد، ابتدا پای راست و خوب است موقع بیرون آمدن ابتدا پای چپ را بگذارد.

(مسئله ۲۰۰) وقتی انسان وارد مسجد می‌شود مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحيت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب یامستحب دیگری هم بخواند کافی است.

(مسئله ۲۰۱) خوابیدن در مسجد چنانچه انسان ناچار نباشد و صحبت کردن راجع به کارهای دنیا و مشغول صنعت شدن و خواندن شعری که در آن نصیحت و مانند آن نباشد مکروه است، همچنین مکروه است که آب دهان یا یینی یا اخلات سینه را در مسجد بیندازد، یا صدای خود را بلند کند، ولی بلند کردن صدا برای اذان کراحتی ندارد.

### احکام ظرفها

(مسئله ۲۰۲) خوردن و آشامیدن در ظرفهایی که از پوست سگ یا خوک و یا مردار ساخته شده حرام است و نباید این ظروف را در وضو و غسل و کارهای دیگری که طهارت در آن شرط است به کار برد، بلکه احتیاط مستحب آن است که چرم سگ و خوک و مردار را، اگر چه به صورت ظرف هم نباشد، به هیچ نحو استعمال نکنند.

(مسئله ۲۰۳) خوردن و آشامیدن از ظرف طلا یا نقره و استعمال آن حرام است و بنابر احتیاط واجب از استعمال آنها در زینت اطاق هم اجتناب شود، ولی نگاه داشتن آنها بدون استعمال حرام نمی‌باشد، اگر چه ترک آن بهتر است.

(مسئله ۲۰۴) استعمال ظرفی که روی آن را آب طلا یا نقره داده‌اند خالی از اشکال نیست.

(مسئله ۲۰۵) گیره استکان را که از طلا یا نقره می‌سازند اگر بعد از برداشتن استکان به آن ظرف گفته شود، استعمال آن به تنها یی با استکان حرام است، ولی اگر به آن ظرف گفته نشود استعمال آن مانع ندارد.

(مسئله ۲۰۶) استعمال ظرفی که معلوم نیست از طلا و نقره است یا از چیز دیگر اشکال ندارد.

(مسئله ۲۰۷) ساختن ظرف طلا و نقره و مزدی که برای آن می‌گیرند حرام نیست، اگر چه ترک آن بهتر است.

(مسئله ۲۰۸) خرید و فروش ظرف طلا و نقره و پول و عوضی هم که فروشنده می‌گیرد حرام نیست.

### احکام تخلی (دستشویی رفتن)

(مسئله ۲۰۹) واجب است انسان مکلف هنگام تخلی و موقع دیگر، عورت خود را از کسانی که مکلفند، اگر چه با او محروم باشند، پوشاند، همچنین لازم است آن را از دیوانه و بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمند، هر چند محروم باشند، پوشاند. ولی زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر پوشانند.

(مسئله ۲۱۰) هنگام تخلی باید طرف جلوی بدن؛ یعنی شکم، سینه و عورت رو به قبله یا پشت به قبله نباشد.

## مسائل طهارت

(مسئله ۲۱۱) اگر هنگام تخلی، طرف جلوی بدن کسی رو به قبله یا پشت به قبله باشد و عورت را از قبله بگرداند کفايت نمی کند و چنانچه جلوی بدن او رو به قبله یا پشت به قبله نباشد احتیاط واجب آن است که عورت را رو به قبله یا پشت به قبله ننماید.

(مسئله ۲۱۲) هنگام شستشوی محل ادرار و مدفوع رو به قبله یا پشت به قبله بودن اشکال ندارد، ولی در موقع استبراء اگر ادرار از مخرج بیرون آید بنابر احتیاط واجب رو به قبله یا پشت به قبله نشینند.

(مسئله ۲۱۳) اگر برای تخلی مجبور باشد رو به قبله یا پشت به قبله نشینند، مثلاً برای آنکه نامحرم او را نینند، در صورتی که تأخیر آن ضرر و مشقت داشته باشد اشکال ندارد و چنانچه هر دو حالت ممکن است احتیاط واجب آن است که پشت به قبله نشینند.

(مسئله ۲۱۴) در چند جا تخلی حرام است:

الف - بنابر احتیاط واجب در کوچه‌های بنست که صاحبان آنها اجازه نداده باشند.

ب - در ملک کسی که اجازه تخلی نداده است.

ج - در دستشوئی‌هایی که برای افراد مخصوصی وقف شده است.

د - بر روی قبور مؤمنین در صورتی که بی احترامی به آنان باشد.

ه - در هر جایی که موجب بی احترامی به یکی از مقدسات دین باشد.

(مسئله ۲۱۵) در سه مورد، مخرج مدفوع فقط با آب پاک می‌شود:

الف - هر گاه نجاست دیگری، مانند خون، همراه مدفوع بیرون آید.

ب - هر گاه نجاستی از بیرون به مخرج مدفوع رسیده باشد.

ج - اگر اطراف مخرج مدفوع بیش از اندازه معمول آلوده شده باشد.

و در غیر این سه مورد می‌توان مخرج مدفوع را با دستمال پارچه‌ای یا کاغذی و یا با سنگ و کلوخ و مانند اینها پاک نمود و بنابر احتیاط واجب از سه مرتبه کمتر نباشد، گرچه با یک مرتبه یا دو مرتبه هم پاکیزه شود ولی اگر با سه مرتبه نجاست بر طرف نشود، باید به اندازه‌ای تکرار شود تا محل به طور کامل از نجاست پاک شود.

(مسئله ۲۱۶) سنگ و کلوخ و مانند آن در صورتی مخرج مدفوع را پاک می‌کند که پاک و خشک باشد، ولی اگر رطوبت کمی داشته باشد که به

مخرج نرسد اشکال ندارد.

(مسئله ۲۱۷) لازم نیست مخرج مدفوع را با سه پارچه یا سه سنگ پاک نماید، بلکه با سه گوشه یک پارچه یا یک سنگ هم کافی است.

(مسئله ۲۱۸) بهتر است مخرج مدفوع را با آب بشوید و در این صورت باید به اندازه‌ای شستشو دهد که یقین کند چیزی از ذرات مدفوع در آن نمانده است، ولی باقی ماندن رنگ یا بوی آن اشکال ندارد. و اگر در مرتبه اول طوری شسته شود که ذره‌ای از مدفوع در آن نماند، دوباره شستن لازم نیست.

(مسئله ۲۱۹) اگر شک کند که مخرج ادرار یا مدفوع را تطهیر کرده یا نه، باید آن را تطهیر کند، ولی اگر پس از نماز، چنین شکی برای او پیش آید، با احتمال توجه به آن، نمازی را که خوانده صحیح است، ولی باید برای نمازهای بعد تطهیر نماید.

استبراء:

(مسئله ۲۲۰) «استبراء» عمل مستحبی است که مردها پس از بیرون آمدن ادرار انجام می‌دهند و اگر پس از استبراء و تطهیر مخرج ادرار، رطوبت مشکوکی از انسان بیرون آید نجس نمی‌باشد و وضو یا غسل هم باطل نمی‌گردد، ولی اگر استبرا نکرده باشد، باید محل را بشوید و وضو یا غسل را دوباره انجام دهد.

(مسئله ۲۲۱) استبراء شیوه‌های مختلفی دارد و هدف از آن پاکسازی مجرای ادرار است. بهترین شیوه استبراء این است که بعد از قطع شدن ادرار، اگر مخرج مدفوع نجس شده ابتدا آن را تطهیر کند، بعد سه دفعه با انگشت میانه دست چپ از مخرج مدفوع تا بیخ آلت بکشد و بیخ آن را فشار دهد و بعد شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارد و سه مرتبه تا سر آن بکشد و پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهد.

(مسئله ۲۲۲) گاهی پس از ادرار، آبی از انسان خارج می‌شود که به آن «وَدِی» می‌گویند و گاهی پس از ملاعبة و بازی، آب چسبنده‌ای خارج می‌شود که به آن «مَذِی» گفته می‌شود و گاهی هم پس از منی آبی از انسان خارج می‌شود که به آن «وَدِی» می‌گویند و هر یک از این سه آب چنانچه ادرار یا منی به آن نرسیده باشد پاک است. حال اگر کسی پس از ادرار، استبرا کند و آبی از او بیرون آید و شک کند که آیا ادرار است یا یکی از این سه آب،

پاک می‌باشد و اگر وضو یا غسل داشته است باطل نمی‌شود.

(مسئله ۲۲۳) اگر انسان شک کند استبرا کرده یا نه و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه، باید بنا بگذارد که استبرا نکرده و خود را تطهیر نماید و اگر وضو داشته وضویش هم باطل می‌شود، ولی اگر شک کند استبرائی که کرده درست بوده یا نه و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نجس، پاک می‌باشد و وضو را هم باطل نمی‌کند.

(مسئله ۲۲۴) کسی که استبرا نکرده اگر به واسطه آنکه مدتی از ادرار کردن او گذشته یقین یا اطمینان پیدا کند که ادرار در مجرانمانده است و رطوبتی بیند و شک کند پاک است یا نه، آن رطوبت پاک می‌باشد و وضو را هم باطل نمی‌کند.

(مسئله ۲۲۵) اگر انسان پس از ادرار استبراء کند و وضو بگیرد، چنانچه بعد از وضو رطوبتی بیند و بداند یا ادرار است یا منی، واجب است احتیاطا غسل کند و وضو هم بگیرد، ولی اگر در همین فرض وضو نگرفته باشد فقط گرفتن وضو کافی است.

(مسئله ۲۲۶) برای زن استبرای از ادرار نیست و اگر رطوبتی در خود بیابد و شک کند پاک است یا نجس، پاک می‌باشد و وضو و غسل را هم باطل نمی‌کند.

(مسئله ۲۲۷) بجز استبرای از ادرار، استبرای از منی نیز وجود دارد و آن ادرار کردن پس از خارج شدن منی است. این عمل موجب پاکسازی مجرای ادرار از منی می‌شود و اگر کسی پیش از این عمل غسل کند و پس از غسل رطوبتی مشکوک در خود بیابد، باید دوباره غسل نماید.  
مستحبات و مکروهات تخلّی:

(مسئله ۲۲۸) مستحب است هنگام تخلّی جایی بنشیند که کسی اصلاً او را نیند و موقع وارد شدن به مکان تخلّی ابتدا پای چپ و موقع بیرون آمدن ابتدا پای راست را بگذارد همچنین مستحب است در حال تخلّی سر را بپوشاند و سنگینی بدن را بر پای چپ بیندازد.

(مسئله ۲۲۹) مستحب است انسان پیش از نماز و پیش از خواب و پیش از جماع و بعد از بیرون آمدن منی ادرار کند.

(مسئله ۲۳۰) هنگام تخلّی، نشستن روپروری خورشید و ماه و روپروری باد

و در جاده، خیابان، کوچه، درب خانه و زیر درختی که میوه می‌دهد مکروه است، همچنین چیز خوردن، توقف زیاد، تطهیر کردن با دست راست و حرف زدن در حال تخلی مکروه می‌باشد، ولی اگر ذکر خدا بگوید یا از روی ناچاری حرف بزند مکروه نیست.

(مسئله ۲۳۱) ایستاده ادرار کردن و ادرار در زمین سخت و سوراخ جانوران و در آب، خصوصاً آب ایستاده، مکروه است، همچنین خودداری کردن از ادرار و مدفعه مکروه می‌باشد و در صورتی که ضرر می‌رساند نباید خودداری کند.

لازم به ذکر است که برخی از مستحبات و مکروهات نامبرده در مسائل فوق دلیل محکمی ندارد، ولی عمل به آنها به قصد رجا و امید ثواب خوب است.

### وضو

«وضو» شیوه‌ای مخصوصی است که انسان به دستور خدا پیش از نماز برای تطهیر دل و تقریب به خداوند انجام می‌دهد و خود را با این شستن ظاهری آماده زدودن آلودگیهای روحی و قلبی می‌کند، از این رو انسان هر چه به هنگام وضو توجه و حضور قلب بیشتری داشته باشد، نشاط و حضور معنوی بهتری در نماز خواهد داشت. اما باید دانست که فلسفه وضو را نمی‌توان به این امور محدود کرد یا به اموری چون شستن و رعایت بهداشت منحصر نمود و آنچه در وضو لازم و اساسی است تعبد و بندگی و اطاعت در برابر ذات یگانه خداوند است.

(مسئله ۲۳۲) در وضو، شستن صورت و دستها و مسح کردن جلوی سر و روی پاهای به ترتیبی که در مسائل آینده گفته می‌شود واجب است و بجز واجباتی که در وضو وجود دارد، آداب و دعاهایی نیز وارد شده که مستحب است هنگام وضو به آنها توجه شود.

(مسئله ۲۳۳) وضو را به دو صورت می‌توان انجام داد: ترتیبی و ارتمامی. «وضوی ترتیبی» آن است که آب روی هر یک از اعضای وضو بریزد و از بالا به پایین، به ترتیب آنها را شستشو دهد، ولی در «وضوی ارتمامی» هر عضو به ترتیب و با فرو بردن زیر آب شسته می‌شود.

## آداب وضو و ترتیب آن

(مسئله ۲۳۴) کسی که قصد وضو گرفتن دارد مستحب است وقتی نگاهش به آب می‌افتد این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجْسًا»؛ یعنی با نام خدا و کمک از او وضو می‌گیرم؛ همه حمد و سپاس از آن خدایی است که آب را پاکیزه قرار داده است.

و چون دست به آب می‌زنند بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ؛ أَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ»؛ یعنی: با نام خدا و کمک از او آغاز می‌کنم خدایا مرا از توبه کنندگان و پاک شوندگان قرار بده.

(مسئله ۲۳۵) پس از آنکه دستها را از آلوودگی تمیز نمود مستحب است آب در دهان نموده و بیرون بریزد و هنگام انجام این عمل که به آن «مضمضه» می‌گویند بگوید: «أَللَّهُمَّ لَقَنْتِي حُجَّتَنِي يَوْمَ الْقِاتَكَ وَأَطْلُقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ»؛ یعنی: خدایا! روزی که با تو دیدار می‌کنم دلیل را به من تلقین کن و زبانم را به یاد خود بگشا.

همچنین مستحب است آب درینی کرده و بیرون بریزد و هنگام انجام این کار که به آن «استنشاق» می‌گویند بگوید: «أَللَّهُمَّ لَا تُحرِّمْ عَلَى رِيحَ الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنِي مَمَّن يَشْرُمُ رِيحَهَا وَرَوْحَهَا وَطَيْبَهَا»؛ یعنی: خدایا! بوی بهشت را بر من حرام مگردان و از کسانی قرارم ده که نسیم و عطر بهشت را می‌بویند.

شستن صورت:

(مسئله ۲۳۶) برای شستن صورت باید مشت را به قصد شستن صورت از آب پر نموده، به بالای پیشانی، جایی که موی سر می‌روید، بریزد و دست را همراه آب از بالا به پایین بکشد و مستحب است هنگام شستن صورت بگوید: «أَللَّهُمَّ بِيَضِّ وَجْهِي يَوْمَ تَسُودُ فِيهِ الْوُجُوهُ وَلَا تُسُودُ وَجْهِي يَوْمَ تَبَيَّضُ فِيهِ الْوُجُوهُ»؛ یعنی: خدایا! روزی را در آن روز که چهره‌ها سیاه است سپید گردن و در آن روزی که چهره‌ها سپید است رویم را سیاه مگردان.

(مسئله ۲۳۷) هنگام شستن صورت واجب است درازای آن را از رستنگاه موتا چانه و پهنازی آن را به اندازه‌ای که میان انگشت میانی و شست قرار می‌گیرد، از بالا به پایین شستشو دهد و اگر مختصراً از این مقدار را نشوید وضو باطل است و برای آنکه یقین پیدا کند این مقدار را شسته باید کمی از

اطراف آن را هم بشوید.

(مسئله ۲۳۸) شستن داخل یینی و قسمتی از لبها و چشمها که هنگام بستن دیده نمی‌شوند واجب نیست، ولی برای آنکه یقین کند تمام آنچه واجب بوده شسته شده، باید مقداری از آنها را هم بشوید.

(مسئله ۲۳۹) کسی که دستهایش کوچکتر و یا چهره‌اش بزرگتر از معمول باشد و یا موهای سر او در بخشی از پیشانی او روییده و یا بخشی از جلوی سر او مو نداشته باشد، باید به اندازه‌ای که افراد متعارف چهره خود را شستشو می‌دهند صورت خود را بشوید.

(مسئله ۲۴۰) کسی که دستها و صورتش هر دو از اندازه متعارف کوچکتر و یا بزرگتر باشد ولی خود آنها با یکدیگر متناسب باشند، باید هر اندازه از صورتش را که میان دو انگشت میانی و شست قرار می‌گیرد بشوید.

(مسئله ۲۴۱) رساندن آب وضو به زیر موهای صورت و شستن پوست صورت واجب نیست، مگر آنکه پوست صورت از زیر موها نمایان باشد. و اگر شک کند که پوست صورت از لای موها پیداست یا نه، بنابر احتیاط واجب باید آب را به پوست هم برساند.

(مسئله ۲۴۲) اگر احتمال دهد چرک یا چیز دیگری در ابروها و گوشه‌های چشم و لب او هست که نمی‌گذارد آب به آنها برسد، چنانچه احتمال او در نظر مردم عقلایی و بجا باشد، باید پیش از وضو بررسی کند که اگر هست بطرف نماید.

(مسئله ۲۴۳) در وضو می‌تواند صورت را با دست راست یا چپ و یا هر دو دست شستشو دهد، بلکه اگر آب را از بالا به پایین به همه مقدار واجب برساند، لازم نیست دست بکشد.

شستن دستها:

(مسئله ۲۴۴) پس از شستن صورت باید نخست، دست راست و سپس دست چپ را از آرنج تا سر انگشتان بشوید و برای اینکه یقین کند آب وضو به تمام این مقدار رسیده باید کمی بالاتر از آرنج را هم بشوید.

(مسئله ۲۴۵) باید دستها را مانند صورت از بالا به پایین بشوید و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.

(مسئله ۲۴۶) اگر هنگام شستن صورت یا دستها، از روی اشتباه، دستش از

## مسائل طهارت

پایین به بالا رود در صورتی که صدق شستن از بالا به پایین محفوظ باشد و ضو صحیح است، همچنین اگر هنگام وضو یا مسح سر، دست به طوری قرار بگیرد که آب وضو به طرف آرنج سرازیر شود اشکال ندارد.

(مسئله ۲۴۷) شستن دستها تا مچ پیش از شستن صورت واجب نیست، مگر اینکه دستها نجس باشند و این شستن جزو وضو به شمار نمی‌آید. پس کسی که پیش از شستن صورت دستهای خود را تا مچ شسته باشد، هنگام وضو باید دستها را تا سر انگشتها بشوید و اگر تنها از آرنج تا مچ را بشوید وضویش باطل است.

(مسئله ۲۴۸) هنگام شستن صورت و دستها باید توجه شود چنانچه چیزی مانند: چسب، رنگ، گچ و چربی زیادی که مانع رسیدن آب وضو به پوست بدن می‌شود به صورت یا دستها چسبیده باشد برطرف نموده و آب وضو را به پوست دست و صورت برساند.

(مسئله ۲۴۹) در وضو شستن صورت و دستها در مرتبه اول واجب، مرتبه دوم جایز، و بیش از آن حرام است و ملاک در هر بار شستن این است که اگر بک مشت آب به قصد وضو بریزد و دست بکشد و با آن یقین کند تمام عضو شسته شده یک مرتبه حساب می‌شود، خواه یک مرتبه را قصد کرده باشد یا نه.

(مسئله ۲۵۰) اگر دست را تر کند و به صورت و دستها بکشد، چنانچه تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست، آب کمی بر آنها جاری شود و شستن صدق کند، کافی است.

مسح سر و پا:

(مسئله ۲۵۱) پس از شستن هر دو دست باید بر یک قسمت از چهار قسمت سر که برابر پیشانی است با تری آب وضو که در کف دست مانده دست بکشد و بنابر احتیاط با دست راست و از بالا به پایین و با سه انگشت جلوی سر را مسح نماید. و لازم نیست همه قسمت جلوی سر را مسح نماید، بلکه هر قسمت از آن را مسح کند کافی است.

(مسئله ۲۵۲) کسی که موی سرش به اندازه‌ای بلند است که اگر شانه کند به صورت یا جای دیگر سرش می‌رسد، هنگام مسح باید با باز نمودن فرق، پوست جلوی سر یا به هر ترتیب دیگر بیخ موها را مسح کند و اگر موهایش به این اندازه بلند نیست، کافی است روی موها را مسح نماید..

(مسئله ۲۵۳) پس از مسح سر باید با تری آب وضو که در کف دست باقی مانده روی پاها را از سر انگشت تا برآمدگی روی پا مسح نماید و احتیاط مستحب آن است که تا مفصل مسح شود و بنابر احتیاط با سه انگشت مسح نماید و بهتر از آن، مسح با تمام کف دست است. و لازم نیست مسح بر شست پا باشد، بلکه اگر انگشتهای دیگر هم مسح شود کافی است، ولی باید بر روی بلندی پا ختم شود.

(مسئله ۲۵۴) احتیاط واجب آن است که در مسح پاها، دست را بر سر انگشتها بگذارد و بعد به روی پا بکشد، نه آنکه تمام دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد.

(مسئله ۲۵۵) مستحب است هنگام مسح پاها بگوید: «اللَّهُمَّ ثِبْتِنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ، وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»؛ یعنی: خدا! آن روز که گامها بر صراط می‌لغزد گام مرا ثابت و استوار بدار و کوششم را در آنجه از من خرسند می‌شوی قرار ده، ای دارنده شکوه و بزرگوار!

(مسئله ۲۵۶) هنگام مسح باید جای مسح خشک باشد و اگر به اندازه‌ای تر باشد که تری دست بر آن اثر نکند مسح باطل است، ولی اگر تری به اندازه‌ای کم باشد که رطوبتی را که بعد از مسح در آن دیده می‌شود بگویند فقط از تری کف دست است اشکال ندارد.

(مسئله ۲۵۷) اگر آب مسح سر به آب صورت متصل شود وضو باطل نمی‌شود، ولی مسح پا باید با رطوبت گرفته شده از آب صورت باشد. همچنین اگر هنگام شستن صورت، مقداری از موها هم خیس شود و موقع مسح سر رطوبت با آن رطوبت مسح مخلوط شود، وضو باطل نمی‌شود، ولی مسح پا باید با آن رطوبت انجام شود.

(مسئله ۲۵۸) هنگام مسح باید سر و پا را ثابت نگاه دارد و دست را روی آن بکشد و اگر دست را نگاه داشته و سر یا پا را به آن بکشد، صحیح بودن مسح محل اشکال است، ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد سر یا پا مختصراً حرکتی کند اشکال ندارد.

(مسئله ۲۵۹) اگر برای همه مسحها و یا بعضی از آنها رطوبتی در کف دست نماند، نمی‌توان کف دست را با آب دیگر تر کرد، بلکه باید از اعضا

## مسائل طهارت

دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید و احتیاط این است که از رطوبت ریش و اگر نشد از رطوبت ابروها و پلکها بگیرد و اگر رطوبت کف دست تنها به اندازه مسح سر باشد، بنابر احتیاط واجب سر را با همان رطوبت مسح کند و برای مسح پaha از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد.

(مسئله ۲۶۰) اگر همه جلوی سر و یا روی پا نجس است و نمی‌توان آن را آب کشید، باید تیم نماید و احتیاطاً وضو هم بگیرد و مسح جیره‌ای انجام دهد؛ یعنی پارچه پاک و خشکی روی آن بیندد و روی پارچه را مسح نماید.

(مسئله ۲۶۱) مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است، ولی اگر به واسطه سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند اینها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد، مسح کردن بر آنها اشکال ندارد و اگر روی کفش نجس باشد، باید چیز پاکی بر آن بیندد و بر آن چیز مسح کند و احتیاط واجب آن است که در این صورت تیم هم بنماید.

(مسئله ۲۶۲) اگر پس از مسح، شک کند که صحیح انجام داده یا نه، می‌تواند جای مسح را خشک کرده و دوباره مسح نماید؛ گرچه لازم نیست.

### وضوی ارتقاسی

(مسئله ۲۶۳) «وضوی ارتقاسی» آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد، یا اینها را در آب فرو برد به قصد وضو از آب بیرون آورد. و اگر موقعی که دستها را در آب فرو می‌برد نیست وضو کند و تا وقتی که آنها را از آب بیرون می‌آورد و ریزش آب تمام می‌شود به قصد وضو باشد، وضوی او صحیح است و نیز اگر موقع بیرون آوردن از آب، قصد وضو کند و تا وقتی که ریزش آب تمام می‌شود به قصد وضو باشد، وضوی او صحیح می‌باشد.

(مسئله ۲۶۴) در وضوی ارتقاسی هم باید صورت و دستها را از بالا به پایین شست، پس اگر هنگام فرو بردن در آب قصد وضو کند، باید صورت را از سمت پیشانی و دستها را از سوی آرنج در آب فرو برد و اگر هنگام بیرون آوردن از آب قصد وضو کند، باید صورت را از سمت پیشانی و دستها را از سوی آرنج از آب بیرون آورد.

(مسئله ۲۶۵) اگر وضوی بعضی از اعضا را ارتقاسی و وضوی بعضی را به صورت ترتیبی انجام دهد اشکال ندارد.

(مسئله ۲۶۶) آنچه از آداب و مستحبات که در وضوی ترتیبی گفته شد در وضوی ارتماسی هم جاری می‌شود.

### شرایط وضو

صحت وضو سیزده شرط دارد:

شرط اول و دوم: آب وضو باید پاک و مطلق باشد.

(مسئله ۲۶۷) وضو با آب نجس و آب مضاف باطل است، اگر چه انسان نجس بودن یا مضاف بودن آن را نداند یا فراموش کرده باشد. و اگر با آن وضو نماز خوانده باشد، باید دوباره نماز خود را با وضوی صحیح بجا آورد.

(مسئله ۲۶۸) اگر غیر از آب گل آلود مضاف آب دیگری برای وضو ندارد، چنانچه وقت نماز تنگ باشد باید تیم نماید و اگر وقت دارد بنابر احتیاط واجب صبر کند تا آب صاف شود و وضو بگیرد.

شرط سوم: آب وضو و نیز بنابر احتیاط فضایی که در آن وضو می‌گیرد باید مباح باشد.

(مسئله ۲۶۹) وضو با آب غصی و آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه حرام و باطل است، ولی اگر سابقاً راضی بوده و انسان نداند از رضایتش برگشته یا نه وضو صحیح می‌باشد.

(مسئله ۲۷۰) اگر آب وضو از صورت و دستها در جای غصی بربیزد بنا بر احتیاط حکم وضوی صحیح ندارد.

(مسئله ۲۷۱) وضو گرفتن از وضوخانه مدرسه‌ها، مسافرخانه‌ها و پاساژهایی که انسان نمی‌داند آن را برای همه مردم ساخته‌اند و یا برای محصلان همان مدرسه و ساکنان آن مسافرخانه و پاساژ، اگر معمولاً مردم از آن وضو می‌گیرند و از این راه وثوق و اطمینان پیدا می‌شود که جنبه عمومی دارد اشکال ندارد.

(مسئله ۲۷۲) وضو گرفتن از وضوخانه مسجدی که قصد نماز خواندن در آن را ندارد، در صورتی بی‌اشکال است که وضوخانه وقف عمومی شده باشد و اگر از وضو گرفتن مردم وثوق به وقف عمومی پیدا شود کافی است.

(مسئله ۲۷۳) وضو گرفتن از جویه‌ها و نهرها گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه اشکال ندارد، ولی اگر صاحبان آنها از وضو گرفتن نهی کرده باشند، بنابر احتیاط واجب با آن آب وضو نگیرد.

## مسائل طهارت

(مسئله ۲۷۴) اگر در صحن حرم یکی از امامان : یا سایر بزرگان که در گذشته قبرستان بوده است حوض یا وضو خانه‌ای بسازند، چنانچه انسان نداند که زمین صحن را برای خصوص قبرستان وقف کرده‌اند و ضو گرفتن در آنجا اشکال ندارد.

شرط چهارم و پنجم: ظرفی که آب و ضو در آن است باید مباح باشد و نیز از طلا و نقره نباشد.

(مسئله ۲۷۵) اگر غیر از آبی که در ظرف غصبی و یا طلا و نقره است آب دیگری ندارد باید تیم کند و چنانچه وضو بگیرد، اگر ارتماسی باشد باطل است و اگر به قصد وضو، با ظرف بر بدن خود بریزد یا غرفه بردارد و وضو بگیرد معصیت کرده، ولی صحت وضوی او بعيد نیست، هر چند احوط این است که یک تیم اضافه کند. و اگر آب دیگری داشته باشد و در ظرف غصبی یا طلا و نقره وضوی ارتماسی بگیرد معصیت کرده و وضویش هم باطل است و در غیر این صورت معصیت کرده، ولی وضوی او صحیح است.

شرط ششم: بنابر احتیاط واجب باید اعضای وضو هنگام شستن و مسح کشیدن پاک باشد.

(مسئله ۲۷۶) اگر پیش از تمام شدن وضو و یا پس از آن، عضوی را که شسته یا مسح کرده نجس شود، وضو صحیح است و نیز اگر غیر از اعضای وضو جای دیگری از بدن نجس باشد وضو صحیح است، ولی اگر مخرج ادرار یا مدفع را تطهیر نکرده، سزاوار آن است که نخست آن را آب بکشد و پس از آن وضو بگیرد.

(مسئله ۲۷۷) اگر یکی از اعضای وضو نجس بوده و پس از وضو شک کند که آیا پیش از وضو آن را آب کشیده یا نه، چنانچه می‌داند هنگام وضو توجه داشته و یا شک دارد که توجه داشته یا نه وضو صحیح است، ولی چنانچه هنگام وضو ملتفت پاک یا نجس بودن آنجا بسوزد بنابر احتیاط واجب وضو را از سر بگیرد و در هر صورت باید جایی را که نجس بوده آب بکشد.

(مسئله ۲۷۸) اگر در صورت یا دستها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی‌آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید در آب کر یا جاری فرو برد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید، سپس به دستوری که گفته شد وضوی ارتماسی بگیرد، صحیح است.

شرط هفتم: وقت کافی برای وضو و نماز داشته باشد.

(مسئله ۲۷۹) اگر وقت به اندازه‌ای تنگ شده که اگر وضو بگیرد تمام نماز در خارج از وقت خوانده می‌شود باید تیم کند، همچنین است بنابر احتیاط واجب اگر قسمتی از نماز در خارج وقت خوانده شود، ولی اگر وضو و تیم یک اندازه وقت ببرد باید وضو بگیرد.

(مسئله ۲۸۰) کسی که در تنگی وقت نماز باید تیم کند اگر برای خواندن آن نماز وضو بگیرد، صحت آن محل اشکال است، ولی اگر به قصد قربت یا برای کار مستحبی مثل خواندن قرآن وضو بگیرد صحیح است، گرچه در هر صورت معصیت کرده است.

شرط هشتم: به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خدای متعال وضو بگیرد؛ و اگر برای خنک شدن یا خودنمایی و یا به انگیزه‌ای غیر از اطاعت فرمان خداوند وضو بگیرد باطل است.

(مسئله ۲۸۱) لازم نیست نیت وضو را به زبان بگوید یا از قلب خود بگذراند؛ ولی باید در تمام وضو متوجه باشد که وضو می‌گیرد، به طوری که اگر از او برسند چه می‌کنی بگوید وضو می‌گیرم.

شرط نهم: کارهای وضو را به ترتیبی که گفته شد انجام دهد؛ یعنی اول صورت بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و سپس پاها را مسح نماید. و باید پای چپ را پیش از پای راست مسح نکند، بلکه بنابر احتیاط واجب پای راست را پیش از پای چپ مسح نماید. و اگر به این ترتیب وضو نگیرد باطل است.

شرط دهم: کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد.

(مسئله ۲۸۲) اگر بین کارهای وضو به قدری جدایی افتاد که وقتی می‌خواهد عضوی را بشوید یا مسح کند رطوبت اعضاًی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد، وضو باطل است و اگر فقط رطوبت عضوی که جلوتر از محلی است که می‌خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد، مثلاً موقعی که می‌خواهد دست چپ را بشوید رطوبت دست راست خشک شده باشد و صورت تر باشد، وضو صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که دوباره وضو بگیرد.

(مسئله ۲۸۳) اگر خشک شدن رطوبت اعضا به خاطر گرمای زیاد هوا یا

## مسائل طهارت

حرارت زیاد بدن باشد، وضو درست است، ولی در هر حال باید برای مسح، رطوبت کافی وجود داشته باشد.

(مسئله ۲۸۴) راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد، پس اگر بعد از شستن صورت و دستها چند قدم راه ببرود و بعد سر و پاها را مسح کند، وضوی او صحیح است.

شرط یازدهم: کارهای وضو را خود انسان انجام دهد؛ پس اگر دیگری او را وضو دهدیا در رساندن آب به صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک کند وضو باطل است.

(مسئله ۲۸۵) کسی که نمی‌تواند کارهای وضو را انجام دهد باید نایب بگیرد و اگر نایب اجرت بخواهد در صورت توانایی باید بدده، ولی لازم است خود او نیت وضو نماید و با دست خود مسح کند و اگر نمی‌تواند مسح کند باید نایب دست او را گرفته و به جای مسح او بکشد و اگر به این اندازه هم قدرت نداشته باشد باید نایب از دست او رطوبت بگیرد و سر و پای او را مسح نماید و در صورت اخیر بنابر احتیاط واجب تیم هم بنماید.

(مسئله ۲۸۶) هر کدام از کارهای وضو را که می‌تواند به تنها یی انجام دهد باید در آن کمک بگیرد.

شرط دوازدهم: استعمال آب برای او مانع نداشته باشد.

(مسئله ۲۸۷) کسی که می‌ترسد اگر وضو بگیرد مریض شود و یا اگر آب را به مصرف وضو برساند خود او یا نفس محترمی تشنہ بماند، باید وضو بگیرد، بلکه اگر نداند آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد معلوم شود زیان داشته، بنابر احتیاط مستحب تیم کند و با آن وضو نماز نخواند و اگر با آن وضو نماز خوانده دوباره بجا آورد.

(مسئله ۲۸۸) اگر رساندن آب به صورت و دستها به مقدار کمی که وضو با آن صحیح است ضرر نداشته باشد و بیشتر از آن ضرر داشته باشد، باید با همان مقدار کم وضو بگیرد.

شرط سیزدهم: در اعضای وضو مانع از رسیدن آب به بدن وجود نداشته باشد؛ پس اگر چیزی مانند: قیر، رنگ، لاک و چسب که جسمیت دارند مانع رسیدن آب به بدن شوند، باید پیش از وضو آنها را برطرف کرد.

(مسئله ۲۸۹) رنگ موهایی که خانمها برای رنگ کردن مو یا ابروی خود

## مسائل طهارت

به کار می‌برند و نیز رنگ جوهر خودکار یا خودنویس که بر دست می‌ماند، چنانچه جسمیت نداشته و تنها رنگ باشند برای وضو اشکال ندارد.

(مسئله ۲۹۰) اگر زیر ناخن که باطن محسوب است چرک باشد وضو اشکال ندارد، ولی اگر ناخن را بگیرند، باید برای وضو آن چرک را برطرف کنند و نیز اگر ناخن بیشتر از حد معمول بلند باشد بنابر احتیاط واجب چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر است برطرف نمایند.

(مسئله ۲۹۱) اگر می‌داند چیزی به اعضای وضو چسبیده، ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را به زیر آن برساند.

(مسئله ۲۹۲) اگر شک کند که چیزی به اعضای وضو چسبیده یا نه، باید بررسی کند یا به قدری دست بمالد تا اطمینان پیدا کند که اگر بوده برطرف شده یا آب به زیر آن رسیده است.

(مسئله ۲۹۳) عضوی را که باید شست و یا مسح کرد هر قدر چرک باشد، اگر چرک آن مانع رسیدن آب به بدن نباشد اشکال ندارد، همچنین است اگر بعد از گچکاری و مانند آن چیز سفیدی که مانع رسیدن آب به پوست نمی‌شود بر دست بماند، ولی اگر شک کند که با بودن آن آب به بدن می‌رسد یا نه باید آن را برطرف کند.

(مسئله ۲۹۴) کسی که پیش از وضو می‌دانسته در بعضی از اعضای وضو مانع وجود دارد که از رسیدن آب به پوست جلوگیری می‌کند و پس از وضو شک کرده که هنگام وضو آب به آن عضو رسیده یا نه، وضو او صحیح است، مگر اینکه بداند هنگام وضو متوجه مانع نبوده که در این صورت بنابر احتیاط واجب باید دوباره وضو بگیرد.

(مسئله ۲۹۵) اگر پس از وضو چیزی که مانع رسیدن آب به اعضای وضو است بیند و شک کند که پیش از وضو وجود داشته یا پس از آن پیدا شده، وضوی او درست است، مگر اینکه بداند در وقت وضو متوجه آن مانع نبوده که در این صورت بنابر احتیاط واجب باید دوباره وضو بگیرد، همچنین اگر بعد از وضو شک کند چیزی که مانع رسیدن آب است در بعضی از اعضای وضو بوده یا نه، در صورتی که بداند یا احتمال دهد که در حال وضو متوجه آن محل بوده است وضوی او صحیح است.

(مسئله ۲۹۶) اگر در صورت یا دستها یا جلوی سر و یا روی پاهای بر اثر سوختن تاول پیدا شود، شستن و مسح روی آن کافی است و اگر تاول سوراخ شود شستن آن قسمت که آشکار شده لازم است و رساندن آب به زیر پوست لازم نیست. و اگر پوست یک قسمت کنده شود، لازم نیست آب را به زیر قسمتی که کنده نشده برساند؛ اما اگر پوستی که کنده شده گاهی به بدن می‌چسبد و گاهی بلند می‌شود، باید آن را قطع کنند یا آب را به زیر آن برسانند.

### احکام وضو

#### حکم شک در وضو:

(مسئله ۲۹۷) کسی که در اصل داشتن و نداشتن وضو شک دارد، باید به حالت پیش از زمان شک خود توجه نماید، پس اگر پیش از شک وضو داشته بنا را بروضو داشتن بگذارد و اگر پیش از شک وضو نداشته باید وضو بگیرد.

این حکم؛ یعنی «بردن حالت پیش از شک را به پس از شک» در پاک و نجس بودن و غسل داشتن و نداشتن هم جاری است، ولی کسی که پس از ادرار استبرا نکرده و وضو گرفته و پس از وضو رطوبتی از او بیرون آمده که نمی‌داند ادرار است یا چیز دیگر وضوی او باطل می‌باشد.

(مسئله ۲۹۸) کسی که در کارهای وضو مانند شستشو و مسح عضو، یا در شرایط آن مانند پاکی آب و غصی نبودن آن زیاد شک می‌کند، تا آن اندازه که شک او عقلایی است باید توجه کند، ولی اگر به حد وسوس برسد باید به شک خود اعتماد نماید.

(مسئله ۲۹۹) اگر کسی پس از نماز شک کند وضو گرفته یانه، چنانچه می‌داند و یا احتمال می‌دهد که در آغاز نماز متوجه بوده نماز او درست است، ولی برای نمازهای بعد باید وضو بگیرد.

(مسئله ۳۰۰) اگر در بین نماز شک کند که وضو گرفته یانه، بنابر احتیاط نماز را تمام کند و بعد وضو بگیرد و نماز را دوباره بخواند.

(مسئله ۳۰۱) کسی که می‌داند وضو گرفته و حدثی هم از او سرزده، مثلاً ادرار کرده، اگر نداند کدام جلوتر بوده، یکی از چهار حالت را دارد:  
الف - چنانچه نماز خود را نخوانده، باید برای نماز وضو بگیرد.

ب - اگر در بین نماز است، بنابر احتیاط نماز را ترک کند و بعد وضو

بگیرد و دوباره نمازش را بخواند.

ج - اگر نماز خود را خوانده است و احتمال می‌دهد که قبل از نماز متوجه بوده، نمازش صحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید وضو بگیرد.

د - اگر نماز خود را خوانده و قبل از نماز متوجه نبوده، بنابر احتیاط واجب نمازی را که خوانده دوباره با وضوی جدید بخواند.

(مسئله ۳۰۲) اگر بعد از وضو یا در بین آن یقین کند، یا در بین وضو شک کند که بعضی اعضا را نشسته یا مسح نکرده است، چنانچه رطوبت اعضا بی که پیش از آن است خشک شده باشد باید دوباره وضو بگیرد و اگر خشک نشده باید عضوی را که فراموش کرده یا شک کرده و آنچه را بعد از آن است بشوید یا مسح کند.

حکم کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار یا مدفوع یا باد جلوگیری کند

(مسئله ۳۰۳) کسی بر اثر بیماری، ادرارش قطره قطره می‌ریزد و یا نمی‌تواند از بیرون آمدن مدفوع یا خارج شدن باد جلوگیری نماید، یکی از چهار حالت را دارد:

الف - چنانچه یقین دارد از آغاز تا پایان وقت نماز به اندازه وضو و نماز مهلت پیدا می‌کند، باید نماز را در وقتی که مهلت پیدا می‌کند بخواند و اگر مهلت او تنها به مقدار کارهای واجب نماز است، باید در وقتی که مهلت دارد فقط کارهای واجب نماز را بجا آورد و بنابر احتیاط، کارهای مستحب آن مانند: اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید.

ب - چنانچه به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی‌کند و در بین نماز چند مرتبه ادرار یا مدفوع یا باد از او خارج می‌شود، به طوری که اگر بخواهد بعد از هر مرتبه وضو بگیرد برای او سخت نباشد، باید ظرف آبی پهلوی خود بگذارد و هر وقت ادرار یا مدفوع یا باد از او خارج شد فوراً وضو بگیرد و بقیه نماز را بخواند و بنابر احتیاط همان نماز را دوباره با یک وضو بخواند و این بار اگر در بین نماز چیزی از او خارج شد اعتنا نکند و این احتیاط نسبت به کسی که ادرار از او خارج می‌شود ترک نگردد.

ج - چنانچه به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی‌کند و ادرار یا مدفوع یا باد طوری پی در پی از او خارج می‌شود که وضو گرفتن بعد از هر مرتبه برای

## مسائل طهارت

او سخت است، اگر بتواند مقداری از نماز را با وضو بخواند، باید برای هر نماز یک وضو بگیرد.

د - چنانچه ادرار یا مدفوع و یا باد به گونه‌ای پی در پی از او خارج شود که نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند، بنابر احتیاط برای هر نماز یک وضو بگیرد، هر چند جواز خواندن چند نماز با یک وضو، مگر اینکه به اختیار خود ادرار یا مدفوع کند، خالی از وجه نیست و بجا آوردن شهد و سجده فراموش شده و نیز نماز احتیاط در صورتی که بعد از نماز فوراً آنها را انجام دهد، با همان وضوی نماز کافی است.

(مسئله ۳۰۴) کسی که ادرار پی در پی از او خارج می‌شود اگر بین دو نماز قطره ادراری از او خارج نشود، بنابر احتیاط برای هر نماز یک وضو بگیرد، هر چند جواز خواندن دو نماز با یک وضو خالی از وجه نیست.

(مسئله ۳۰۵) کسی که ادرار او دائماً قطره قطره می‌ریزد، باید برای نماز، امور زیر را رعایت کند:

الف - به وسیله کیسه‌ای که در آن پنه یا چیز دیگری است و از رسیدن ادرار به جاهای دیگر جلوگیری می‌کند خود را حفظ نماید.

ب - بنابر احتیاط واجب پیش از هر نماز، مخرج ادرار را که نجس شده آب بکشد و بنابر احتیاط مستحب کیسه را نیز عوض نماید.

(مسئله ۳۰۶) کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن مدفوع خودداری کند، باید برای نماز امور زیر را رعایت کند:

الف - چنانچه ممکن باشد باید به مقدار نماز از رسیدن مدفوع به جاهای دیگر جلوگیری نماید.

ب - در صورتی که مشقت ندارد، بنابر احتیاط واجب برای هر نماز مخرج مدفوع را آب بکشد.

(مسئله ۳۰۷) کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار یا مدفوع یا باد خودداری کند، در صورتی که ممکن باشد و مشقت و زحمت و خوف ضرر نداشته باشد، باید به مقدار نماز از خارج شدن آنها جلوگیری نماید، اگر چه برای او هزینه‌ای داشته باشد، بلکه اگر بیماری او به آسانی معالجه می‌شود احتیاط واجب آن است که خود را معالجه نماید.

(مسئله ۳۰۸) کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار یا مدفوع و یا باد

## مسائل طهارت

جلوگیری کند و نمازهای خود را برابر وظیفه انجام می‌دهد، لازم نیست پس از بهبود، نمازهای خود را قضا کند، ولی اگر در بین وقت نماز مرض او خوب شود بنابر احتیاط واجب باید نمازی را که در آن وقت خوانده دوباره بجا آورد.

مواردی که وضو گرفتن واجب است

(مسئله ۳۰۹) در شش مورد وضو گرفتن واجب است:

اول - برای نمازهای واجب غیر از نماز میت و در نمازهای مستحبی نیز وضو شرط صحت آنهاست.

دوم - برای سجده یا تشهید فراموش شده، چنانچه میان آن و نماز کاری که وضو را باطل می‌کند انجام داده باشد و در این صورت بنابر احتیاط نماز را دوباره بخواند. همچنین احتیاط آن است که برای سجده سهونیز وضو بگیرد.

سوم - برای طواف واجب خانه کعبه.

چهارم - اگر نذر یا عهد کرده و یا سوگند یاد کرده باشد که وضو بگیرد.

پنجم - اگر نذر کرده باشد جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند.

ششم - اگر قرآن نجس شده و برای آب کشیدن آن ناچار به دست زدن به خطوط قرآن باشد؛ ولی چنانچه معطل شدن به مقدار وضو بی احترامی به قرآن باشد، باید بدون وضو قرآن را آب بکشد و تا ممکن است از دست زدن به خطوط آن خودداری نماید.

(مسئله ۳۱۰) رساندن جایی از بدن به خط قرآن در حالی که بدون وضو باشد حرام است؛ ولی جلوگیری کودکان و دیوانگان از دست گذاشتن به خط قرآن در صورتی که بی احترامی به قرآن نباشد واجب نیست؛ و رساندن بدن به ترجمه قرآن به هر زبانی باشد اشکال ندارد.

(مسئله ۳۱۱) رساندن جایی از بدن در حالی که بی وضو باشد به نام خدای متعال به هر زبانی نوشته شده باشد بنابر احتیاط واجب حرام است و نیز رساندن جایی از بدن بدون داشتن وضو به نام مبارک پیامبر (ص) و امامان : و حضرت زهرا علیها السلام اگر بی احترامی باشد حرام است، ولی اگر یکی از این اسامی مقدسه را در نامگذاری افراد به کار بردند دست زدن بدون وضو به آنها اشکال ندارد.

(مسئله ۳۱۲) انگشت یا گردنبندی را که روی آن اسم خدا یا پیامبر(ص)

و یا یکی دیگر از معصومین: نقش بسته شده است، باید در حال جنایت یا حیض یا نفاس و یا بدون وضو لمس نمود ولی اگر به گونه‌ای باشد که بدن با آن تماس پیدا نکند اشکال ندارد.

(مسئله ۳۱۳) وضو گرفتن برای نمازهای یومیه پیش از رسیدن وقت خلاف احتیاط می‌باشد، هر چند بنابر اقوی صحیح است. و اگر به انگیزه با وضو بودن یا خواندن سوره‌ای از قرآن وضو بگیرد اشکال ندارد، گرچه قصد نماز خواندن با آن وضو را نیز داشته باشد.

(مسئله ۳۱۴) مستحب است برای نماز میت، زیارت امامان:، زیارت اهل قبور، رفتن به مسجد، همراه داشتن قرآن و نوشتن یا لمس کردن حاشیه آن و نیز برای خواییدن وضو گرفت، هر چند اقامه دلیل بر بعضی از این موارد مشکل است. و نیز مستحب است کسی که وضو دارد دوباره وضو بگیرد. و اگر برای یکی از این کارها وضو گرفت، هر کاری را که باید با وضو انجام بگیرد می‌تواند بجا آورد؛ مثلاً می‌تواند با آن وضو نماز بخواند.

#### چیزهایی که وضو را باطل می‌کند

(مسئله ۳۱۵) هفت چیز وضو را باطل می‌کند:

اول و دوم - بیرون آمدن ادرار و مدفوع.

سوم - خارج شدن باد از مخرج مدفوع.

چهارم - خوابی که بر اثر آن چشم نینند و گوش نشنود، ولی اگر فقط یکی از آنها از کار بیفت وضو باطل نمی‌شود.

پنجم - چیزهایی مانند: دیوانگی، بیهوشی و مستی که عقل را از کار می‌اندازد.

ششم - استحاضه، که مسائل آن بعداً گفته می‌شود.

هفتم - چیزهایی مانند: جنابت، حیض و نفاس که باید برای آنها غسل کرد، همچنین است بنابر احتیاط، مسن میت پس از سرد شدن و پیش از غسل دادن آن.

#### جبیره و مسائل آن

پارچه و باندی که با آن زخم را پانسمان می‌کنند و دارویی که روی زخم و مانند آن می‌گذارند و پارچه یا چسب و یا پلاستیکی که به طور موقت برای جلوگیری از رسیدن آب به زخم روی آن می‌بندند، در اصطلاح «جبیره» نامیده

## مسائل طهارت

می‌شود و وضو یا غسل و یا تیممی که به هر علت روی این باند یا پارچه انجام گرفته وضو یا غسل و یا تیمم جبیره‌ای می‌باشد.

(مسئله ۳۱۶) اگر در یکی از اعضای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید به طور معمول وضو گرفت.

(مسئله ۳۱۷) اگر زخم یا دمل در صورت یا دستها باشد و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، چنانچه روی زخم پاک است و کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد دست تر بر آن بکشد و بنابر احتیاط مستحب، پارچه یا پلاستیک پاکی روی آن بیندد و دست تر را روی آن هم بکشد.

و اگر دست تر کشیدن بر آن ضرر دارد، باید اطراف زخم را همان طور که در وضو گفته شد از بالا به پایین بشوید و بنابر احتیاط مستحب مؤکد پارچه یا پلاستیک پاکی روی آن بیندد و دست تر روی آن بکشد و اگر بستن پارچه ممکن نیست، باید اطراف زخم را بشوید و بنابر احتیاط مستحب تیمم هم بنماید.

و اگر به جای زخم یا دمل، شکستگی در صورت یا دستها باشد، آنچه گفته شد انجام دهد و به احتیاط واجب تیمم هم بنماید.

ولی چنانچه روی زخم نجس باشد و نمی‌تواند آن را آب بکشد روی زخم پارچه‌ای بیندد و روی پارچه هم دست بکشد و تیمم هم بکند و اگر دست کشیدن روی آن ممکن نیست یا موجب زیاد شدن نجاست بدن می‌شود، دست تر روی پارچه بکشد و تیمم هم بکند.

و در همه فرضهای بالا اگر شستن روی پارچه یا پلاستیک ممکن است بنابر احتیاط واجب روی آن را بشوید و دست هم روی آن بکشد.

(مسئله ۳۱۸) اگر زخم یا دمل و یا شکستگی در جلوی سر یا روی پا باشد و روی آن باز است، چنانچه به هر دلیل نتوان روی آن را مسح نمود، باید پارچه یا پلاستیک پاکی روی آن بیندد و روی آن را با رطوبت آب وضو مسح کند و اگر گذاشتن یا بستن پارچه روی آن ممکن نباشد مسح لازم نیست، ولی بنابر احتیاط واجب باید تیمم هم بنماید.

(مسئله ۳۱۹) اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد، چنانچه باز

## مسائل طهارت

کردن ممکن است و زحمت و مشقت هم نداشته باشد و آب هم برای آن ضرر ندارد، باید روی آن را باز کند و وضو بگیرد، چه زخم و مانند آن در صورت و دستها باشد یا جلوی سر و روی پaha.

(مسئله ۳۲۰) اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دستها باشد و بشود روی آن را باز کرد، چنانچه ریختن آب روی آن ضرر دارد ولی کشیدن دست تر ضرر ندارد، پس اگر ممکن باشد طوری دست تر بکشد که بگویند آن را شسته باید چنین کند و کافی است و اگر شستن صدق نمی کند پارچه پاکی روی آن بیندد و روی پارچه را هم دست تر بکشد.

(مسئله ۳۲۱) اگر نمی شود روی زخم را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته پاک است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر و مشقت هم ندارد، باید آب را به روی زخم برساند و اگر نجس است چنانچه آب کشیدن آن و رسانیدن آب به روی زخم بدون زحمت و مشقت ممکن باشد، باید آن را آب بکشد و موقع وضو آب را به زخم برساند و در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد یا آنکه رسانیدن آب به روی زخم ممکن نیست، باید اطراف زخم را بشوید و اگر جیره پاک است روی آن را مسح کند و اگر نمی شود روی آن را دست تر کشید، مثلاً دارویی است که به دست می چسبد، پارچه پاکی را به طوری که جزو جیره حساب شود روی آن بیندد و دست تر روی آن بکشد و اگر این هم ممکن نیست احتیاط واجب آن است که وضو بگیرد و تیم هم بنماید.

و اگر روی زخم بسته یا پارچه روی آن نجس است و نمی شود آن را پاک نمود، پارچه یا پلاستیک پاکی روی زخم بیندد و روی آن را هم دست بکشد و تیم هم بنماید و اگر نمی شود دست تر روی آن کشید دست تر روی پارچه بکشد و تیم هم بنماید.

(مسئله ۳۲۲) اگر جیره تمام صورت یا تمام یک دست یا تمام هر دو دست را گرفته باشد و یا بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفه و برداشتن آن ممکن نباشد، باید گذشته از وضوی جیره بنابر احتیاط واجب تیم هم بنماید، ولی اگر بیشتر از معمول، اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن باشد، باید جیره را بردارد، پس اگر زخم در صورت و دستهای اطراف آن را بشوید و اگر در سر یا روی پاهاست، اطراف آن را مسح کند و برای جای

زخم به دستور جیره عمل نماید.

(مسئله ۳۲۳) اگر جیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد باید تیم بنماید و بنابر احتیاط مستحب وضوی جیره‌ای هم بگیرد.

(مسئله ۳۲۴) کسی که در کف دست و انگشتها جیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است، باید سر و پا را با همان رطوبت مسح کند.

(مسئله ۳۲۵) اگر جیره تمام پهناهی روی پا را گرفته، ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است، باید جاهایی که باز است روی پا و جاهایی که جیره است روی جیره را مسح کند.

(مسئله ۳۲۶) اگر در صورت یا دستها چند جیره باشد باید بین آنها را بشوید و اگر جیره‌ها در سر یا روی پاها باشد باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جیره است باید به دستور جیره عمل نماید.

(مسئله ۳۲۷) اگر در جای وضو، زخم یا جراحت و یا شکستگی نیست، ولی به جهت دیگری آب برای تمام دست و صورت ضرر دارد باید تیم کند، و احتیاط مستحب آن است که وضوی جیره‌ای هم بگیرد و اگر برای مقداری از دست و صورت ضرر دارد، اطراف آن را بشوید و پارچه‌ای روی آن بیندد و دست تر بر آن بکشد و به احتیاط واجب تیم هم بکند.

(مسئله ۳۲۸) اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسیده که برداشتن آن ممکن نباشد یا به اندازه‌ای دشوار است که نمی‌توان تحمل نمود باید به دستور جیره عمل نماید و بنابر احتیاط مستحب تیم هم انجام دهد.

(مسئله ۳۲۹) کسی که وظیفه‌اش تیم است اگر در بعضی از جاهای تیم او زخم یا دمل و یا شکستگی باشد، باید مثل وضوی جیره‌ای تیم جیره‌ای کند.

(مسئله ۳۳۰) احکام غسل جیره‌ای نیز همانند احکام وضوی جیره‌ای است، ولی باید آن را ترتیبی بجا آورند و اگر ارتماسی انجام دهنده صحت آن محل اشکال است.

(مسئله ۳۳۱) اگر برای مرضی که در چشم اوست روی چشم خود را بچسباند، باید وضو و غسل را جیره‌ای انجام دهد و احتیاط واجب آن است که تیم هم بنماید.

## مسائل طهارت

(مسئله ۳۳۲) کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش تیمم است یا وضوی جیره‌ای، بنابر احتیاط واجب باید هر دو را بجا آورد.

(مسئله ۳۳۳) کسی که وظیفه‌اش وضو یا تیمم و یا غسل جیره‌ای است، چنانچه بداند تا پایان وقت عذرش برطرف نمی‌شود، می‌تواند در اول وقت نماز بخواند، ولی اگر امید دارد تا پایان وقت عذرش برطرف می‌شود احتیاط واجب آن است که صبر کند و اگر عذر او برطرف نشد در آخر وقت، نماز را با وضو یا غسل یا تیمم جیره‌ای بجا آورد.

(مسئله ۳۳۴) نمازهایی را که انسان با وضو یا غسل جیره‌ای خوانده است، اگر عذر او در وقت نماز برطرف شود احتیاطاً دوباره بخواند و اگر وقت گذشته است نمازی که خوانده صحیح است و به احتیاط واجب برای نمازهای بعد وضو بگیرد و یا غسل کند.

### **غسل**

(مسئله ۳۳۵) «غسل» شتیشی تمام بدن است که انسان در شرایط و یا زمانهای خاص و با قصد و انگیزه تقریب به خدا انجام می‌دهد. غسل به «واجب» و «مستحب» تقسیم می‌شود که هر یک از آنها را می‌توان به صورت «ترتیبی» یا «ارتماسی» بجا آورد، هر چند در غسل میّت احوط آن است که ترتیبی انجام شود.

#### **غسل ترتیبی و ارتماسی**

##### **الف - غسل ترتیبی:**

(مسئله ۳۳۶) «غسل ترتیبی» آن است که انسان، نخست سر و گردن و سپس بنابر احتیاط طرف راست و پس از آن طرف چپ بدن خود را بشوید. به هم زدن این ترتیب، - عمداً باشد یا از روی فراموشی و یا به واسطه ندانستن مسئله، در سر و گردن به طور قطع و در طرف راست و چپ به احتیاط، موجب باطل شدن غسل خواهد بود.

(مسئله ۳۳۷) در غسل ترتیبی باید نصف ناف و نصف عورت را با طرف راست بدن و نصف دیگر را با طرف چپ بشوید، بلکه بهتر است تمام ناف و عورت با هر دو طرف شسته شود.

(مسئله ۳۳۸) در غسل ترتیبی برای اینکه یقین پیدا شود که هر سه قسمت را کاملاً غسل داده، باید هر قسمتی را که می‌شوید مقداری از قسمتهای مجاور

## مسائل طهارت

را هم با آن قسمت بشوید، بلکه احتیاط مستحب آن است که دوباره تمام طرف راست گردن را با طرف راست بدن و تمام طرف چپ گردن را با طرف چپ بدن بشوید.

(مسئله ۳۳۹) اگر پس از غسل معلوم شود قسمتی از بدن راشته و نداند آن قسمت کجای بدن است، باید دوباره غسل کند و اگر بداند مثلاً از طرف چپ بوده، چنانچه همان قسمت را به نیت غسل بشوید کافی است و اگر از طرف راست بوده، باید پس از شستن آن قسمت، دوباره طرف چپ را به نیت غسل بشوید و اگر از سر و گردن باشد، باید پس از شستن آن مقدار، طرف راست و طرف چپ را هم به قصد غسل بشوید.

(مسئله ۳۴۰) اگر پیش از تمام شدن غسل در شستن مقداری از طرف چپ شک کند، شستن همان مقدار کافی است و اگر بعد از آنکه مشغول شستن طرف راست شد در شستن سر و گردن یا مقداری از آن شک نماید، می تواند به شک خود اعتنای کند، ولی بنابر احتیاط آن را بشوید. و اگر بعد از آنکه مشغول شستن طرف چپ شد در شستن طرف راست یا مقداری از آن شک نماید، بنابر احتیاط واجب آنچه را شک دارد بشوید و بعد از شستن آن، دوباره آنچه را بعد از آن است بشوید.

### **ب - غسل ارتماسی:**

(مسئله ۳۴۱) در غسل ارتماسی اگر به نیت غسل به تدریج در آب فرو رود غسل او صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که یکباره زیر آب رود. و اگر بدون قصد غسل داخل آب شود و پس از آنکه تمامی بدن را آب گرفت به قصد غسل ارتماسی بدن را حرکت دهد، غسل صحیح است.

(مسئله ۳۴۲) اگر بعد از غسل ارتماسی بفهمد به مقداری از بدن آب نرسیده، جای آن را نداند، باید دوباره غسل کند. و نیز اگر جای آن را بداند بنا بر احتیاط.

(مسئله ۳۴۳) اگر برای غسل ترتیبی وقت ندارد و برای ارتماسی وقت دارد، باید غسل ارتماسی کند و نیز اگر جای آن را بداند بنابر احتیاط.

(مسئله ۳۴۴) کسی که روزه واجب معین، مانند روزه رمضان، گرفته یا برای حج یا عمره احرام بسته است، نمی تواند غسل ارتماسی کند، ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند صحیح است.

احکام غسل:

(مسئله ۳۴۵) در غسل ارتماسی بنابر احتیاط واجب باید تمام بدن پاک باشد؛ ولی در غسل ترتیبی اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمت را پیش از غسل دادن آب بکشد غسل صحیح است.

(مسئله ۳۴۶) اگر هنگام غسل به اندازه سرمویی از بدن نشسته بماند غسل باطل است، ولی شستن جاهایی که دیده نمی‌شوند و باطن محسوب می‌شوند، بمانند درون ینی و گوش، واجب نیست.

(مسئله ۳۴۷) اگر سوراخ جای گوشواره و مانند آن به قدری گشاد باشد که داخل آن دیده شود، باید آن راشست، ولی اگر دیده نشود شستن داخل آن لازم نیست.

(مسئله ۳۴۸) جایی را که شک دارد از ظاهر بدن است یا از باطن آن بنابر احتیاط واجب باید بشوید.

(مسئله ۳۴۹) چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است باید برطرف کند و اگر پیش از آنکه یقین کند برطرف شده غسل نماید غسل او باطل است، همچنین اگر هنگام غسل شک کند چیزی که مانع رسیدن آب می‌باشد در بدن او هست یا نه، باید بررسی کند تا مطمئن شود که مانع نیست، مگر اینکه احتمال ضعیف و غیرعقلایی باشد.

(مسئله ۳۵۰) در غسل باید موهای کوتاهی که جزو بدن به شمار می‌آیند شسته شوند، بلکه بنابر احتیاط واجب شستن موهای بلند هم لازم می‌باشد و در هر صورت خود بدن که زیر مو واقع شده باید شسته شود.

(مسئله ۳۵۱) شرایطی که برای صحیح بودن وضو گفته شد در غسل هم شرط است، مانند پاک بودن و غصی نبودن آب و محل وضو. ولی در غسل، از بالا به پایین شستن اعضا و فاصله نشدن میان شستن اعضا غسل لازم نیست، مثلًا اگر صبح سر و گردن و پس از چند ساعت طرف راست و چند ساعت بعد طرف چپ را غسل دهد، غسل او صحیح است، به شرط آنکه در این میان کاری که وضو را باطل می‌کند انجام ندهد.

(مسئله ۳۵۲) کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفع خود جلوگیری کند اگر به اندازه‌ای که غسل کند و نماز بخواند ادرار و مدفع از او خارج نمی‌شود، بنابر احتیاط واجب باید هر قسمت را فوراً بعد از قسمت

دیگر غسل دهد و بعد از غسل هم فوراً نمازش را بخواند، همچنین است حکم مستحاضه که بعداً گفته می‌شود.

(مسئله ۳۵۳) اگر کسی شک کند غسل کرده یا نه باید غسل کند و اگر شک کند غسل بر او واجب شده یا نه لازم نیست غسل نماید و اگر مدتی پس از غسل کردن شک کند غسلش درست بوده یا نه لازم نیست دوباره غسل کند، ولی اگر بعد از خواندن نماز در اصل غسل کردن شک کند، با احتمال توجه در هنگام نماز، نمازهایی که خوانده صحیح است و برای نمازهای بعدی باید غسل نماید.

(مسئله ۳۵۴) اگر در بین غسل کاری که وضو را باطل می‌کند از او سر زند، احتیاط مستحب آن است که غسل را از سر گیرد لکن وضو را حتماً بگیرد.

(مسئله ۳۵۵) کسی که چند غسل بر او واجب است می‌تواند آنها را جدا جدا انجام دهد یا اینکه به نیت همه آنها یک غسل بجا آورد، همچنین است حکم غسل واجب و مستحب، مثل غسل «جنابت» و «جمعه».

(مسئله ۳۵۶) اگر کسی غسل مسَّ میَت یا غسل دیگری بر او واجب بوده و انجام نداده است، در صورتی که پس از آن جنب شده و غسل جنابت کرده است غسل جنابت او از سایر غسلها کفایت می‌کند، هر چند به آنها توجه نداشته است.

(مسئله ۳۵۷) اگر وقت نماز واجب رسیده می‌توان به نیت واجب و یا به قصد قربت؛ یعنی برای انجام فرمان خدای متعال غسل کرد، ولی اگر بخواهد پیش از رسیدن وقت نماز غسل کنند بنابر احتیاط به قصد پاک شدن از جنابت و یا به قصد قربت غسل نمایند، هر چند به قصد نماز نیز صحیح است.

(مسئله ۳۵۸) کسی که یقین کرده وقت نماز واجب رسیده اگر به نیت واجب غسل کند و بعد معلوم شود هنوز وقت نرسیده، غسل او صحیح است.

(مسئله ۳۵۹) هر گاه به خیال اینکه به اندازه غسل و نماز وقت دارد به قصد نماز ادا غسل کند و بعد از غسل بفهمد که به اندازه غسل وقت نداشته و نمازش قضا شده، غسل او محل اشکال است، ولی اگر به قصد غربت غسل کرده باشد غسل او صحیح است.

## ۱ - غسل جنابت

(مسئله ۳۶۰) هر گاه انسان جنب شود برای بیرون آمدن از حالت جنابت مستحب است غسل کند، اما برای خواندن نمازهای واجب و مانند آن غسل جنابت واجب می‌شود و برای نماز میت، سجده شکر و سجده‌های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست و برای نمازهای مستحبی شرط صحت و درستی آنهاست.

(مسئله ۳۶۱) کسی که غسل کرده باید برای نماز وضو بگیرد و می‌تواند با آن نماز بخواند، ولی کافی بودن غسلهای دیگر از وضو محل اشکال است، و رغیر غسل جنایت بنابر احتیاط مستحب وضو هم بگیرد.  
**احکام جنب:**

(مسئله ۳۶۲) «جنابت» به دو چیز حاصل می‌شود:  
اول - نزدیکی، به طوری که حداقل به اندازه ختنه گاه داخل شود، در زن باشد یا مرد، در جلو باشد یا در عقب، بالغ باشند یا نابالغ، هر چند در وطی در عقب اگر منی خارج نشود حکم از باب احتیاط است، و باید به آنچه در مسئله ۳۸۹) گفته می‌شود عمل نماید.

دوم - بیرون آمدن منی، در بیداری یا در خواب، کم یا زیاد، از روی شهوت یا بدون آن، از روی اختیار یا بدون آن، زن باشد یا مرد، هر چند جنب شدن زنها با خارج شدن منی کمتر از مردهاست، اما در صورتی که رطوبتی با شهوت مخصوص به حال انزال، از زن خارج شود باید غسل کند و بنابر احتیاط مستحب هم وضو بگیرد، مگر اینکه به منی بودن آن یقین کند که در این صورت غسل به تهایی کفایت می‌کند.

(مسئله ۳۶۳) اگر شک کند که به مقدار ختنه گاه داخل شده یا نه، غسل بر او واجب نیست.

(مسئله ۳۶۴) اگر رطوبتی از انسان بیرون آید و نداند منی است یا ادرار و یا چیز دیگری غیر از اینها، چنانچه با شهوت وجهش بیرون آمده یا فقط با شهوت خارج شده، ولی پس از بیرون آمدن بدن سست شده حکم منی را دارد و اگر هیچ یک از نشانه‌ها یا بعضی از آنها را نداشته باشد حکم منی را ندارد و در بیمار همین که از روی شهوت بیرون آید حکم منی را خواهد داشت.

(مسئله ۳۶۵) اگر زن یقین کند آبی که از او بیرون آمده منی است باید

## مسائل طهارت

غسل کند و چنانچه شک در منی بودن آن دارد، اگر با شهوت بیرون آمده باشد، هر چند با جهش و سست شدن بدن همراه نبوده، احتیاط کرده غسل کند و برای نماز نیز وضو بگیرد.

(مسئله ۳۶۶) خروج منی مرد از زن، موجب غسل نمی‌شود و اگر قبل از غسل یا بعد از آن رطوبتی خارج شود، در صورتی که بداند منی است نجس است و اگر مشکوک باشد محکوم به طهارت است.

(مسئله ۳۶۷) اگر پس از بیرون آمدن منی و پیش از آنکه ادرار کند غسل نماید و پس از غسل رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا چیز دیگر، در نجاست حکم منی را دارد و بنابر احتیاط مستحب دوباره غسل کند و باید برای نماز وضو هم بگیرد.

(مسئله ۳۶۸) اگر منی از جای خود حرکت کند و بیرون نیاید غسل جنابت واجب نمی‌شود.

(مسئله ۳۶۹) اگر - نعوذ بالله - با حیوانی نزدیکی کرده و منی از او بیرون آید تنها غسل کافی است و اگر منی بیرون نیاید، چنانچه پیش از نزدیکی وضو داشته باز هم غسل کافی است، ولی اگر وضو نداشته احتیاط واجب آن است که غسل کند و بنابر احتیاط مستحب وضو هم بگیرد، همچنین است اگر شک دارد وضو داشته یا نه و حالت سابقه را هم نمی‌داند.

(مسئله ۳۷۰) اگر کسی غسل جنابت را فراموش کند یا در لباس خود منی بیند و یقین کند منی از خود اوست، باید غسل کند و نمازهایی را که یقین دارد با حالت جنابت انجام داده قضا نماید و در هر دو صورت لازم نیست نمازهایی را که احتمال می‌دهد با حالت جنابت انجام داده قضا کند.

کارهایی که بر جنب حرام یا مکروه است:

(مسئله ۳۷۱) پنج چیز بر جنب حرام است:

۱ - رساندن جایی از بدن به خط قرآن و بنابر احتیاط واجب به نام خدای متعال و نیز نام پیامبران و امامان و حضرت زهرا؛ اگر موجب بی احترامی باشد.

۲ - رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی، گرچه از یک در داخل و بدون توقف از در دیگر خارج گردد.

۳ - توقف در سایر مساجد و بنابر احتیاط واجب در حرم امامان؛ ولی اگر از یک در وارد و بدون توقف از در دیگر خارج شود، یا برای داشتن چیزی

داخل شود و بدون توقف برگردد مانعی ندارد.

۴ - گذاشتن چیزی در مسجد

۵ - خواندن آیه سجده، بلکه بنابر احتیاط مستحب خواندن هر قسمت از سوره‌ای که سجده واجب دارد و سوره‌های سجده‌دار عبارتند از: «سوره سی و دوم (سجده)»، «سوره چهل و یکم (فصلت)»، «سوره پنجاه و سوم (نجم)» و «سوره نود و ششم (علق)».

(مسئله ۳۷۲) خواندن حتی یک حرف از آیاتی که سجده واجب دارد، بلکه از آیات دیگر این چهار سوره نیز بنابر احتیاط مستحب بر جنب حرام می‌باشد.

(مسئله ۳۷۳) نه چیز بر جنب مکروه است:

۱ و ۲ - خوردن و آشامیدن، ولی اگر وضو بگیرد مکروه نیست.

۳ - خواندن بیش از هفت آیه از آیات از سوره‌هایی که سجده واجب ندارد.

۴ - رساندن جایی از بدن به جلد، حاشیه و میان خطهای قرآن

۵ - همراه داشتن قرآن.

۶ - خوابیدن، ولی اگر وضو بگیرد یا در نبود آب، قربه<sup>إلى الله</sup>، تیم کند مکروه نیست.

۷ - حنا یا رنگ بستن به سر و صورت.

۸ - روغن مالیدن به بدن.

۹ - نزدیکی کردن پس از آنکه در خواب محظوظ شده باشد.

۲ - غسل حیض

«حیض» خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنان خارج می‌شود و زن را در زمان دیدن خون حیض «حائض» می‌گویند. این خون در بیشتر اوقات، غلیظ و گرم و رنگ آن سرخ یا سرخ مایل به سیاهی است و با فشار و کمی سوزش بیرون می‌آید.

(مسئله ۳۷۴) زنان بعد از تمام شدن شصت سال، و ممکن است پس از تمام شدن پنجاه سال یائسه می‌شوند؛ یعنی دیگر خون حیض نمی‌بینند.

(مسئله ۳۷۵) خونی که دختر پیش از تمام شدن نه سال، و زن پس از یائسه شدن می‌بینند خون حیض نیست، هر چند صفات و نشانه‌های حیض را

داشته باشد.

(مسئله ۳۷۶) دختری که نمی‌داندُ سال او تمام شده یا نه اگر خونی بیند که نشانه‌های حیض را نداشته باشد حیض نیست و اگر نشانه‌های حیض را داشته باشد و اطمینان به حیض بودنش پیدا کند حیض است، و معلوم می‌شود نه سال او تمام شده است، بلکه با وجود نشانه‌های حیض بعد نیست این حکم جاری باشد، هر چند اطمینان پیدا نکند.

(مسئله ۳۷۷) زن حامله یا زنی که بچه شیر می‌دهد نیز ممکن است خون حیض بیند، ولی اگر زن حامله در وقت عادت ماهانه خون نبیند و پس از گذشت ییست روز از آن خون بیند، بنابر احتیاط بین وظیفه حائض و مستحاضه جمع نماید.

(مسئله ۳۷۸) زنی که شک دارد یائسه شده یا نه چنانچه خونی بیند و نداند حیض است یا خون دیگر، باید بنا بگذارد که یائسه نشده است.

(مسئله ۳۷۹) کمترین مدت حیض سه روز و بیشترین آن ده روز است و اگر اندکی کمتر از سه روز باشد، چنانچه خون بکلی قطع شود حیض به حساب نمی‌آید و زن باید در این مورد به وظایف مستحاضه عمل نماید. ولی اگر به طور کامل قطع نشده و در مجرای رحم بماند کافی است و حیض به حساب می‌آید و چنانچه در بین سه روز، مختصراً پاک شود و مدت پاک شدن به قدری باشد که خون استمرار دارد و قطع نشده، باز هم حیض است.

(مسئله ۳۸۰) مشهور این است که خون در سه روز اول حیض باید پشت سر هم باشد، ولی اگر فرضاً در ضمن ده روز، سه روز یا بیشتر خون بیند و لیکن سه روز خون پشت سر هم نباشد، بنابر احتیاط واجب در روزهای خون، کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و کارهای مستحاضه را نیز انجام دهد و نماز و روزه را بجا آورد و قضای روزه‌ها را نیز بگیرد و در روزهای پاکی وسط، کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و کارهایی را که زن پاک انجام می‌دهد انجام دهد و قضای روزه‌ها را نیز بعداً بگیرد.

(مسئله ۳۸۱) بعد نیست که مراد از سه روز در باب حیض، سه شبانه روز باشد؛ یعنی هفتاد و دو ساعت، ولی اگر سه شبانه روز پشت سر هم نباشد به احتیاطی که در مسئله قبل گفته شد عمل شود.

## مسائل طهارت

(مسئله ۳۸۲) اگر سه روز پشت سر هم خون بیند و پاک شود، چنانچه دوباره خون بیند و مجموع روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود، همه آنها حتی روزهایی هم که در وسط پاک بوده حیض است.

(مسئله ۳۸۳) زنی که کمتر از سه روز خون دیده و پاک شده، سپس سه روز دیگر یا بیشتر خون دیده، خون دوم حیض است و خون نخست گرچه در روزهای عادتش بوده و نشانه‌های حیض را داشته باشد حیض نیست، مگر اینکه مدت دو خون و پاکی وسط، ده روز یا کمتر باشد که در این صورت بنابر احتیاط واجب در خون اول بین وظیفه حائض و مستحاضه جمع کند، و در پاکی وسط نیز بین وظیفه حائض و زن پاک جمع نماید.

(مسئله ۳۸۴) اگر خونی بیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون حیض است یا زخم و یا دمل، چنانچه قبل از حیض بوده حیض و چنانچه پاک بوده پاک قرار دهد و اگر نمی‌داند پاک بوده یا حیض، همه چیزهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و همه عبادتهايی که زن غیرحائض انجام می‌دهد بجا آورد و قضای روزه‌ها را هم بگیرد.

(مسئله ۳۸۵) اگر خونی بیند و شک کند که خون حیض است یا استحاضه، چنانچه شرایط و صفات حیض را داشته باشد باید حیض قرار دهد.

(مسئله ۳۸۶) زنی که با استعمال دارو از عادت ماهانه خود جلوگیری کرده است، چنانچه در ایام عادت یا غیر آن خونی بیند و شک کند که حیض است یا نه، در صورتی که صفات حیض را دارا نبوده و از سه روز کمتر باشد حیض نیست.

(مسئله ۳۸۷) اگر خونی بیند و نداند خون حیض است یا خون بکارت باید خود را وارسی کند، به این ترتیب که مقداری پنبه داخل مجرأ قرار دهد و کمی صبر کند، چنانچه اطراف آن به طور حلقه‌ای شکل، خون‌آلود شود خون بکارت است، ولی اگر خون به همه پنبه رسیده و در آن فرو رفته باشد حیض است.

### احکام حائض:

(مسئله ۳۸۸) چند چیز بر حائض حرام است:

الف - عبادتهايی که مانند نماز باید با وضو یا غسل و یا تیمم بجا آورده

شود، ولی بجا آوردن عبادتها بی مانند نماز میّت که وضو یا غسل و یا تیم برای آنها لازم نیست مانع ندارد.

ب - تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در مسأله «۳۷۱» گذشت.

ج - جماع در قُبل (جلو) که بر مرد و زن حرام است، گرچه به اندازه ختنه گاه باشد و منی هم بیرون نیاید، بلکه احتیاط واجب آن است که کمتر از ختنه گاه هم داخل نشود. و دخول در دُبْر همسر (پشت) کراحت شدید دارد و احوط ترک است و اگر موجب اذیت زن باشد حرام است.

(مسأله ۳۸۹) جماع در روزهایی که حیض زن قطعی نیست، ولی باید شرعاً بنا بر خون حیض قرار دهد حرام است، مثلاً زنی که بیشتر ازده روز خون می‌یند و باید به دستوری که در مسائل «۴۱۶» و «۴۱۷» گفته خواهد شد، روزهای عادت را طبق عادت خویشان خود حیض قرار دهد، شوهرش نمی‌تواند در آن روزها با وی نزدیکی نماید.

(مسأله ۳۹۰) اگر تعداد روزهای حیض زن به سه قسم تقسیم شود و مرد در قسمت اول آن بازن خود در قُبل (جلو) جماع کند، مستحب است هجدۀ نخود طلا، کفاره به فقیر بدهد و اگر در قسمت دوم جماع کند نه نخود و اگر در قسمت سوم جماع کند چهار نخود و نیم بدهد و دادن کفاره مطابق با احتیاط است هر چند واجب نیست. و احتیاط آن است که کفاره را طلای سکه‌دار بدهد و اگر ممکن نباشد قیمت آن را هم می‌توان داد.

(مسأله ۳۹۱) اگر کسی هم در قسمت اول و هم در قسمت دوم و هم در قسمت سوم حیض بازن خود جماع کند، مستحب است هر سه کفاره را که روی هم سی و یک نخود و نیم طلا می‌شود بدهد.

(مسأله ۳۹۲) اگر قیمت طلا در وقتی که جماع کرده با وقتی که می‌خواهد به فقیر بدهد فرق کرده باشد، قیمت وقتی را که می‌خواهد به فقیر بدده حساب کند.

(مسأله ۳۹۳) کسی که نمی‌تواند کفاره بدده استغفار کند و بهتر آن است که صدقه‌ای هم به فقیر بدده و اگر نمی‌تواند صدقه بدده استغفار کند و هر وقت توانست بنابر احتیاط مستحب کفاره بدده.

(مسأله ۳۹۴) طلاق دادن زن در حال حیض به‌طوری که تفصیل آن در احکام طلاق گفته می‌شود باطل است.

## مسائل طهارت

(مسئله ۳۹۵) اگر زن بگوید در حال حیض هستم یا بگوید از حیض پاک شده‌ام، چنانچه متهم به دروغگویی نباشد باید پذیرفت و اگر مرد در حال جماع بفهمد زن حائض شده باید بلافصله از حالت جماع خارج شود.

(مسئله ۳۹۶) اگر زن در بین نماز حائض شود نماز او باطل می‌شود و اگر شک کند که حائض شده یا نه، بنابر احتیاط اگر ممکن است وارسی کند و اگر ممکن نیست نماز را ادامه دهد و نماز او صحیح است، ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده نمازی که خوانده باطل است.

(مسئله ۳۹۷) هنگامی که زن از خون حیض پاک شد واجب است برای نماز و عبادتهایی که نیاز به وضو یا غسل و یا تیمم دارد غسل نماید و برای نماز بنابر احتیاط واجب وضو نیز بگیرد و بنابر احتیاط وضو را پیش از غسل انجام دهد و اگر پیش از غسل انجام نداد بعد از آن انجام دهد.

(مسئله ۳۹۸) بعد از آنکه زن از خون حیض پاک شد اگر چه غسل نکرده باشد طلاق او صحیح است و شوهرش هم می‌تواند با او جماع نماید، ولی احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل از جماع با او خودداری نماید. و کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده مانند توقف در مسجد و مس خط قرآن، تا غسل نکند بر او حلال نمی‌شود.

(مسئله ۳۹۹) اگر حائض برای غسل و وضو آب کافی نداشته باشد و آب به اندازه‌ای باشد که بتواند یا غسل کند و بنابر احتیاط مستحب یا وضو بگیرد، بنابر احتیاط واجب باید غسل کند و بدل از وضو تیمم نماید و اگر فقط برای وضو کافی باشد وضو بگیرد و عوض غسل تیمم نماید و اگر آب موجود برای هیچ یک کفایت نکند بنابر احتیاط واجب دو تیمم کند: یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو.

(مسئله ۴۰۰) نمازهای یومیه‌ای که زن در ایام حیض نخوانده قضا ندارد، ولی روزه‌های واجب را باید قضانماید و بنابر احتیاط قضای نماز آیات را نیز بجا آورد.

(مسئله ۴۰۱) هر گاه وقت نماز داخل شود و بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض می‌شود، باید فوراً نماز را بخواند.

(مسئله ۴۰۲) هر گاه وقت نماز فرا رسید و زن نماز را تأخیر بیندازد و از اول وقت به اندازه انجام واجبات یک نماز بگذرد و بعد حائض شود، قضای

## مسائل طهارت

آن نماز بر او واجب است، ولی در تند خواندن و کند خواندن و چیزهای دیگر باید ملاحظه حال خود را بکند. مثلاً زنی که مسافر نیست اگر در اول ظهر نماز نخواند، قضای آن در صورتی واجب می‌شود که به مقدار خواندن چهار رکعت نماز با وضو به دستوری که گفته شد از اول ظهر بگذرد و حائض شود؛ و برای کسی که مسافر است گذشتن وقت به مقدار خواندن دو رکعت نماز با وضو کافی است.

(مسئله ۴۰۳) اگر زن زمانی از حیض پاک شود که به اندازه غسل و وضو و خواندن یک رکعت نماز یا بیشتر از یک رکعت وقت داشته باشد، نماز آن وقت بر او واجب است و اگر نخواند باید قضای آن را بجا آورد. و چنانچه به این اندازه مجال ندارد نماز آن وقت بر او واجب نیست، هر چند اگر تیم کند به نماز برسد، ولی اگر گذشته از تنگی وقت تکلیفش تیم است، مثل آنکه آب برایش ضرر دارد، باید تیم کند و آن نماز را بخواند.

(مسئله ۴۰۴) اگر حائض بعد از پاک شدن شک کند که به اندازه تهیه مقدمات نماز و خواندن یک رکعت وقت دارد یا نه، باید نمازش را بخواند و اگر به خیال اینکه وقت ندارد نماز نخواند و بعد بفهمد وقت داشته، باید قضای آن نماز را بجا آورد.

(مسئله ۴۰۵) اگر حائض جنب باشد و هنگامی که پاک می‌شود غسل جنابت را انجام دهد، لازم نیست برای حیض نیز جداگانه غسل نماید، هر چند خوب است در غسل خود هر دو را نیت کند، کافی بودن این غسل از وضو خالی از اشکال است، پس برای انجام عبادتی که طهارت در آنها شرط است، مانند نماز، احتیاطاً استحبابی وضو نیز بگیرد و بنابر احتیاط مستحب، وضو را پیش از غسل انجام دهد.

(مسئله ۴۰۶) مستحب است حائض در وقت نمازهای واجب خود را از خون پاک نماید و پنه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد به امید ثواب، تیم نماید و به اندازه وقت نماز خواندن رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شود.

(مسئله ۴۰۷) خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه و بین خطهای قرآن و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن برای حائض مکروه است.

### اقسام زنان حائض:

(مسئله ۴۰۸) زنان حائض شش دسته‌اند:

- ۱ - صاحب عادت وقتیه و عددیه: او زنی است که دو ماه پیاپی در وقت معین، مثلاً اول ماه، خون حیض بییند و شماره روزهای حیض او هم در هر دو ماه به یک اندازه باشد.
- ۲ - صاحب عادت وقتیه: او زنی است که دو ماه پیاپی در وقت معین، مثلاً اول ماه، خون بییند، ولی شماره روزهای آن یکسان نباشد.
- ۳ - صاحب عادت عددیه: او زنی است که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سر هم به یک اندازه باشد، ولی وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد.
- ۴ - مضطربه: او زنی است که چند ماه خون دیده، ولی عادت معین پیدا نکرده و یا از آغاز، عادت معینی داشته، ولی عادت او به هم خورده و عادت تازه‌ای پیدا نکرده باشد.
- ۵ - مبتدئه: او زنی است که مرتبه نخست خون دیدن اوست.
- ۶ - ناسیه: او زنی است که عادت خود را فراموش کرده باشد.  
هر یک از این شش دسته احکامی دارند که در مسائل آینده خواهد آمد.

### ۱ - صاحب عادت وقتیه و عددیه:

(مسئله ۴۰۹) زنانی که صاحب عادت وقتیه و عددیه‌اند سه گروهند:

- الف - زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض بییند و در وقت معین هم پاک شود، مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اول ماه خون بییند و روز هفتم پاک شود، که عادت حیض او از روز اول ماه تا هفتم است.
- ب - زنی که از خون پاک نمی‌شود، ولی چند ماه پیاپی در چند روز معین خون او دارای نشانه حیض باشد، که عادت وی در همان روزهای معین است.
- ج - زنی که دو ماه پیاپی در وقت معین خون بییند و پس از حداقل سه روز خون به مدت یک روز یا بیشتر پاک شود و بار دیگر خون بییند، به طوری که مجموع روزهایی که خون دیده و پاک بوده از ده روز بیشتر نباشد و در هر دو ماه همه روزهایی که خون دیده و پاک بوده روی هم به یک اندازه باشد، که عادت او به اندازه تمام روزهایی است که خون دیده و در وسط پاک بوده است. لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک

اندازه باشد.

(مسئله ۴۱۰) زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد اگر در وقت عادت یا یکی دو روز جلوتر خون بیند به طوری که بگویند حیضش جلو افتاده، گرچه آن خون نشانه‌های حیض را نداشته باشد باید به احکامی که برای حائض گفته شد عمل کند؛ و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده، مثلاً کمتر از سه روز باشد، باید عادتهايی را که بجا نياورده قضا نماید.

(مسئله ۴۱۱) زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد اگر در وقت عادت یا یکی دو روز پیش از آن خون نبیند و در غیر آن وقت به شماره روزهای حیضش خون بیند، پس اگر خون به صفات حیض باشد باید همان را حیض قرار دهد، چه پیش از وقت عادت دیده باشد یا بعد از آن و اگر به صفات حیض نباشد به احتیاط عمل کند؛ یعنی به وظیفه مستحاضه عمل کرده و از چیزهایی که بر حائض حرام است اجتناب نماید.

(مسئله ۴۱۲) زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد اگر چند روز پیش از عادت و همه روزهای عادت و چند روز هم پس از عادت خود خون بیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، پس اگر همه خون به صفات حیض باشد همه این مدت حیض است و اگر به صفات حیض نباشد به مقدار عادت و پیش از عادت حیض است و نسبت به بعد از آن احتیاط کند و چنانچه خون از ده روز بیشتر شود تنها خونی که در روزهای عادت خود دیده حیض است و خونی که پیش و پس از ایام عادت خود دیده استحاضه می‌باشد و باید عادتهايی را که در روزهای پیش از عادت و پس از عادت بجا نياورده قضا نماید.

(مسئله ۴۱۳) زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد اگر در عادت و چند روز بعد از عادت خون بیند و بیشتر از ده روز باشد، خونی که در روزهای عادت دیده گرچه نشانه‌های حیض را نداشته باشد حیض است و خونی که پس از روزهای عادت دیده گرچه نشانه‌های حیض را داشته باشد استحاضه است.

## ۲ - صاحب عادت وقتیه:

(مسئله ۴۱۴) زنانی که عادت وقتیه دارند سه گروهند:

الف - زنی که دو ماه پیاپی در وقت معین خون حیض دیده و پس از چند روز پاک شده، ولی شماره‌های آن در دو ماه به یک اندازه نبوده است، مثلاً دو ماه پشت سر هم روز اول ماه خون بیند، ولی در ماه اول روز هفتم و در ماه

دوم روز هشتم از خون پاک شود، که این زن باید روز اول ماه را عادت حیض خود قرار دهد.

ب - زنی که از خون پاک نمی‌شود، ولی چند ماه پیاپی در وقت معین خون او نشانه حیض دارد و بقیه خونهای او نشانه استحاضه دارد و شماره روزهایی که خون او نشانه حیض دارد در هر چند ماه به یک اندازه نیست؛ مثلاً در ماه اول از اول ماه تا هفتم، و در ماه دوم از اول ماه تا هشتم و در ماه سوم از اول ماه تا نهم، خون او نشانه‌های حیض و بقیه نشانه‌های استحاضه را داشته باشد، که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد.

ج - زنی که دو ماه پیاپی در زمان معین سه روز یا بیشتر خون می‌بیند و پس از پاک شدن بار دیگر خون می‌بیند به طوری که مجموع روزهایی که خون دیده و پاک بوده از ده روز بیشتر نمی‌شود، ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد، مثلاً در ماه اول هشت روز و در ماه دوم نه روز باشد، که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد.

(مسئله ۴۱۵) زنی که عادت وقتیه دارد اگر در وقت عادت خود یا دو روز پیش از عادت خون بیند به طوری که بگویند حیضش جلو افتاده، گرچه آن خون نشانه‌های حیض را نداشته باشد باید به احکامی که برای حائض گفته شد عمل نماید و اگر بعد بفهمد حیض نبوده مثل آنکه کمتر از سه روز باشد باید عبادتهايی را که بجا نياورده قضا نماید.

(مسئله ۴۱۶) زنی که عادت وقتیه دارد اگر بیشتر از ده روز خون بیند و تواند مقدار حیض خود را از راه نشانه‌های خون تشخیص دهد، باید شماره عادت خویشان پدری یا مادری خود را، خواه مردہ باشند یا زنده، برای خود حیض قرار دهد، به شرط آنکه عادت همه آنها یکسان باشد، مگر آنکه کسانی که عادتشان با دیگران فرق دارد به قدری کم باشند که در مقابل آنان هیچ حساب شوند که در این صورت باید عادت بیشتر آنان را حیض خود قرار دهد.

(مسئله ۴۱۷) زنی که عادت وقتیه دارد و بیشتر از ده روز خون می‌بیند و شماره عادت خویشان خود را حیض قرار می‌دهد، باید روزی را که در هر ماه اول عادت او بوده اول حیض خود قرار دهد، مثلاً زنی که هر ماه روز اول ماه خون می‌دیده، ولی گاهی روز هفتم و گاهی روز هشتم پاک می‌شده، چنانچه

یک ماه بیش از ده روز خون بیند و عادت خویشان او هفت روز باشد، باید هفت روز اول ماه را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

(مسئله ۴۱۸) زنی که عادت وقتیه دارد و بیشتر از ده روز خون می‌بیند، چنانچه خویشاوند ندارد یا شماره عادت آنان یکسان نیست، باید بنابر احتیاط در هر ماهی که خون می‌بیند تا هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

### ۳ - صاحب عادت عددیه:

(مسئله ۴۱۹) زنانی که عادت عددیه دارند سه دسته‌اند:

الف - زنی که شماره روزهای حیض او در دو ماه پیاپی یکسان باشد، ولی وقت خون دیدن او در دو ماه یکی نباشد، که در این صورت هر چند روزی که خون دیده عادت او می‌شود، مثلاً اگر ماه اول از روز اول تا پنجم و ماه دوم از یازدهم تا پانزدهم خون بیند عادت او پنج روز می‌شود.

ب - زنی که از خون پاک نمی‌شود، ولی چند ماه پشت سرهم چند روز از خونی که می‌بیند نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون نشانه حیض دارد در هر چند ماه به یک اندازه است ولی وقت آن یکی نیست، که در این صورت هر چند روزی که خون او نشانه حیض دارد عادت او می‌شود، مثلاً اگر یک ماه از اول ماه تا پنجم و ماه بعد از یازدهم تا پانزدهم و ماه سوم از بیست و یکم تا بیست و پنجم خون او نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد، شماره روزهای عادت او پنج روز می‌شود.

ج - زنی که دو ماه پشت سرهم سه روز یا بیشتر خون بیند و یک روز یا بیشتر پاک شود و بار دیگر خون بیند و وقت دیدن خون در ماه اول با ماه دوم فرق داشته باشد، ولی به گونه‌ای باشد که مجموع روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود و شماره روزهای آن در هر دو ماه به یک اندازه باشد، که در این صورت تمام روزهایی که خون دیده با روزهای وسط که پاک بوده عادت حیض او می‌شود و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد، مثلاً اگر ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون بیند و دو روز پاک شود و دوباره سه روز خون بیند و ماه دوم از یازدهم تا سیزدهم خون بیند و دو روز یا بیشتر یا کمتر پاک شود و دوباره خون بیند و روی هم از هشت روز بیشتر نشود، عادت او هشت روز

می شود.

(مسئله ۴۲۰) زنانی که عادت عددیه دارند و سه روز یا بیشتر خون

می بینند سه دسته اند:

دسته اول - زنانی که خون آنها در تمام مدت نشانه خون حیض ندارد، این افراد بنابر احتیاط به وظیفه مستحاضه عمل نموده و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کنند و روزهای را نیز قضا نمایند.

دسته دوم - زنانی که خون آنها در تمام مدت نشانه خون حیض دارد و اینها دو گروهند:

الف - افرادی که مدت خون دیدن آنها به اندازه عادت و یا بیشتر بوده و از ده روز بیشتر نیست، که باید همه مدت را حیض بدانند.

ب - افرادی که خون دیدن آنها از ده روز بیشتر است، این گروه بنابر احتیاط باید از نخستین روزی که خون دیده اند به شماره روزهای عادت خود حیض و بقیه را استحاضه قرار دهند.

دسته سوم - زنانی که چند روز از تمام مدت نشانه حیض و چند روز دیگر علامت استحاضه دارند و این گروه دارای سه حالتند:

الف - اگر روزهایی که خون آنها نشانه حیض دارد با عادت آنها یکسان است، باید همان روزها را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهند.

ب - اگر روزهایی که خون آنها نشانه حیض دارد از روزهای عادت آنها بیشتر است، باید به شماره عادت خود حیض و بقیه را استحاضه قرار دهند.

ج - اگر روزهایی که خون آنها علامت حیض دارد، در عین حالی که از سه روز کمتر نیست از روزهای عادتشان کمتر باشد، باید چند روز از روزهایی که نشانه حیض ندارد به روزهایی که نشانه حیض دارد بیفزایند تا روی هم رفته به شماره روزهای عادت برسد، آنگاه این مجموع را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهند.

#### ۴ - مضطربه:

«مضطربه» به زنی گفته می شود که چند ماه خون دیده و هنوز عادت معینی پیدا نکرده است یا از پیش عادت معینی داشته و اینکه به هم خورده و هنوز عادت معین دیگری پیدا نکرده است.

(مسئله ۴۲۱) خونی که زنان مضطربه می بینند دارای چند حالت است:

- ۱ - اگر بیشتر از سه و کمتر از ده روز خون دیده باشند و همه آنها نشانه حیض داشته باشد، باید همه را حیض قرار دهند و اگر نشانه حیض نداشته باشد به احتیاط عمل کنند.
- ۲ - اگر بیشتر از ده روز خون دیده باشند و نشانه‌های حیض را نداشته و همه خونها یک جور باشد، باید به اندازه عادت خویشان خود احتیاط کنند، یعنی کارهایی را که بر حائض حرام است انجام ندهند و به وظیفه مستحاضه عمل نمایند و بقیه را استحاضه قرار دهند.
- ۳ - اگر بیشتر از ده روز خون دیده و دارای نشانه‌های حیض باشد، باید شماره عادت خویشان خود را به طوری که در «عادت وقتیه»<sup>۱</sup> گفته شده حیض و بقیه را استحاضه قرار دهند و در این مورد احتیاط مستحب آن است که:
- الف - اگر عادت خویشان او هفت روز باشد، هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.
- ب - اگر عادت خویشان او کمتر از هفت روز باشد، همان مدت را حیض قرار دهد و در تفاوت کمتر از هفت روز، تا هفت روز را احتیاط نماید؛ یعنی کارهایی را که بر حائض حرام است انجام ندهد و به وظیفه مستحاضه عمل نماید.
- ج - اگر عادت خویشاوندان او بیش از هفت روز - مثلاً <sup>۱</sup> روز - باشد، همان هفت روز را حیض قرار دهد و در تفاوت بین هفت روز و عادت آنان - که دو روز است - احتیاط کند.
- ۴ - اگر از خونی که بیش از ده روز دیده‌اند چند روز نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه داشته باشد، سه حالت دارد:
- الف - اگر خونی که نشانه حیض داشته کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است.
- ب - اگر خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز بوده، بنابر احتیاط واجب به اندازه روزهای عادت خویشاوندان احتیاط کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.
- ج - اگر پیش از گذشتن ده روز از قطع خونی که نشانه حیض داشته و از

۱. به مسائل «۱۶۴» تا «۱۸۴» رجوع شود.

سه روز بیشتر است بار دیگر خونی که نشانه حیض دارد بیند، مثل اینکه پنج روز خون حیض و نه روز خون استحاضه و دوباره پنج روز خون حیض بیند، بنابر احتیاط واجب در هر دو خون، کارهایی که بر حائض حرام است ترک و به وظایف مستحاضه عمل نماید.

۵ - مبتدئه:

«مبتدئه» به زنی گفته می‌شود که برای نخستین بار خون می‌بیند.

(مسئله ۴۲۲) برای مبتدئه چند حالت وجود دارد:

۱ - اگر خونی که دیده کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد و همه آن نشانه حیض داشته باشد، باید همه را حیض قرار دهد و اگر نشانه حیض نداشته باشد به احتیاط عمل کند.

۲ - اگر خونی که دیده بیشتر از ده روز باشد و همه آن یک جور بوده و صفات حیض را دارد، باید به گونه‌ای که در «عادت وقتیه»<sup>۱</sup> گفته شد، عادت خویشان خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

۳ - اگر بیش از ده روز خونی بیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه داشته باشد، یکی از سه صورت را دارد:

الف - اگر مقدار خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه آن را حیض قرار دهد.

ب - اگر خونی که نشانه حیض دارد بیشتر از ده روز باشد، باید از نخستین روزی که خون او نشانه حیض دارد حیض قرار دهد و در شماره آن از خویشاوندان خود پیروی نماید و بقیه را استحاضه به شمار آورد و چنانچه خویشاوندان او عادت مستقری ندارند، بنابر احتیاط باید هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

ج - اگر خونی که نشانه حیض دارد از سه روز کمتر باشد، بنابر احتیاط در مقدار عادت خویشان خود احتیاط کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

۴ - اگر پیش از گذشتن ده روز از قطع خونی که نشانه حیض داشته، بار دیگر خونی بیند که آن هم نشانه حیض دارد، مثل آنکه پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه بیند، بنابر احتیاط واجب در هر

۱. به مسائل «۴۱۶» تا «۴۱۸» رجوع شود.

## مسائل طهارت

دو خون از کارهایی که بر حائض حرام است اجتناب نموده و به وظایف مستحاضه عمل نماید.

### ۶ - ناسیه:

مقصود از «ناسیه» زنی است که عادت خود را به طور کلی، هم وقت و هم عدد آن را، فراموش کرده باشد.

(مسئله ۴۲۳) برای ناسیه چند حالت وجود دارد:

۱ - اگر خونی که دیده از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد و همه آن نشانه حیض داشته باشد، باید همه را حیض قرار دهد و اگر نشانه حیض نداشته باشد به احتیاط عمل کند.

۲ - اگر از ده روز بیشتر بوده و همه آن نشانه حیض نداشته باشد، باید روزهایی را که نشانه حیض دارد، به شرط آنکه از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

۳ - اگر خونی که دیده بیش از ده روز باشد و نتواند حیض را به واسطه نشانه‌های آن تشخیص دهد، پس اگر همه خون به صفات حیض باشد بنابر احتیاط واجب باید هفت روز نخست را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد، مگر اینکه یقین داشته باشد که مقدار عادت او اجمالاً کمتر و یا بیشتر از هفت روز بوده، که در این دو صورت بنابر احتیاط واجب باید در مقدار تفاوت احتیاط کند؛ یعنی کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و به وظایف مستحاضه عمل نماید.

۴ - اگر بیشتر از ده روز خون بیند و خون او اصلاً نشانه حیض را نداشته باشد، باید در هفت روز نخست احتیاط کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

### مسائل متفرقه حیض:

(مسئله ۴۲۴) زنان «مضطربه»، «مبتدئه»، «ناسیه» و «صاحب عادت عدیده»، اگر خونی بیند که نشانه‌های حیض را داشته باشد، باید از اول عبادت را ترک کنند و چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده، مثل اینکه از سه روز کمتر باشد، باید عبادتها را که بجا نیاورده‌اند قضا نمایند و اگر نشانه‌های حیض را نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب کارهای استحاضه را بجا آورند و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نمایند.

(مسئله ۴۲۵) زنی که در حیض عادت دارد، چه در وقت حیض عادت

## مسائل طهارت

داشته باشد چه در عدد حیض یا هم در وقت و هم در عدد آن، اگر دو ماه پشت سر هم، خلاف عادت خود خونی بیند که وقت آن یا شماره روزهای آن یا هم وقت و هم شماره روزهای آن یکی باشد، عادتش به آنچه در این دو ماه دیده است بر می گردد.

(مسئله ۴۲۶) مقصود از یک ماه، ابتدای خون دیدن است تا سی روز، نه از روز اول ماه تا آخر ماه.

(مسئله ۴۲۷) زنی که معمولاً ماهی یک مرتبه خون می بیند اگر در یک ماه دو مرتبه خون بیند و آن خونها نشانه های حیض را داشته باشد، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز کمتر نباشد، باید هر دو را خون حیض قرار دهد.

(مسئله ۴۲۸) اگر سه روز یا بیشتر خونی بیند که نشانه حیض دارد سپس ده روز یا بیشتر خونی بیند که نشانه استحاضه دارد و دوباره سه روز یا بیشتر خونی به نشانه های حیض بیند، باید خون او و خون آخر را که نشانه های حیض داشته، حیض و خون وسط را استحاضه قرار دهد.

(مسئله ۴۲۹) اگر زن پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست، باید برای عادتها خود غسل کند، اگر چه گمان داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند، ولی اگر یقین یا اطمینان داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند، نباید غسل کند و نمی تواند نماز بخواند و باید به احکام حائض عمل نماید.

(مسئله ۴۳۰) اگر زن پیش از ده روز پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون هست، باید با مقداری پنبه خود را امتحان کند، پس اگر پاک بود غسل کرده و عادتها خود را بجا آورد و اگر پاک نبوده و خون به صفات حیض باشد به ترتیب زیر عمل نماید:

الف - اگر در عدد حیض عادت ندارد یا عادت او ده روز است، باید صبر کند تا اگر پیش از ده روز یا سر ده روز پاک شد غسل کند و اگر از ده روز گذشت سر ده روز غسل نماید.

ب - اگر در حیض عادت ندارد، مقدار حیض او بر طبق دستوراتی که برای «مبتدئه» و «مضطربه» و «ناسیه» گفته شد معین می شود.

ج - اگر عادت دارد و عادت او کمتر از ده روز است، چنانچه بداند پیش

از تمام شدن ده روز یا سرِ ده روز پاک می‌شود نباید غسل کند و اگر احتمال می‌دهد خون او از ده روز می‌گذرد احتیاط واجب آن است که تا دو روز عبادت را ترک کند و بعد از دو روز تا روز دهم کارهای استحاضه را بجا آورده و کارهایی را که بر حافظ حرام است ترک نماید، پس اگر پیش از تمام شدن ده روز یا سرِ ده روز از خون پاک شد تمامش حیض است و اگر از ده روز گذشت باید عادت خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و عبادتهايی را که بعد از روزهای عادت بجا نیاورده قضا نماید.

(مسئله ۴۳۱) اگر چند روز را حیض قرار دهد و عبادت نکند و بعد بفهمد حیض نبوده است، باید نماز و روزهای را که در آن روزها بجا نیاورده قضا نماید و اگر چند روز را به گمان اینکه حیض نیست عبادت کند و بعد بفهمد حیض بوده، چنانچه آن روزها را روزه گرفته باید قضا نماید.

### ۳ - غسل استحاضه

یکی از خونهایی که از زن خارج می‌شود «خون استحاضه» است و زن را در موقع دیدن این خون «مستحاضه» می‌گویند. خون استحاضه در بیشتر اوقات زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید و غلظیظ نیست، ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلظیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید.

#### احکام مستحاضه:

(مسئله ۴۳۲) وظیفه مستحاضه در حالتی سه گانه به این شرح است:

الف - در استحاضه قلیله باید برای هر نماز یک وضو بگیرد و بنابر احتیاط واجب پنبه را عوض کرده یا آب بکشد و ظاهر مخرج خود را هم، اگر آلوده شده، تطهیر نماید.

ب - در استحاضه متوسطه باید برای نماز صبح غسل کند و تا صبح روز بعد برای هر نماز، هر چند نافله باشد، یک وضو بگیرد و بنابر احتیاط وضوی نماز صبح را پیش از غسل انجام دهد و دستمال یا پنبه را نیز عوض کرده و یا آب بکشد و ظاهر مخرج خود را تطهیر نماید.

ج - در استحاضه کثیره باید یک غسل برای نماز صبح و یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یک غسل دیگر نیز برای نماز مغرب و عشا بنماید و بنابر احتیاط واجب برای هر نماز، هر چند نافله باشد، یک وضو بگیرد و وضو را

پیش از غسل انجام دهد، با این شرط که اولاً<sup>۱</sup>: میان نماز ظهر و عصر و نیز میان نماز مغرب و عشا جدایی نیندازد و گرنه باید برای هر یک از نمازهای عصر یا عشا نیز یک غسل انجام دهد. و ثانیا: بنابر احتیاط واجب برای هر نماز دستمال یا پنه را عوض کند و مخرج خون را تطهیر نماید.

(مسئله ۴۳۳) در استحاضه متوسطه که باید برای نماز صبح غسل کند چنانچه عمداً یا از روی فراموشی برای نماز صبح غسل نکند، باید برای نماز ظهر و عصر غسل نماید و اگر برای نماز ظهر و عصر غسل نکند، باید پیش از نماز مغرب و عشا غسل نماید؛ چه آن خون بیاید یا قطع شده باشد و نمازی را که بدون غسل خوانده باید قضا نماید.

(مسئله ۴۳۴) مستحاضه متوسطه یا کثیره که وظیفه اش غسل کردن است چنانچه انجام غسل برای او مشقتی داشته باشد که معمولاً قبل تحمل نیست یا به واسطه غسل کردن احتمال ضرر یا بیماری بدهد، باید به جای هر غسل یک تیم نماید و چنانچه به گونه ای باشد که مثلاً اگر برای نماز صبح غسل کند برای او ضرری ندارد، ولی غسل برای نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا موجب حرج یا ضرر می شود، باید غسل برای نماز صبح را انجام دهد و برای نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا به ترتیبی که گفته شد تیم نماید.

(مسئله ۴۳۵) اگر مستحاضه یکی از کارهایی که بر او واجب می باشد حتی عوض کردن پنه را ترک کند، بنابر احتیاط نمازش باطل است.

(مسئله ۴۳۶) اگر زن نداند استحاضه او از کدام قسم است، باید هنگام نماز با قرار دادن مقداری پنه، وضع خود را بررسی کرده و آنگاه به تکلیف خود عمل نماید، ولی اگر بداند تا وقتی که می خواهد نماز بخواند استحاضه او تغییر نمی کند، پیش از داخل شدن وقت هم می تواند خود را وارسی کند.

(مسئله ۴۳۷) مستحاضه اگر پیش از آنکه خود را بررسی کند مشغول نماز شود، چنانچه قصد قربت داشته و به وظیفه خود عمل کرده باشد، مثلاً استحاضه اش قلیله بوده و به وظیفه قلیله عمل نموده، نماز او صحیح است و اگر قصد قربت نداشته یا عمل او مطابق وظیفه اش نبوده، مثل آنکه استحاضه او متوسطه بوده و به وظیفه قلیله رفتار نموده، نماز او باطل است.

(مسئله ۴۳۸) زنی که توان وارسی خود را ندارد چنانچه نمی داند استحاضه او قلیله است یا متوسطه، باید کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد و اگر

## مسائل طهارت

نمی‌داند استحاضه او متوسطه است یا کثیره، باید کارهای استحاضه متوسطه را انجام دهد. گرچه احتیاط مستحب آن است که در هر دو صورت، وظیفه سنگین‌تر را انجام دهد تا یقین کند به تکلیف خود عمل کرده است، ولی اگر بداند سابقاً کدام یک از آن سه قسم بوده، باید به وظیفه همان قسم رفتار نماید.

(مسئله ۴۳۹) اگر مستحاضه بعد از نماز خود را بررسی کند و خون نبیند، گرچه بداند دوباره خون می‌آید می‌تواند با وضوی که دارد نماز بعد را بخواند.

(مسئله ۴۴۰) اگر خون استحاضه در باطن باشد و بیرون نیاید وضو و غسل باطل نمی‌شود، ولی اگر بیرون باید، هر چند کم باشد، وضو و غسل را به ترتیبی که گذشت باطل می‌کند.

(مسئله ۴۴۱) مستحاضه باید برای هر نماز، چه واجب و چه مستحب، وضو بگیرد، هر چند در کثیره، واجب بودن وضو از باب احتیاط است، چنانکه گذشت. همچنین اگر بخواهد نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند یا نمازی را که تنها خوانده دوباره با جماعت بخواند یا نماز نافله بخواند، باید تمام کارهایی را که برای استحاضه گفته شد انجام دهد، ولی برای خواندن نماز احتیاط و سجده و تشهید فراموش شده و سجده سهو در صورتی که آنها را فوراً بعد از نماز بجا آورد، لازم نیست کارهای استحاضه را انجام دهد.

(مسئله ۴۴۲) هر گاه استحاضه قلیله تبدیل به متوسطه و یا استحاضه متوسطه تبدیل به کثیره شود، مستحاضه باید به وظیفه خود در حالت جدید عمل نماید.

(مسئله ۴۴۳) هر گاه استحاضه کثیره تبدیل به متوسطه یا قلیله شود، باید برای اولین نماز، وظیفه مستحاضه کثیره را انجام دهد و برای نمازهای بعد به وظیفه متوسطه یا قلیله عمل نماید و هر گاه خون او قطع شود، باید برای نخستین نماز پس از آن به وظیفه خود عمل نماید.

(مسئله ۴۴۴) اگر استحاضه قلیله پیش از نماز، متوسطه یا کثیره شود، باید کارهای متوسطه یا کثیره را که گفته شد انجام دهد و اگر استحاضه متوسطه تبدیل به کثیره شود باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد و چنانچه برای استحاضه متوسطه غسل کرده باشد باید دوباره برای کثیره غسل کند.

(مسئله ۴۴۵) اگر در بین نماز، استحاضه متوسطه تبدیل به کثیره شود، باید

نماز را رها کرده و برای استحاضه کثیره غسل کند و وضو بگیرد و احتیاطاً وضو را پیش از غسل انجام دهد و کارهای دیگر آن را هم انجام دهد و همان نماز را بخواند. و اگر برای هیچ کدام از غسل و وضو وقت ندارد، باید دو تیم کند: یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو و اگر برای یکی از آنها وقت ندارد، باید عوض آن تیم کند و دیگری را بجا آورد، ولی اگر برای تیم هم وقت ندارد، نمی‌تواند نماز را بشکند و باید نماز را تمام کند و بنابر احتیاط واجب قضا هم بنماید، همچنین است اگر در بین نماز استحاضه قلیله او متوسطه یا کثیره شود.

(مسئله ۴۴۶) مستحاضه کثیره یا متوسطه اگر پیش از داخل شدن وقت نماز برای نماز غسل کند کافی نیست بلکه اگر نزدیک اذان صبح برای نماز شب غسل کند و نماز شب را بخواند بنابر احتیاط، بعد از داخل شدن صبح، اگر خون ادامه داشته دوباره غسل و وضو را بجا آورد.

(مسئله ۴۴۷) اگر خون استحاضه پیش از وقت نماز بیاید، گرچه زن برای آن خون وضو و غسل را انجام داده باشد، بنابر احتیاط واجب چنانچه خون ادامه داشته باید در موقع نماز، وضو و غسل را بجا آورد.

(مسئله ۴۴۸) اگر مستحاضه بداند یا احتمال دهد که پیش از گذشتن وقت نماز بکلی پاک می‌شود یا به اندازه خواندن نماز خون قطع می‌شود، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند و نماز را در وقتی که پاک است بخواند.

(مسئله ۴۴۹) اگر بعد از وضو و غسل، خون در ظاهر قطع شود و مستحاضه بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد به مقداری که بتواند وضو و غسل و نماز را بجا آورد بکلی پاک می‌شود، بنابر احتیاط واجب نماز را تأخیر بیندازد و موقعی که بکلی پاک شد دوباره وضو و غسل را بجا آورد و نماز را بخواند.

(مسئله ۴۵۰) مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو یا غسل شده خونی از او بیرون نیامده و بعد از نماز هم خون در داخل مجرای نیست و بیرون نمی‌آید، می‌تواند خواندن نماز را تأخیر بیندازد.

(مسئله ۴۵۱) مستحاضه کثیره یا متوسطه، وقتی بکلی از خون پاک شد باید غسل کند، ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز سابق مشغول غسل شده دیگر خون نیامده، لازم نیست دوباره غسل نماید.

## مسائل طهارت

(مسئله ۴۵۲) مستحاضه قلیه پس از وضو و مستحاضه کثیره و متوسطه پس از وضو و غسل باید بلا فاصله مشغول نماز شوند، ولی گفتن اذان و اقامه و خواندن دعاها پیش از نماز و انجام کارهای مستحب در نماز اشکال ندارد.

(مسئله ۴۵۳) اگر مستحاضه قلیه بین غسل و نماز فاصله بیندازد باید دوباره غسل کند و بلا فاصله مشغول نماز شود، ولی اگر بعد از غسل، خون خارج نگردد غسل دیگر لازم نیست.

(مسئله ۴۵۴) اگر خون استحاضه جریان داشته باشد و قطع نشود، چنانچه برای او ضرر نداشته باشد باید پیش از غسل و بعد از آن به وسیله پنبه از بیرون آمدن خون جلوگیری کند تا نماز او تمام شود و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید باید غسل و وضو و نماز خود را دوباره بجا آورد.

(مسئله ۴۵۵) اگر در موقع غسل خون قطع نشود غسل صحیح است، ولی اگر در بین غسل، مستحاضه متوسطه او کثیره شود بنابر احتیاط واجب غسل را دوباره انجام دهد.

(مسئله ۴۵۶) روزه زنانی که در حال استحاضه کثیره یا متوسطه‌اند بنابر احتیاط واجب در صورتی صحیح است که برای نماز مغرب و عشای شب قبل از روزه گرفتن غسل نمایند و نیز در روز غسل‌هایی را که برای نمازهای یومیه واجب است انجام دهند، ولی اگر برای نماز مغرب و عشای شب قبل غسل نکند و برای خواندن نماز شب، پیش از اذان صبح غسل نمایند و در روز هم غسل‌هایی را که برای نمازهای یومیه واجب است بجا آورند، روزه آنان صحیح است.

(مسئله ۴۵۷) اگر بعد از نماز عصر، مستحاضه شود و تاغروب غسل نکند، روزه او صحیح است.

(مسئله ۴۵۸) نماز آیات بر زنان مستحاضه واجب است و هنگام خواندن نماز آیات باید همان وظایف نمازهای یومیه را انجام دهند و اگر بخواهند نماز آیات و نمازهای یومیه را با هم بخوانند، باید برای هر کدام جداگانه به وظیفه خود عمل کند و احتیاط واجب آن است که هر دو را با یک غسل و یک وضو بجا نیاورند.

(مسئله ۴۵۹) اگر مستحاضه بخواهد غیر از نماز کار دیگری که نیاز به وضو دارد انجام دهد، باید وضوی دیگری بگیرد و آن وضوی که برای نماز

## مسائل طهارت

گرفته بنابر احتیاط واجب کافی نیست، مگر اینکه در حال نماز بخواهد آن کار را انجام دهد. و چنانچه مستحاضه کثیره یا متوسطه بخواهد پیش از وقت نماز، جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید علاوه بر وضع غسل را هم انجام دهد.

(مسئله ۴۶۰) بنابر احتیاط واجب مستحاضه، نماز قضا را در حال استحاضه بجا نیاورد، مگر اینکه وقت نماز قضا تنگ شود، که در این صورت باید برای هر نماز قضا کارهایی را که برای نماز ادا بر او واجب است انجام دهد.

(مسئله ۴۶۱) رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی و توقف در مساجد دیگر و خواندن سوره‌ای که سجده واجب دارد برای مستحاضه اشکال ندارد.

### ۴ - غسل نفاس

خونی که همراه با بیرون آمدن اولین جزء نوزاد از رحم مادر خارج می‌شود (خون نفاس) نام دارد و زنان را در این حالت «نُفَسَاء» یا «نَفَسَاء» می‌نامند، کمترین مدتی که زنان این خون را می‌بینند یک لحظه و بیشترین آن ده روز است.

(مسئله ۴۶۲) خونی که پیش از بیرون آمدن نوزاد از زنان خارج می‌شود، خون نفاس نیست.

(مسئله ۴۶۳) لازم نیست خلقت بدن نوزاد کامل و زایمان کامل و طبیعی باشد، بلکه اگر نوزاد پیش از کامل شدن به دنیا آید خونی که همراه او خارج می‌شود نفاس است. و اگر خون بسته‌ای هم از رحم بیرون آید که خود زن می‌داند یا چهار قابلیه یا مخصوصان نظر دهنده که اگر در رحم باقی می‌ماند انسان می‌شد، بنابر احتیاط واجب کارهایی را که بر نفاسه حرام است ترک نماید و کارهایی را که مستحاضه انجام می‌دهد انجام دهد.

(مسئله ۴۶۴) زنانی که خون نفاس آنها بیش از ده روز باشد چند حالت برای آنان وجود دارد:

**الف** - چنانچه در حیض عادت داشته باشد، باید به اندازه روزهای عادت خود، نفاس و بقیه را استحاضه قرار دهد.

**ب** - اگر در حیض عادت نداشته است، چنانچه نشانه‌های خون تغییر یابد باید آن اندازه را که سیاه رنگ است، اگر بیش از ده روز نباشد، نفاس قرار دهد.

ج - چنانچه در حیض عادت نداشته بنابر احتیاط واجب باید هفت روز نخست رانفاس بداند و در این حالت احتیاط واجب آن است که تا روز دهم کارهایی که بر حائض حرام است انجام ندهد و به وظایف مستحاضه نیز عمل نماید.

(مسئله ۴۶۵) بنابر احتیاط مستحب، زنی که خون نفاس او بیش از ده روز می‌باشد، اگر در حیض عادت دارد از روز بعد از عادت و اگر عادت ندارد پس از روز دهم تا روز هجدهم زایمان کارهای مستحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر نفسهای حرام است ترک نماید.

(مسئله ۴۶۶) زنی که عادت حیض او کمتر از ده روز باشد، ولی بیش از روزهای عادتش خون نفاس بینند، باید به اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد و پس از آن بنابر احتیاط واجب تا دو روز عبادت را رها کند و پس از دو روز تا روز دهم وظایف مستحاضه را انجام داده و کارهایی را که بر نفسهای حرام است ترک نماید، پس در این صورت اگر خون از ده روز بگذرد استحاضه است و باید روزهای پس از عادت تا روز دهم را هم استحاضه قرار داده و عبادتها را که در آن روزها انجام نداده قضا نماید.

(مسئله ۴۶۷) زنانی که پس از زایمان تا یک ماه پیاپی و یا بیشتر خون می‌بینند، یکی از دو حالت را دارند:

الف - اگر در حیض عادت دارند، به اندازه عادت حیض، نفاس قرار داده و ده روز پس از آن، گرچه در روزهای عادت ماهانه باشد، استحاضه است و پس از گذشت این ده روز اگر خونی را که می‌بیند در روزهای عادتش باشد حیض است، گرچه نشانه خون حیض نداشته باشد. همچنین اگر در روزهای عادتش نباشد و نشانه حیض را داشته باشد حیض است، هر چند خوب است در این صورت احتیاط شود، ولی اگر در روزهای عادتش نباشد و نشانه‌های حیض را هم نداشته باشد، باید آن را استحاضه قرار دهد.

ب - اگر در حیض عادت ندارند، ده روز نخست را مطابق آنچه در مسئله ۴۵۷) گفته شد عمل نمایند و ده روز دوم آن استحاضه است و خونی که پس از ده روز دوم دیده می‌شود، اگر نشانه حیض را داشته حیض است و گرنم استحاضه می‌باشد.

(مسئله ۴۶۸) کارهایی که بر «حائض» حرام یا مکروه است بر «نفسهای نیز

حرام یا مکروه می‌باشد، هر چند حرام بودن برخی از چیزها از باب احتیاط و مکروه بودن برخی دیگر، مانند حنا بستن، محل اشکال است، همچنین آنچه بر «حائض» واجب یا مستحب است بر «نفساء» نیز واجب و مستحب می‌باشد.

(مسئله ۴۶۹) طلاق دادن زنی که در حال نفاس می‌باشد باطل است، همچنین نزدیکی با او حرام می‌باشد و اگر شوهرش با او نزدیکی کند بنابر احتیاط مستحب به دستوری که در احکام حیض گفته شد کفاره بدهد.

(مسئله ۴۷۰) وقتی که زن از خون نفاس پاک شد باید غسل کند و عبادتهاخود را بجا آورد و اگر دوباره خون بیند، چنانچه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد تمام آن نفاس است و چنانچه روزهایی که پاک بوده روزه گرفته باشد باید قضا نماید.

(مسئله ۴۷۱) اگر زن از خون نفاس پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون هست، باید با مقداری پنه خود را آزمایش کند، پس اگر پاک بود برای عبادتهاخود غسل غسل نماید.

(مسئله ۴۷۲) کسی که غسل نفاس را انجام داده بنابر احتیاط مستحب، باید برای نماز و سایر عبادتهاخی که طهارت در آن شرط است وضو نیز بگیرد و لازم نیست وضو را پیش از غسل انجام دهد.

## ۵ - غسل مسّ میت

(مسئله ۴۷۳) اگر کسی بدن انسان مردهای را که سرد شده و غسلش نداده‌اند مسّ کند؛ یعنی جایی از بدن خود را به بدن او برساند، باید «غسل مسّ میت» نماید، هر چند در خواب یا به طور ناخودآگاه یا بنابر احتیاط، باطن او را مسّ کرده باشد، بلکه بنابر احتیاط مستحب مسّ بدن شهید و همچنین مسّ بدن مردهای که او را به جای غسل تیم داده‌اند و یا هر سه غسل او با آب خالص بدون سدر و کافور انجام شده است نیز همین حکم را دارد.

(مسئله ۴۷۴) اگر بدن حیوان مردهای را مسّ نماید غسل بر او واجب نیست، همچنین برای مسّ انسان مردهای که تمام بدن او سرد نشده غسل واجب نمی‌شود، هر چند جایی را که سرد شده مسّ نماید.

(مسئله ۴۷۵) رساندن ناخن و استخوان به ناخن و استخوان میت موجب واجب شدن غسل است، همچنین اگر موی بدن زنده به بدن یا موی بدن مرده

## مسائل طهارت

برسد، چنانچه موهای آنها کوتاه باشد بنابر احتیاط واجب و اگر موها بلند باشد بنابر احتیاط مستحب، مسّ کننده غسل نماید.

(مسئله ۴۷۶) اگر جایی از بدن انسان به بدن بچه‌ای که مرد و یا حتی جنین سقط شده‌ای که چهار ماه آن تمام شده برسد باید غسل کند و بنابر احتیاط مستحب جنین سقط شده پیش از چهار ماه نیز همین حکم را دارد. بنابراین اگر جنین چهارماهه‌ای که مرد هنگام تولد با ظاهر بدن مادر تماس پیدا کند، مادر او باید غسل کند و نیز اگر نوزاد پس از مرگ مادر و سرد شدن بدن او به دنیا بیاید و هنگام تولد با ظاهر بدن مادر فقط با باطن بدن یکدیگر تماس داشته باشند و جوب غسل بنابر احتیاط است.

(مسئله ۴۷۷) اگر کسی میتی را که سه غسل او کاملاً تمام شده مسّ می‌نماید، غسل بر او واجب نمی‌شود، ولی اگر پیش از آنکه غسل سوم تمام شود جایی از بدن او را مسّ کند هر چند غسل سوم آنجا تمام شده باشد باید غسل مسّ میت نماید.

(مسئله ۴۷۸) اگر از بدن زنده یا مردہ‌ای که غسلش نداده‌اند قسمتی که دارای استخوان است جدا شود و پیش از آنکه قسمت جدا شده را غسل دهند کسی آن را مسّ نماید، باید غسل مسّ میت کند، ولی اگر قسمتی که جدا شده استخوان نداشته باشد، پس اگر از زنده جدا شده مسّ آن موجب غسل نمی‌شود و اگر از مرد جدا شده بنابر احتیاط واجب غسل نماید.

(مسئله ۴۷۹) بنابر احتیاط واجب مسّ دندان و استخوانی که از مرد جدا شده و آن را غسل نداده‌اند موجب غسل می‌شود، ولی مسّ دندان و استخوانی که از زنده جدا شده و گوشت ندارد موجب غسل نمی‌شود.

(مسئله ۴۸۰) اگر دیوانه یا بچه نابالغی، میت را المس کند، بعد از آنکه آن دیوانه عاقل یا آن بچه بالغ شد باید غسل مسّ میت نماید.

(مسئله ۴۸۱) اگر چند میت را مسّ کند و یا یک میت را چند مرتبه مسّ نماید یک غسل کفایت می‌کند.

(مسئله ۴۸۲) غسل «مسّ میت» را باید همانند غسل «جنابت» انجام دهند، ولی کسی که غسل مسّ میت کرده برای نماز و چیزهایی که طهارت در آن شرط است بنابر احتیاط مستحب باید وضو هم بگیرد.

(مسئله ۴۸۳) کسی که غسل مسَّ میت بر او واجب شده، ورود و توقف در مساجد و جماع کردن و نیز خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارد برای او مانع ندارد، ولی برای خواندن نماز و انجام عبادتهای دیگری که نیاز به وضو دارد، باید غسل کند و بنابر احتیاط مستحب وضو هم بگیرد.

#### ۶ - غسلی که با نذر یا سوگند و یا عهد واجب شده است

(مسئله ۴۸۴) کسی که برای رفع گرفتاری یا برای اینکه کار و یا خوی ناپسندی را ترک کند نذر یا عهد و یا سوگند یاد نماید که غسلی را انجام دهد، آن غسل بر او واجب می‌شود و باید به نذر یا عهد و یا سوگند خود عمل نماید.

#### غسلهای مستحب

(مسئله ۴۸۵) غسلهای مستحب در شرع مقدس اسلام بسیار است از جمله:

۱ - غسل جمعه؛ وقت آن از اذان صبح تا ظهر روز جمعه است و بهتر آن است که نزدیک ظهر انجام شود و اگر تا ظهر آن را انجام ندهد بهتر است بدون نیت ادا و قضا نا غروب جمعه آن را بجا آورد و اگر در روز جمعه غسل نکند مستحب است روز شنبه قضا آن را بجا آورد. و کسی که می‌داند در روز جمعه آب پیدا نمی‌کند می‌تواند غسل را در روز پنجشنبه انجام دهد، بلکه چنانچه در شب جمعه غسل را به امید اینکه مطلوب خداوند عالم باشد بجا آورد صحیح است. و مستحب است هنگام غسل جمعه بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعُلْنِي مِنَ التَّوَابِينَ وَاجْعُلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».

۲ - غسل شب اول ماه رمضان و نیز تمام شباهی فرد آن، به قصد رجا و امید ثواب، ولی از شب بیست و یکم مستحب است هر شب غسل کند. وقت غسل شباهی ماه رمضان تمام شب است و بهتر است نزدیک غروب بجا آورده شود و از شب بیست و یکم تا آخر ماه، بهتر است غسل را بین نماز مغرب و عشا بجا آورد. همچنین مستحب است در شب بیست و سوم بجز غسل اول شب، یک غسل هم در آخر شب انجام دهد.

۳ - غسل شب عید فطر؛ وقت آن از اول مغرب تا اذان صبح است و بهتر آن است که در اول شب بجا آورده شود و اگر بعد از اول شب انجام دهد به امید ثواب باشد.

- ۴ - غسل روز عید فطر و عید قربان؛ وقت آن از اذان صبح تا غروب است و بهتر آن است که پیش از نماز عید انجام شود و اگر از ظهر تا غروب بجا آورد به قصد رجا و امید ثواب باشد.
- ۵ - غسل روز هشتم و نهم ذی حجه و در روز نهم بهتر است آن را نزدیک ظهر انجام دهد.
- ۶ - غسل روز عید غدیر و بهتر است پیش از ظهر انجام شود.
- ۷ - غسل روز بیست و چهارم ذی حجه.
- ۸ - غسل روز عید مبعث و نیز روزهای اول و پانزدهم و آخر ماه رجب.
- ۹ - غسل روزهای پانزدهم شعبان، عید نوروز، نهم و هفدهم ربیع الاول و بیست و پنجم ذی قعده، هر چند احتیاط آن است که سه غسل اخیر را به امید ثواب انجام دهد.
- ۱۰ - غسل دادن نوزادی که تازه به دنیا آمده است.
- ۱۱ - غسل زنی که برای غیر شوهر خود بوی خوش استعمال کرده است.
- ۱۲ - غسل کسی که برای تماشای به دار آویخته رفته و او را دیده باشد، ولی اگر اتفاقاً یا از روی ناچاری نگاهش یافتند غسل مستحب نیست.
- ۱۳ - غسل کسی که جایی از بدن خود را به بدن می‌تی که غسلش داده باشند رسانده است.
- ۱۴ - غسل احرام برای عمره یا حج و نسبت به آن بسیار تأکید شده است و بعضی از علماء آن را واجب دانسته اند.
- ۱۵ - غسل کسی که قصد وارد شدن به حرم و شهر مکه، مسجدالحرام برای طواف، وارد شدن به خانه کعبه، حرم و شهر مدینه، مسجد النبی (ع) و حرم امامان (ع) را دارد و یک غسل برای انجام چند مورد از موارد ذکر شده و نیز برای وقتی که می‌خواهد چند مرتبه مشرف شود کفایت می‌کند.
- ۱۶ - غسل برای نشاط در عبادت.
- ۱۷ - عسل برای رفتن به سفر، خصوصاً سفر زیارت حضرت سیدالشهداء(ع)
- ۱۸ - غسل برای توبه.
- ۱۹ - غسل برای خواستن حاجت از خداوند متعال.
- ۲۰ - غسل برای زیارت پیامبر (ع) یا امامان (ع) از دور یا نزدیک.

### مسائل طهارت

(مسئله ۴۸۶) بنابر احتیاط مستحب غسل مستحبی کفایت از وضو نمی‌کند، بلکه برای هر کاری مانند نماز که وضو لازم است، اگر وضوندارد، وضو بگیرد. و اگر یکی از غسلهایی را که در موارد «۱۵ تا ۲۰» از مسئله قبل گفته شد بجا آورد و بعد کاری که وضو را باطل می‌کند انجام دهد، غسل او باطل می‌شود و مستحب است دوباره غسل را بجا آورد.

(مسئله ۴۸۷) اگر چند غسل بر کسی مستحب باشد و به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد کافی است، بلکه اگر بخواهد یک یا چند غسل واجب و یک یا چند غسل مستحب بجا آورد، می‌تواند به نیت همه آنها یک غسل انجام دهد و از همه آنها کفایت می‌کند.

### کیفیت تیم:

(مسئله ۴۸۸) «تیم» عبارت از زدن دو کف دست بر زمین و کشیدن آنها

به صورت و پشت دستها با شرایط زیر است:

الف - نخست قصد کند به جای وضو یا غسل تیم می‌نماید.

ب - پس از نیت، کف دو دست را با هم، بنابر احتیاط، به چیزی که تیم به آن صحیح است بزند.

ج - آنگاه کف دو دست را برابر تمام پیشانی و دو طرف آن از بالا به پایین از جایی که موی سر رویده تا روی ابروها و بالای بینی بکشد، به طوری که تمام کف دو دست بر تمام پیشانی و بنابر احتیاط واجب روی ابروها کشیده شود و بهتر است بر تمام صورت کشیده شود.

د - سپس تمام کف دست چپ را برابر تمام پشت دست راست از مچ تا سر انگشتان، و تمام کف دست راست را برابر تمام پشت دست چپ بکشد و بنابر احتیاط دو بار کف دو دست را بر زمین بزند و بر پیشانی و پشت دستها بکشد و باز یک بار کف دو دست را به زمین بزند و بر پشت دستها بکشد.

چیزهایی که تیم بر آن صحیح است:

(مسئله ۴۸۹) تیم بر «خاک»، «ریگ»، «کلوخ»، «گل پخته مانند آجر و کوزه»، «سنگ گچ»، «سنگ آهک»، «سنگ مرمر» و دیگر سنگها صحیح است، ولی تیم بر جواهرات، مانند عقیق و فیروزه که به آنها زمین نمی‌گویند باطل است. و بنابر احتیاط تامکن است باید خاک را بر چیزهای دیگر به ویژه سنگ مقدم داشت و احتیاط مستحب آن است که بر گچ و آهک و گل پخته تیم نکنند.

(مسئله ۴۹۰) تیم بر دیوارهای گلی یا آجری و یا سنگی با بودن خاک، خلاف احتیاط است و احتیاط آن است که با بودن زمین و خاک خشک بر سنگ و یا زمین و خاک نمناک تیم نکنند.

(مسئله ۴۹۱) اگر آنچه تیم بر آن صحیح است پیدا نشود، باید بر

## مسائل طهارت

چیزهای غبارآلود، مانند فرش و لباس، تیم کرد و اگر غبار در لابلای آنهاست، باید اول آنها را تکان دهد تا روی آنها غبارآلود شود و بعد بر آنها تیم کند و چنانچه چیز غبارآلود هم نباشد می‌تواند بر گل تیم نماید، و اگر آن هم پیدا نشود بنابر احتیاط نماز را بدون تیم بخواند و بعده قصای آن را بجا آورد.

(مسئله ۴۹۲) اگر بتواند با تکان دادن فرش و مانند آن خاک تهیه کند باید تهیه کند و تیم بر چیز غبارآلود ننماید و چنانچه بتواند گل را خشک کند و از آن خاک تهیه ننماید تیم بر گل صحیح نمی‌باشد.

(مسئله ۴۹۳) اگر با خاک و ریگ چیزی مانند کاه که تیم بر آن باطل است مخلوط شود، نمی‌تواند بر آن تیم کند، ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ، مستهلک و از بین رفته حساب شود، تیم بر آن خاک و ریگ صحیح است.

(مسئله ۴۹۴) تیم بر زمین گود و خاک جاده و خاکی که روی آن راه می‌روند و زمین شوره‌زار که نمک روی آن را نگرفته مکروه است و اگر نمک روی آن را گرفته باشد باطل است.

(مسئله ۴۹۵) چیزی که بر آن تیم می‌کند باید شرایط زیر را داشته باشد:

الف - پاک باشد و اگر چیز پاکی که تیم بر آن صحیح است ندارد بنابر احتیاط واجب نماز را بدون تیم بخواند و قصای آن را هم بجا آورد.

ب - غصبی نباشد، همچنین فضایی که در آن تیم می‌کند نیز نباید غصبی باشد. و اگر نداند محل تیم غصبی است و یا فراموش کرده باشد تیم او صحیح است، ولی اگر فراموش کننده خودش غاصب باشد، تیم او محل اشکال است.

ج - بنابر احتیاط اگر چیزی که بر آن تیم می‌کند از چیزهایی باشد که گرد دارد، باید گرد آن بر دست بماند و بعد از زدن دست بر آن، مستحب است دست را بتکاند تا گرد آن بریزد.

(مسئله ۴۹۶) اگر یقین داشته باشد که تیم بر چیزی صحیح است و بر آن تیم ننماید، بعد بفهمد تیم بر آن باطل بوده، نمازهایی را که با آن تیم خوانده است باید دوباره بخواند.

### موارد تیم

در هفت مورد باید به جای وضو یا غسل تیم نمود:

اول از موارد تیم:

(مسئله ۴۹۷) چنانچه تهیه آب به اندازه وضو یا غسل ممکن نباشد باید تیم نماید.

(مسئله ۴۹۸) اگر انسان در آبادی باشد باید برای تهیه آب وضو یا غسل به قدری جستجو کند که از پیداشدن آن نامید شود و اگر در بیابان باشد، چنانچه زمین آن پست و بلند است و یا به واسطه درخت و مانند آن عبور در آن زمین مشکل است، باید در هر یک از چهار سمت به اندازه پرتاپ یک تیر قدیمی که با کمان پرتاپ می کردند؛ یعنی حدود دویست گام، در جستجوی آب ببرود و اگر زمین این گونه نیست باید در هر طرف به اندازه پرتاپ دو تیر، یعنی حدود چهار صد گام، جستجو نماید و بنابر احتیاط واجب به جستجوی چهار خط راست و چپ و جلو و عقب قناعت نکند و همه دایره محیط به خود را تا دویست یا چهار صد گام جستجو نماید بلکه بنابر احتیاط واجب در این زمان کسی که وسیله نقلیه دارد و برایش مشکل نیست تا مقداری که مأیوس شود جستجو نماید.

(مسئله ۴۹۹) اگر بعضی از چهار طرف هموار و بعضی دیگر پست و بلند یا عبور در آن مشکل باشد، در طرفی که هموار است به اندازه چهار صد گام و در طرفی که این گونه نیست به اندازه دویست گام جستجو نماید.

(مسئله ۵۰۰) در هر طرفی که یقین دارد آب وجود ندارد جستجو لازم نیست.

(مسئله ۵۰۱) کسی که وقت نماز او تنگ نیست و برای تهیه آب وقت دارد، چنانچه یقین یا اطمینان دارد در محلی دورتر از مقداری که باید جستجو کند آب هست، در صورتی که مانع نباشد و مشقت نداشته باشد باید برای تهیه آب به آنجا هم برود، ولی اگر یقین یا اطمینان ندارد که آب هست رفتن به آن محل لازم نیست.

(مسئله ۵۰۲) برای یافتن آب لازم نیست خود انسان جستجو نماید، بلکه اگر کسی را که گفته او موجب اطمینان است برای تهیه آب بفرستد کافی

## مسائل طهارت

است. و اگر پس از جستجو آب پیدا نکند و با تیم نماز بخواند و پس از نماز معلوم شود در جایی که جستجو کرده آب وجود داشته، نماز او صحیح است، هر چند خوب است بنابر احتیاط مستحب، مخصوصاً اگر وقت کافی باشد دوباره بخواند.

(مسئله ۵۰۳) اگر احتمال دهد که در منزل یا داخل بار سفر یا جای دیگر آب هست، باید به قدری جستجو نماید که به نبودن آب یقین پیدا کند یا نامید شود.

(مسئله ۵۰۴) اگر پیش از وقت نماز جستجو نماید و آب پیدا نکند و تا هنگام نماز همانجا بماند، لازم نیست دوباره در جستجوی آب برود، مگر اینکه گمان کند یا احتمال دهد آب پیدا شده باشد، که در این صورت بنابر احتیاط واجب باید دوباره جستجو نماید، همچنین است اگر پس از داخل شدن وقت نماز جستجو کند و آب پیدا نکند و تا وقت نماز دیگر در همانجا بماند.

(مسئله ۵۰۵) اگر جستجوی آب به قدری سخت باشد که نتواند تحمل کند یا به گونه‌ای باشد که بر جان یا مال قابل توجه خود بترسد و یا وقت نماز به قدری تنگ باشد که هیچ نتواند جستجو کند، جستجو لازم نیست، ولی اگر نتواند مقداری جستجو کند به همان مقدار جستجو لازم است.

(مسئله ۵۰۶) اگر در جستجوی آب نرود تا وقت نماز تنگ شود معصیت کرده، ولی نمازش با تیم صحیح است، هر چند خوب است بنابر احتیاط مستحب قضای آن را بجا آورد.

(مسئله ۵۰۷) کسی که یقین دارد آب پیدا نمی‌کند، چنانچه دنبال آب نرود و با تیم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که اگر جستجو می‌کرد آب پیدا نمی‌شد، بنابر احتیاط نمازش را با موضوع بخواند.

(مسئله ۵۰۸) اگر در وسعت وقت در جستجوی آب نرود و نماز را با تیم بخواند نمازش باطل است، هر چند معلوم شود که واقعاً آب وجود نداشته و یا دسترسی به آن ممکن نبوده است، مگر اینکه تیم و نماز را با قصد قربت انجام داده باشد که در صورت عدم وجود آب نمازش صحیح می‌باشد.

(مسئله ۵۰۹) کسی که یقین دارد وقت نماز تنگ است، چنانچه بدون جستجو با تیم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که برای جستجو وقت داشته،

احتیاط واجب آن است که دوباره نمازش را بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

(مسئله ۵۱۰) اگر بعد از داخل شدن وقت نماز یا پیش از آن وضو داشته باشد و بداند یا دو شاهد عادل خبر دهنند که اگر وضوی خود را باطل کند آب پیدا نمی‌شود یا نمی‌تواند وضو بگیرد، چنانچه بتواند بدون ضرر و مشقت وضوی خود را نگه دارد نباید آن را باطل کند، بلکه اگر احتمال صحیح عقلایی هم بدهد که اگر وضوی خود را باطل کند تهیه آب ممکن نمی‌شود یا نمی‌تواند وضو بگیرد، بنابر احتیاط واجب آن را باطل نکند، چه پیش از وقت نماز باشد یا بعد از آن.

(مسئله ۵۱۱) کسی که فقط به مقدار وضو یا غسل آب دارد، چنانچه بداند یا دو شاهد عادل خبر دهنند که اگر آب را بریزد دیگر پیدا نمی‌کند ریختن آن جایز نیست، چه پیش از وقت نماز باشد یا بعد از آن، همچنین است بنابر احتیاط واجب اگر احتمال صحیح عقلایی بدهد که آب پیدا نمی‌کند.

(مسئله ۵۱۲) کسی که بداند یا دو شاهد عادل خبر دهنند که آب پیدا نمی‌کند، چنانچه وضوی خود را باطل کند یا آبی که دارد بریزد معصیت کرده، ولی نمازش با تیم صحیح است، اگر چه احتیاط مستحب آن است که قضای آن نماز را بخواند.

#### دوم از موارد تیم:

(مسئله ۵۱۳) اگر به دلیل پیری، ترس از دزد یا جانوران و یا نداشتن وسیله‌ای که با آن آب فراهم کند دسترسی به آب پیدا نکند، باید تیم نماید، همچنین است اگر یافن آب یا استعمال آن چندان برای او مشقت دارد که نوع مردم آن را تحمل نمی‌کند، ولی اگر آب در چاه باشد و برای یرون آوردن آن وسایلی لازم باشد باید تهیه و یا کرایه نماید، هر چند به چند برابر قیمت معمول باشد، اما اگر تهیه وسایل یا خریدن آب به قدری هزینه می‌خواهد که نسبت به حال او ضرر غیرقابل تحمل دارد واجب نیست تهیه نماید.

#### سوم از موارد تیم:

(مسئله ۵۱۴) لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد، بلکه اگر طوری احتمال دهد که در نظر مردم بجا باشد و از آن احتمال برای او ترس

پیدا شود باید تیم نماید.

(مسئله ۵۱۵) اگر به واسطه یقین یا ترس از ضرر تیم کند و پیش از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیم او باطل است؛ و اگر بعد از نماز بفهمد و مبنای عقلانی نداشته بنابر احتیاط واجب دوباره نمازش را بخواند. و گرنه صحیح است.

(مسئله ۵۱۶) کسی که می‌داند آب برای او ضرر ندارد چنانچه غسل کند و یا وضو بگیرد و بعد بفهمد آب برای او ضرر داشته است، وضو و غسل او صحیح است.

#### چهارم از موارد تیم:

(مسئله ۵۱۷) اگر از استعمال آب بر جان خود یا زن و فرزند و یا همراهانش بترسد، به طوری که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند خود او یا همراهانش از تشنگی تلف و یا مریض می‌شوند یا به قدری تشه می‌شوند که تحمل آن مشقت دارد، باید تیم نماید و نیز اگر بترسد حیوانی مانند اسب، استر و غیر آن که همراه اوست و معمولاً سرش را برای خوردن نمی‌برند از تشنگی بمیرد باید تیم کند، هر چند حیوان مال خودش نباشد، همچنین است اگر کسی که حفظ جان او واجب است به طوری تشه باشد که اگر انسان آب را به او ندهد تلف شود.

#### پنجم از موارد تیم:

(مسئله ۵۱۸) اگر ناچار باشد آبی که همراه دارد به مصرف پاک کردن بدن یا لباس نجس خود برساند باید تیم کند، ولی چنانچه چیزی نداشته باشد که بر آن تیم کند باید آب را به مصرف وضو برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند. و در صورت اول بنابر احتیاط، پیش از تیم، بدن یا لباس خود را تطهیر نماید.

#### ششم از موارد تیم:

(مسئله ۵۱۹) اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری ندارد، مثلاً آب یا ظرفش غصبی است و غیر از آن آب یا ظرف دیگری ندارد، باید به جای وضو یا غسل تیم کند.

#### هفتم از موارد تیم:

## مسائل طهارت

(مسئله ۵۲۰) چنانچه وقت نماز به قدری تنگ باشد که اگر بخواهد وضو بگیرد یا غسل کند تمام یا مقداری از نماز او در خارج وقت خوانده می‌شود، باید تیم نماید.

(مسئله ۵۲۱) اگر وضو و تیم یک اندازه وقت می‌گیرد باید وضو بگیرد و در صورتی که شک دارد اگر وضو بگیرد یا غسل کند وقت برای نماز می‌ماند یا نه، باید تیم کند و نماز بخواند.

(مسئله ۵۲۲) اگر عمدانماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد معصیت کرده، ولی نماز او با تیم صحیح است، اگر چه احتیاط آن است که قضای آن نماز را نیز بخواند.

(مسئله ۵۲۳) کسی که آب دارد ولی به واسطه تنگی وقت تیم کرده، چنانچه بعد از نماز و گذشت زمانی که برای وضو کافی است آبی که داشته از دستش برود، برای نماز بعد باید دوباره تیم کند و تیم سابق کافی نیست، ولی اگر در بین نماز اول یا بعد از آن، بدون فاصله، آبی که داشته از دستش برود، تیم سابق کفایت می‌کند، هر چند احوط آن است که دوباره تیم نماید.

(مسئله ۵۲۴) کسی که به خاطر تنگی وقت وظیفه‌اش تیم بوده، چنانچه خلاف وظیفه‌اش وضو یا غسل بجا آورد و نماز بخواند، اگر به قصد بودن بر طهارت، وضو یا غسل را انجام داده باشد نماز او صحیح است، ولی اگر به نیت همان نماز انجام داده باشد خالی از اشکال نیست، هر چند صحت آن نیز خالی از وجه نیست.

(مسئله ۵۲۵) اگر انسان به قدری وقت دارد که می‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحبی آن بخواند، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحبی آن بجا آورد، بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند.

(مسئله ۵۲۶) کسی که خیال می‌کرد برای وضو یا غسل وقت ندارد و با تیم نمازش را بجا آورد و بعد فهمید وقت داشته است، بنابر احتیاط پس از وضو یا غسل نمازش را دوباره بخواند.

احکام تیم:

(مسئله ۵۲۷) اگر مختصری از پیشانی و پشت دستها را مسح نکند تیم او باطل است، چه از روی عمد باشد یا فراموشی و یا به واسطه ندانستن مسئله، ولی دقت زیاد لازم نیست و همین قدر که بگویند تمام پیشانی و پشت دستها مسح شده کافی است.

(مسئله ۵۲۸) برای آنکه یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتر از مج را هم مسح نماید، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

(مسئله ۵۲۹) بنابر احتیاط واجب پیشانی و پشت دستها را از بالا به پایین مسح نماید و نیز کارهای آن را پشت سر هم بجا آورد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که نگویند تیم می کند باطل است.

(مسئله ۵۳۰) در تیم بنابر احتیاط واجب باید پیشانی و کف دستها و نیز پشت دستها پاک باشد و چنانچه کف دست نجس باشد و نتواند آن را آب بشکند باید با همان کف دست نجس تیم کند، و بنابر احتیاط واجب با پشت دست هم، اگر پاک است، دوباره تیم نماید.

(مسئله ۵۳۱) کسی که تیم می کند باید انگشت را از دست بیرون آورد، همچنین اگر در پیشانی یا کف یا پشت دستها مانع باشد باید آن را برطرف نماید.

(مسئله ۵۳۲) اگر احتمال دهد که در پیشانی و کف یا پشت دستها مانع هست، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد باید جستجو نماید تا یقین یا اطمینان پیدا کند که مانع نیست.

(مسئله ۵۳۳) اگر پیشانی و پشت دستها مو داشته باشد اشکال ندارد، ولی اگر موی سر روی پیشانی آمده باشد باید آن را کنار بزند.

(مسئله ۵۳۴) اگر در پیشانی یا کف یا پشت دستها زخم باشد و روی آن را پانسمان کرده است به طوری که نمی تواند باز نماید، باید با همان حال تیم کند و نماز او پس از بهبودی قضا ندارد.

(مسئله ۵۳۵) کسی که وظیفه اش تیم است چنانچه نتواند تیم کند، باید از کسی بخواهد تا او را تیم دهد و کسی که می خواهد دیگری را تیم دهد در صورت امکان باید دستهای آن شخص را به زمین بزند و اگر امکان نداشت

## مسائل طهارت

دستهای او را روی زمین بگذارد و او را تیم دهد، ولی اگر هیچ کدام امکان نداشت باید دستهای خود را به زمین بزند و به پیشانی و دستهای او بکشد و در هر حال خود آن شخص باید قصد و نیت تیم را بنماید.

(مسئله ۵۳۶) اگر در بین تیم شک کند که قسمتی از آن را فراموش کرده یا نه، باید آن قسمت را با آنچه بعد از آن است بجا آورد و چنانچه بعد از بجا آوردن هر جزء شک کند که درست انجام داده یا نه، بنابر احتیاط دوباره آن را بجا آورد.

(مسئله ۵۳۷) اگر بعد از مسح دست چپ شک کند که درست تیم کرده یا نه، تیم او صحیح است، مگر اینکه شک او در مسح دست چپ باشد و فاصله هم نشده باشد که در این صورت آن را بجا آورد.

(مسئله ۵۳۸) کسی که وظیفه اش تیم است بنا بر احتیاط باید پیش از وقت تیم کند، ولی اگر برای کار واجب یا مستحب دیگر تیم کند، چنانچه پس از داخل شدن وقت عذر او باقی باشد و از پیدا کردن آب نا امید باشد می تواند با همان تیم نماز بخواند. و چنانچه بداند در وقت نماز، تیم برای او ممکن نیست باید قبل از وقت تیم کند.

(مسئله ۵۳۹) کسی که وظیفه اش تیم است اگر بداند تا آخر وقت عذر او باقی می ماند، در وسعت وقت می تواند با تیم نماز بخواند، ولی اگر بداند که تا آخر وقت عذر او برطرف می شود بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند و باوضو یا غسل نماز بخواند، یا در تنگی وقت با تیم نماز را بجا آورد، همچنین اگر امید دارد عذر او برطرف شود بنا بر احتیاط واجب صبر کند.

(مسئله ۵۴۰) اگر در اول وقت نماز دارای عذری بوده و امید هم به برطرف شدن آن نداشته و با تیم نماز را خوانده است، چنانچه در آخر وقت عذر او برطرف شود بنا بر احتیاط مستحب نماز را باوضو یا غسل بجا آورد.

(مسئله ۵۴۱) کسی که نمی تواند باوضو بگیرد یا غسل کند، در صورتی که بترسد عذرش برطرف نگردد و موفق به خواندن نمازهای قضا نشود، می تواند نمازهای قضای خود را با تیم بخواند، همچنین می تواند نمازهای مستحبی را که وقت معین دارد با تیم بخواند، ولی اگر احتمال دهد که تا آخر وقت نمازهای مستحبی عذرش برطرف می شود بنا بر احتیاط صبر کند.

(مسئله ۵۴۲) کسی که احتیاطاً باید غسل جیره‌ای و تیم بدل از غسل نماید، مثلاً جراحتی در پشت اوست، اگر بعد از غسل و تیم نماز بخواند و بعد از نماز، حادث اصغری از او سر زند، مثلاً ادرار کند، باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد و احتیاطاً بدل از غسل هم تیم کند.

(مسئله ۵۴۳) چیزهایی که وضو را باطل می‌کند تیم بدل از وضو را هم باطل می‌کند و چیزهایی که غسل را باطل می‌کند تیم بدل از غسل را هم باطل می‌کند. و تیم کسانی که به خاطر نبود آب و یا وجود عذر دیگری تیم کردہ‌اند، به محض پیدا شدن آب یا برطرف شدن عذر باطل می‌شود.

(مسئله ۵۴۴) کسی که چند غسل بر او واجب است و نمی‌تواند غسل کند بنابر احتیاط مستحب به جای هر غسل یک تیم بجا آورد.

(مسئله ۵۴۵) کسی که نمی‌تواند غسل کند اگر بخواهد عملی را که برای آن غسل واجب است انجام دهد، باید بدل از غسل تیم نماید و اگر تواند وضو بگیرد و بخواهد عملی را که برای آن وضو واجب است انجام دهد، باید بدل از وضو تیم نماید.

(مسئله ۵۴۶) اگر بدل از غسل جنابت تیم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد، بلکه مشروع نیست، ولی اگر بدل از غسلهای دیگر تیم کند بنابر احتیاط مستحب وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، تیم دیگری بدل از وضو بنماید.

(مسئله ۵۴۷) کسی که به جای غسل تیم کرده است اگر پس از آن کاری که وضو را باطل می‌کند انجام دهد و برای نمازهای بعد نتواند غسل کند، باید وضو بگیرد و بنابر احتیاط یک تیم بدل از غسل انجام دهد و اگر وضو هم نمی‌تواند بگیرد باید دو تیم، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو، انجام دهد، ولی اگر تیم او بدل از غسل جنابت باشد، چنانچه یک تیم به قصد «آنجه بر عهده اوست» انجام دهد کافی است.

(مسئله ۵۴۸) کسی که وظیفه‌اش تیم بدل از وضو و تیم بدل از غسل است، همین دو تیم کفايت می‌کند و تیم دیگری لازم نیست.

(مسئله ۵۴۹) کسی که وظیفه‌اش تیم است اگر برای کاری تیم کند، تا تیم و عذر او باقی است کارهایی را که باید با وضو یا غسل انجام دهد

## مسائل طهارت

می تواند بجا آورد، ولی اگر عذرش تنگی وقت بوده یا با داشتن آب برای نماز میّت یا خواهدن تیم کرده، فقط می تواند کاری را که برای آن تیم نموده انجام دهد.

(مسئله ۵۵۰) در چند مورد مستحب است نمازهایی را که با تیم خوانده دوباره بخواند:

۱ - اگر آب برای او ضرر داشته و عمداً خود را جنب کرده و با تیم نماز خوانده است.

۲ - چنانچه یقین یا گمان داشته آب پیدانمی کند و عمداً خود را جنب کرده و با تیم نماز خوانده است.

۳ - اگر آب نداشته و تا آخر وقت به جستجوی آب نرفته و در تنگی وقت با تیم نماز خوانده است و بعد فهمیده که اگر جستجو می کرد آب پیدا می شد.

۴ - اگر نماز را عمداً تا آخر وقت نخوانده و در تنگی وقت آن را با تیم خوانده است.

۵ - چنانچه گمان یا یقین داشته آب پیدانمی کند و آبی را که داشته است ریخته و با تیم نماز خوانده است.  
احکام اموات

پیرامون اموات و نحوه غسل و کفن و حنوط و نماز و دفن آنها مسائل و شرایطی وجود دارد که به شرح زیر بیان می شود:

### الف - مسائل محضر:

(مسئله ۵۵۱) مسلمانی را که در حال جان دادن است و به او «محضر» می گویند، بنابر احتیاط واجب باید طوری به پشت بخواباند که کف پاهای او به طرف قبله قرار گیرد و اگر خواباندن او به این صورت ممکن نیست تا اندازه ممکن به این دستور عمل کنند و چنانچه خواباندن او به هیچ وجه ممکن نباشد او را رو به قبله بنشانند و اگر آن هم نشود او را به پهلوی راست یا چپ رو به قبله بخوابانند. و بنابر احتیاط واجب باید تا وقتی که غسل میّت تمام نشده او را مثل محضر رو به قبله بخواباند، ولی پس از تمام شدن غسل مثل وقتی که بر او نماز خوانده می شود بخواباند.

(مسئله ۵۵۲) بنابر احتیاط واجب رو به قبله کردن محضر بر هر مسلمان واجب است، لکن در صورت امکان از خود او و اگر امکان ندارد از ولی او اجازه بگیرند.

(مسئله ۵۵۳) مستحب است شهادتین و اقرار به ائمه اطهار(ع) و سایر عقاید حقّه را به محضر طوری تلقین کنند که بفهمد و تا وقت مرگ تکرار نمایند.

(مسئله ۵۵۴) مستحب است کسی را که سخت جان می‌دهد، چنانچه ناراحت نمی‌شود، به جایی که نماز می‌خوانده ببرند، همچنین مستحب است برای راحت شدن محضر سوره‌های مبارکه: «یس»، «الصّافات»، «احزاب» و نیز: «آیه الکرسي» و «آیه ۵۴ از سوره «اعراف» و «سه آیه آخر سوره بقره» بلکه هر چه از قرآن ممکن باشد بر بالین او بخوانند.

(مسئله ۵۵۵) مستحب است این دعاها را طوری به محضر تلقین کنند که بفهمد:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الْكَثِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ وَاقْبِلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ، يَا مَنْ يَقْبِلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُوْ عَنِ الْكَثِيرِ، إِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَأَعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفْوُ الْغَفُورُ، اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي فَإِنَّكَ رَحِيمٌ».

(مسئله ۵۵۶) تنها گذاشتן محضر و گذاشتن چیز سنگین روی شکم او و بودن جنب و حائض نزد او و همچنین حرف زدن زیاد و گریه کردن و تنها گذاشتن زنها نزد او مکروه است.

#### ب - احکام و آداب میّت:

(مسئله ۵۵۷) بعد از مرگ مستحب است دهان، چشمها و چانه میّت را بپندند، دستها و پاهای او را دراز کنند و پارچه‌ای را روی او بیندازند و اگر شب هنگام مرده است در جایی که او را گذاشته‌اند چراغ روشن کنند و برای تشییع جنازه او مؤمنان را خبر کنند و در دفن او شتاب نمایند، ولی اگر یقین به مردن او ندارند باید صبر کنند تا معلوم شود.

(مسئله ۵۵۸) مستحب است انسان در مرگ خویشان، خصوصاً در مرگ فرزند صبر کند و هر وقت میّت را یاد می‌کند «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بگوید و برای میّت قرآن بخواند و سر قبر پدر و مادر از خداوند حاجت

بخواهد.

(مسئله ۵۵۹) جایز نیست انسان در مرگ کسی صورت و بدن خود را بخراشد و به خود لطمہ بزند و یا در مرگ فرزند و زوجه خود یقه پاره کند، ولی پاره کردن آن در مرگ پدر و برادر، بلکه سایر خویشان مانع ندارد.

(مسئله ۵۶۰) اگر مرد در مرگ زن و یا فرزند، یقه یا لباس خود را پاره کند، یا اگر زن در عزای میت، صورت خود را بخراشد به طوری که خون بیاید یا موی خود را بگند، بنابر احتیاط واجب باید ده فقیر را طعام دهد و یا آنها را پوشاند و اگر نتواند باید سه روز روزه بگیرد و چنانچه زن در عزای میت موی خود را بچیند، بنابر احتیاط واجب باید شصت فقیر را طعام دهد یا شصت روز روزه بگیرد.<sup>۱</sup>

(مسئله ۵۶۱) احتیاط واجب آن است که در گریه بر میت صدا را خیلی بلند نکنند.

(مسئله ۵۶۲) «غسل»، «حنوط»، «کفن»، «نماز» و «دفن» هر میت مسلمان غیر از دسته‌هایی از مسلمین که حکم کافر را دارند، مانند خوارج، نواصب و غلات، بر هر مکلفی واجب است و اگر عده‌ای انجام دهند از دیگران ساقط می‌شود و چنانچه هیچ کس انجام ندهد همه معصیت کرده‌اند. و این قبیل واجب را «واجب کفایی» می‌نامند.

(مسئله ۵۶۳) اگر انسان یقین یا اطمینان پیدا کند کسی که متهم به بی‌مبالاتی نیست مشغول کارهای میت شده، واجب نیست به کارهای میت اقدام کند، ولی اگر شک یا گمان دارد باید اقدام نماید.

(مسئله ۵۶۴) اگر کسی بداند که غسل یا کفن یا نماز و یا دفن میت را باطل انجام داده‌اند باید دوباره انجام دهد، ولی اگر شک و یا گمان دارد که درست بوده، چنانچه کسی که عمل را انجام داده متهم به بی‌مبالاتی نباشد لازم نیست اقدام نماید.

(مسئله ۵۶۵) اگر میت مسلمان غیر دوازده امامی را هم مذهب او مطابق مذهبش غسل دهد، اعاده آن لازم نیست.

۱. یکی دیگر از موارد کفاره «آزاد کردن بنده» است؛ ولی موضوع آن در این زمان منتفی است.

## مسائل طهارت

(مسئله ۵۶۶) برای غسل، حنوط، کفن، نماز و دفن میّت باید از ولی او اجازه بگیرند و ولی زن در غسل و کفن و دفن، شوهر اوست و در غیر این موارد بنابر احتیاط واجب از همه کسانی که در ارث بردن مقدمند اجازه بگیرند یا یقین به رضایتشان حاصل شود.

(مسئله ۵۶۷) اگر اجازه گرفتن از ولی میّت، ممکن و میسور نباشد، لازم نیست از او اجازه بگیرند، ولی چنانچه غفلت شود و بدون اجازه او بر میّت نماز بخوانند و او را دفن نمایند، بنابر احتیاط نماز را برقبر او اعاده نمایند.

(مسئله ۵۶۸) اگر کسی بگوید: «من وصی یا ولی میّتم» یا «ولی میّت به من اجازه داده که غسل و کفن و دفن میّت را انجام دهم» چنانچه به گفته او اطمینان حاصل شود و یا میّت در دست او و تحت اختیار او باشد و دیگری هم در مقابل او مدعی نباشد و یادو شاهد عادل به درستی گفته او شهادت دهنده گفته او قبول است.

(مسئله ۵۶۹) اگر کسی برای انجام کارهای پس از مرگ خود غیر از ولی، فرد دیگری را معین کند، احتیاط واجب آن است که ولی و آن فرد هر دو اجازه بدهند.

### **ج - چگونگی و احکام غسل میّت:**

(مسئله ۵۷۰) واجب است میّت مسلمان را، پس از پاک کردن بدن او از آلودگی و نجاست ظاهری، سه غسل دهنده:

اول - اندکی «سدر» در مقداری آب ریخته و با آن، نخست سر و گردن و بعد سمت راست و سپس سمت چپ میّت را غسل دهنده.

دوم - اندکی «کافور» در مقداری آب ریخته و دوباره به همان ترتیب میّت را غسل دهنده.

سوم - با مقداری آب خالص برای بار سوم میّت را به همان ترتیب غسل دهنده.

(مسئله ۵۷۱) سدر و کافور باید به اندازه باشد که بگویند آب با سدر و کافور مخلوط شده است و به اندازه‌ای هم زیاد نباشد که آب را مضاف نماید.

(مسئله ۵۷۲) اگر سدر یا کافور و یا هر دو به اندازه کافی پیدا نشود، بنابر احتیاط واجب باید به مقداری که دسترسی دارند در آب بریزند و چنانچه به

هیچ وجه یافت نشود یا استعمال آن جایز نباشد، مثل آنکه غصبی باشد، باید به جای هر کدام که ممکن نیست میت را با آب خالص غسل بدهنند.

(مسئله ۵۷۳) «غسل میت» مانند «غسل جنابت» است و احتیاط واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است میت را غسل ارتعاسی ندهند؛ و این احتیاط لزوماً ترک نشود و احتیاط مستحب آن است که در غسل ترتیبی هر بک از سه قسمت بدن را در آب فرو نبرند، بلکه آب را روی آن برینند.

(مسئله ۵۷۴) کسی که برای حج احرام بسته است اگر پیش از تمام کردن سعی بین صفا و مروه بمیرد، باید او را با آب کافور غسل دهند و به جای آن باید با آب خالص غسلش بدهنند، همچنین است اگر در احرام عمره، پیش از کوتاه کردن مو یا گرفتن ناخن بمیرد.

(مسئله ۵۷۵) طفل مسلمان، گرچه از زنا باشد، اگر بمیرد غسل او واجب است، ولی غسل و کفن و دفن کافر و اولاد او مطابق آداب اسلامی جایز نیست و کسی که از کودکی دیوانه بوده و در حال دیوانگی بالغ شده، چنانچه پدر و مادر و یا یکی از آنان مسلمان باشند باید او را بعد از مردن غسل داد و اگر هیچ کدام از آنان مسلمان نباشد غسل دادن او جایز نیست.

(مسئله ۵۷۶) جنین سقط شده اگر چهارماه یا بیشتر دارد باید غسل داده شود و اگر چهار ماه ندارد، بنابر احتیاط واجب او را در پارچه‌ای بپیچند و بدون غسل دفن کنند.

(مسئله ۵۷۷) کسی که میت مسلمان دوازده امامی را غسل می‌دهد باید مسلمان دوازده امامی و عاقل و بنابر احتیاط واجب بالغ و دانا به مسائل غسل باشد و به قصد قربت میت را غسل دهد و در ابتدای غسل دوم و سوم هم نیت غسل را تجدید نماید.

(مسئله ۵۷۸) زن یا مرد نمی‌توانند جنس مخالف خود را غسل دهند، مگر زن و شوهر، گرچه احتیاط مستحب آن است که زن یا شوهر نیز یکدیگر را غسل ندهند، ولی مرد می‌تواند دختر بچه‌ای را که سن او بیشتر از سه سال نباشد و زن هم برای غسل دادن او پیدا نشود غسل دهد، زن هم می‌تواند پسر بچه‌ای را که سه سال بیشتر ندارد چه مرد برای غسل دادن او پیدا شود یا نه، غسل دهد.

(مسئله ۵۷۹) اگر برای غسل میت جنس موافق او پیدا نشود، مرد یا زن‌هایی که با میت محربند می‌توانند از زیر لباس یا چیز دیگری که بدن میت را پوشاند او را غسل دهند و اگر جنس مخالف محرب هم پیدا نشود، جنس مخالف نامحرب می‌تواند میت را از زیر لباس غسل دهد.

(مسئله ۵۸۰) اگر میت و کسی که او را غسل می‌دهد هر دو مرد یا هر دو زن و یا با یکدیگر محرب باشند، جایز است غیر از عورت، جاهای دیگر میت برهنه باشد.

(مسئله ۵۸۱) نگاه کردن به عورت میت حرام است و اگر کسی که غسل می‌دهد نگاه کند معصیت کرده، ولی غسل باطل نمی‌شود، اما در زن و شوهر نگاه کردن اشکال ندارد، هر چند کراحت دارد و کراحت در عورت زن شدیدتر است.

(مسئله ۵۸۲) اگر جایی از بدن میت نجس باشد، بنابر احتیاط واجب باید پیش از آنکه آنجا را غسل دهند آب بکشند و احتیاط مستحب آن است که تمام بدن میت پیش از شروع به غسل پاک باشد.

(مسئله ۵۸۳) کسی که در حال جنابت یا حیض مُرده لازم نیست او را غسل جنابت یا حیض دهند و تنها غسل میت کافی است، همچنین است اگر غسل دیگری به عهده او بوده باشد.

(مسئله ۵۸۴) احتیاط واجب آن است که برای غسل دادن میت مزد نگیرند، ولی مزد گرفتن برای کارهای مقدماتی غسل، مثل شستن بدن و تنظیف میت، حرام نیست.

(مسئله ۵۸۵) اگر برای غسل میت آب پیدا نشود یا استفاده از آن مانع داشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید به جای هر غسل یک تیم بدنه و پس از آن یک تیم دیگر هم به جای سه غسل بدنه و اگر در یکی از سه تیم قصد ما فی الذمه کنند<sup>۱</sup> تیم چهارم لازم نیست.

(مسئله ۵۸۶) کسی که میت را تیم می‌دهد باید دست خود را به زمین بزند و به صورت و پشت دستهای میت بکشد و اگر ممکن باشد احتیاط واجب

۱. یعنی نیت کنند آنچه را که شرعاً بر عهده اوست انجام دهند.

آن است که دست میت را هم به زمین بزند و به صورت و پشت دستهاش بکشد.

(مسئله ۵۸۷) شهیدی که در میدان جنگ و در معركه پیش از آنکه به سراغ او بیایند به شهادت رسیده و جان داده باشد غسل و کفن ندارد، و باید او را با لباسهای خود بدون غسل دفن کنند، چه جنگ در زمان امام (ع) و به اذن و اجازه امام (ع) باشد، یا اینکه برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی به شهادت رسیده باشد.

#### د - حنوط و احکام آن:

(مسئله ۵۸۸) واجب است پس از غسل به مواضع سجده؛ یعنی: پیشانی، کف دستها، سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پای میت مقداری کافور بمالند و بنابر احتیاط به سر بینی میت هم کافور بمالند و نیز مقداری کافور هم روی همین مواضع بگذارند، به این کار در اصطلاح «حنوط» می‌گویند. و کافوری که برای این کار مصرف می‌شود باید سائیده و تازه باشد و اگر بر اثر کهنه‌گی، عطر آن از بین رفته باشد کافی نیست و احتیاط واجب آن است که نخست، پیشانی میت را حنوط کنند، ولی در اعضای دیگر ترتیب شرط نیست.

(مسئله ۵۸۹) احتیاط واجب آن است که میت را پیش از کفن کردن حنوط نمایند.

(مسئله ۵۹۰) زنی که شوهرش مرده و هنوز عده‌اش تمام نشده، گرچه حرام است خود را خوشبو کند، ولی چنانچه بمیرد حنوط او واجب است.

(مسئله ۵۹۱) احتیاط واجب آن است که میت را با مشک، عنبر، عود و عطرهای دیگر خوشبو نکنند و برای حنوط هم اینها را با کافور مخلوط ننمایند.

(مسئله ۵۹۲) مستحب است قدری تربت حضرت سید الشهداء (ع) را با کافور مخلوط کنند، ولی نباید از آن کافور به جاهایی که بی‌احترامی می‌شود بر سانند، همچنین نباید تربت به قدری زیاد باشد که وقتی با کافور مخلوط شد آن را کافور نگویند.

(مسئله ۵۹۳) مستحب است دو چوب تر و تازه در قبر همراه میت بگذارند.

(مسئله ۵۹۴) کسی که برای حج احرام بسته اگر پیش از تمام کردن سعی

بین صفا و مروه بمیرد، حنوط کردن او جایز نیست و نیز اگر در احرام عمره پیش از آنکه ناخن بگیرد یا موی خود را کوتاه کند بمیرد، نباید او را حنوط کنند.

(مسئله ۵۹۵) در صورتی که نتوان برای غسل و حنوط به اندازه کافی کافور فراهم کرد، بنابر احتیاط واجب غسل با کافور را مقدم دارند و اگر کافور برای هفت موضع کافی نباشد پیشانی را مقدم دارند.  
هـ کفن کردن میت و احکام آن:

(مسئله ۵۹۶) میت مسلمان را باید با سه پارچه که آنها را «لنجک»، «پیراهن» و «سرتاسری» می گویند به ترتیب زیر کفن نمایند:

اول - «لنجک» باید از ناف تا زانو اطراف بدن را پوشاند و بهتر آن است که از سینه تا روی پا برسد و تا ممکن است ترک نشود.  
دوم - «پیراهن» باید از سر شانه تا نصف ساق پا تمام بدن را از پشت و رو پوشاند. و بهتر آن است که تا روی پا برسد.

سوم - «سرتاسری» که باید درازای آن به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد و پهناهی آن باید به اندازه‌ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید.

(مسئله ۵۹۷) اگر وارثان، بالغ باشند و اجازه دهنده باشند که بیشتر از مقدار واجب کفن را از سهم آنان بردارند اشکال ندارد و احتیاط واجب آن است که بیشتر از مقدار واجب کفن و همچنین مقداری که احتیاطاً لازم است از سهم وارثی که بالغ نشده برندارند.

(مسئله ۵۹۸) اگر کسی وصیت کرده باشد که مقدار مستحب کفن را از یک سوم دارایی او فراهم کنند، یا وصیت کرده باشد که یک سوم دارایی را به مصرف خود او برسانند، ولی مصرف آن را معین نکرده باشد یا فقط مصرف مقداری از آن را معین کرده باشد، می‌توانند مقدار مستحب کفن را از یک سوم دارایی او بردارند.

(مسئله ۵۹۹) اگر میت وصیت نکرده باشد که کفن را از یک سوم دارایی او بردارند و بخواهند از اصل دارایی بردارند، احتیاط واجب آن است که مقدار واجب کفن را به ارزانترین قیمتی که ممکن است تهیه نمایند، ولی اگر ورثه‌ای

## مسائل طهارت

که بالغ هستند اجازه دهنده از سهم آنان بردارند، می‌توان مقداری را که اجازه داده‌اند از سهم آنان برداشت.

(مسئله ۶۰۰) فراهم کردن کفن زن، هر چند بنابر احتیاط همسر غیر دائم باشد، به عهده شوهر اوست، گرچه زن از خود دارایی داشته باشد، همچنین زنی که در عده طلاق رجعی مرده، کفن او بر عهده شوهرش می‌باشد.

(مسئله ۶۰۱) کفن میت بر خویشان او واجب نیست، اگر چه مخارج او در حال زندگی بر آنان واجب باشد.

(مسئله ۶۰۲) کفن کردن با پارچه غصبی، هر چند چیز دیگری پیدا نشود، جایز نیست و چنانچه کفن میت غصبی باشد و صاحب آن راضی نباشد باید از تنش بیرون آورند، اگر چه او را دفن کرده باشند.

(مسئله ۶۰۳) کفن کردن میت با چیز نجس و پوست مردار نجس و با پارچه ابریشمی خالص جایز نیست، ولی در حال ناچاری اشکال ندارد و احتیاط واجب آن است که با پارچه طلاباف یا پارچه‌ای که از پشم یا موی حیوان حرام گوشت تهیه شده در حال اختیار کفن نکنند.

(مسئله ۶۰۴) اگر کفن میت به نجاست خود او یا به نجاست دیگری آلوده شود، باید مقدار نجس را بشویند یا ببرند، ولی چنانچه در قبر گذاشته باشند و شستن آن ممکن نباشد احتیاط آن است که ببرند، بلکه اگر بیرون آوردن میت برای شستن کفن توهین به او باشد ببریدن واجب می‌شود. و اگر ببریدن و شستن ممکن نیست در هر صورتی که عوض کردن آن ممکن باشد باید عوض نمایند.

(مسئله ۶۰۵) اگر کسی که برای حج یا عمره احرام بسته در آن حالت بمیرد، باید همانند دیگران کفن شود و پوشاندن سر و صورتش اشکال ندارد.

(مسئله ۶۰۶) مستحب است انسان در حال سلامتی، کفن و سدر و کافور خود را تهیه نماید.

و - نماز میت و احکام آن:

(مسئله ۶۰۷) نماز خواندن بر میت مسلمان، حتی کودکی که شش سال او تمام شده واجب است و بنابر احتیاط واجب بر کودکی که شش سال او تمام نشده، ولی نماز را در کمی کرده است نیز خوانده شود، ولی باید پدر و مادر

بچه یا یکی از آنان مسلمان باشند.

(مسئله ۶۰۸) نماز میت باید بعد از غسل و حنوط و کفن کردن او خوانده شود و اگر پیش از اینها یا در بین اینها بخوانند، اگر چه از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد کافی نیست.

(مسئله ۶۰۹) شرایطی مانند: وضو یا تیم داشتن، جنب نبودن، پاکی بدن و لباس و غصبه نبودن آن که در نمازهای یومیه معتبر میباشد در نماز میت شرط نیست، اگر چه احتیاط مستحب آن است که تمام چیزهایی را که در نمازهای دیگر لازم است رعایت کند و بنابر احتیاط واجب مبطلات نمازهای دیگر را در وسط نماز میت ترک نماید و عورت خود را هم پوشاند.

(مسئله ۶۱۰) کسی که قصد خواندن نماز میت را دارد باید رو به قبله بایستد و میت را به پشت در برابر او به گونه‌ای بخواباند که سر میت به سمت راست و پاهای او به سمت چپ نمازگزار قرار گیرد.

(مسئله ۶۱۱) بنابر احتیاط واجب مکان نمازگزار در نماز میت باید غصبه و یا از جای میت پست تر یا بلندتر باشد، ولی پستی و بلندی مختصراً اشکال ندارد. و نیز نباید میان نمازگزار و میت چیزی مانند: پرده و دیوار فاصله شود، ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد اشکال ندارد.

(مسئله ۶۱۲) نمازگزار باید از میت دور نباشد، ولی اگر کسی که نماز میت را به جماعت میخواند از میت دور باشد، چنانچه صفها به یکدیگر متصل باشد اشکال ندارد.

(مسئله ۶۱۳) نمازگزار باید مقابل میت بایستد، ولی اگر نماز به جماعت خوانده شود و صفات جماعت از دو طرف میت بگذرد، نماز کسانی که مقابل میت نیستند اشکال ندارد.

(مسئله ۶۱۴) در وقت خواندن نماز باید عورت میت پوشیده باشد و اگر کفن کردن او ممکن نیست باید به هر وسیله دیگر که ممکن است عورت او را پوشاند.

(مسئله ۶۱۵) کسی که میخواهد بر میت نماز بخواند باید ایستاده و با قصد قربت نماز را بخواند و هنگام نیت، میت را معین کند و چنانچه کسی نباشد که بتواند ایستاده بخواند میتوان نشسته بجا آورد.

(مسئله ۶۱۶) اگر میت وصیت کرده باشد که شخص معینی بر او نماز بخواند احتیاط واجب آن است که آن شخص از ولی میت اجازه بگیرد و بر ولی هم واجب است اجازه دهد.

(مسئله ۶۱۷) جایز است بر میت چند مرتبه نماز بخوانند، مخصوصاً اگر میت اهل علم و تقوا باشد.

(مسئله ۶۱۸) اگر از روی عمد و یا فراموشی و یا به جهت عذری، میت را بدون نماز دفن کرده باشند و یا پس از دفن معلوم شود نمازی که بر او خوانده‌اند باطل بوده، باید تا هنگامی که پیکر او متلاشی نشده نماز را با شرایطی که گفته شد به قبر او بخوانند.  
دستور نماز میت:

(مسئله ۶۱۹) نماز میت پنج تکییر دارد و اگر نمازگزار پنج تکییر به این ترتیب بگوید کافی است:

\* پس از نیت و گفتن تکییر اول، بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ».¹

\* پس از گفتن دومین تکییر، بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»²

\* پس از گفتن تکییر سوم، بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ»³

\* پس از تکییر چهارم اگر میت مرد است، بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهِذَا الْمَيِّتِ»⁴ و اگر زن باشد، بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهِذِهِ الْمَيِّتِ»⁵ و بعد تکییر پنجم را بگوید.

و بهتر است نمازگزار پنج تکییر نماز میت را به این ترتیب بگوید:

\* پس از نیت و گفتن تکییر اول، بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيراً وَنَذِيراً

۱. شهادت می‌دهم که هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد (ص) فرستاده اوست.

۲. خدایا! بر محمد (ص) و آل او درود و رحمت فرست.

۳. خداوند! تمامی مردان و زنان مؤمن را مورد آمرزش خود قرار ده.

۴. خدایا! این میت را مورد آمرزش خود قرار ده.

۵. خدایا! این میت را مورد آمرزش خود قرار ده.

بینَ يَدِي السَّاعَةِ».١

\* پس از دومین تکییر، بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدَ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَصَلَّى عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّدِيقِينَ وَجَمِيعِ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».<sup>۲</sup>

\* پس از تکییر سوم، بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ أَلْحَيَاءَ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ تَابِعَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ الدُّعَوَاتِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».<sup>۳</sup>

\* پس از چهارمین تکییر چنانچه می‌ست مرد است، بگوید: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنِ اُمَّتِكَ نَزَّلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مُنْزُولٍ بِهِ، اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْنَا، اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنَا فَزَدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاهِزْ عَنْهُ وَأَغْفِرْ لَنَا وَلَهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَنْدَكَ فِي أَعْلَى عَلَيَّينَ وَاخْلُفْ عَلَى أَهْلِهِ فِي الْغَابَرِينَ وَارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».<sup>۴</sup> و بعد تکییر پنجم را بگوید، ولی اگر می‌ست زن است بعد از تکییر چهارم، بگوید: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكَ وَابْنَةُ عَبْدِكَ وَابْنَةُ اُمَّتِكَ نَزَّلَتْ بِكَ

۱. شهادت می‌دهم که هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست، خدایی که یکی است و هیچ شریکی برای او نیست و شهادت می‌دهم محمد (ص) بندۀ و فرستاده اوست، خداوند او را پیش از قیامت بحق فرستاد تا بشارت دهنده و ترساننده باشد.

۲. خداوند! بر محمد (ص) و آل او درود و رحمت فرست و بر محمد (ص) و آل او برکات خود را نازل فرما و محمد (ص) و آل او را مورد رحمت خود قرار ده، مانند بهترین درود و برکت و رحمتی که بر ابراهیم و آل او فرستادی، همانا تو ستایش شده و بزرگواری و بر تعامی پیامبران و رسولان خود و شهداء و صدیقین و همه بندگان صالح خود درود و رحمت فرست.

۳. بار خدایا! تمامی مردان و زنان مؤمن و مسلمان را - چه آنانی که زنده‌اند و چه آنانی که از دنیا رفته‌اند - مورد امرزش خود قرار ده و میان ما و آنها خیرات را پیاپی و مستمر گردان، همانا تو اجابت کننده دعاها هستی و همانا تو بر هر چیزی و هر کاری توانا می‌باشی.

۴. خدایا! این می‌ست بندۀ توتُ و فرزند بندۀ تو می‌باشد، اکنون به تو وارد شده است و تو بهترین میزان هستی. خداوند! ما از این می‌ست چیزی جز خوبی نمی‌دانیم و تو از ما به او داناتر هستی. خدایا! اگر او نیکوکار است پس پاداش او را زیاد فرما و چنانچه گنهکار می‌باشد پس از گناه او درگذر و ما و او را بیامز. خداوند! او را در عالیاترین درجات قرار ده و در بین آیندگان بر بازماندگان او جانشین باش و با رحمت خود به او رحم کن، ای رحیم‌ترین رحم‌کنندگان.

وَأَنْتَ خَيْرٌ مَنْزُولٌ بِهِ، أَللّٰهُمَّ إِنَا لَانْعَلَمُ مِنْهَا إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مَنَا، أَللّٰهُمَّ إِنْ كَانَتْ مُحْسَنَةً فَزِدْ فِي إِحْسَانِهَا وَإِنْ كَانَتْ مُسَيِّئَةً فَتَجَاهِزْ عَنْهَا وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهَا، أَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا عَنْدَكَ فِي أَعْلَى عَلَيْينَ وَاجْلُفْ عَلَى أَهْلِهَا فِي الْغَابَرِينَ وَارْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۱</sup>، وَبَعْدِ تَكْبِيرِ پِنْجَمِ رَابِّكَوِيدَ.

(مسئله ۶۲۰) چنانچه میت از منافقین باشد به چهار تکبیر قناعت کند و بعد از تکبیر چهارم بجای دعا به او بگوید: «اللّٰهُمَّ اخْرُجْ عَبْدَكَ فِي عِبَادَكَ وَبِلَادَكَ، أَللّٰهُمَّ أَصْلِهِ أَشَدَّ نَارَكَ، أَللّٰهُمَّ أَدْقِهِ حَرَّ عَذَابَكَ فَإِنَّهُ كَانَ يُوَالِي أَعْدَائِكَ وَيُعَادِي أُولَيَائِكَ وَيُغْضِبُ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ»<sup>۲</sup>.

(مسئله ۶۲۱) چنانچه میت بچه باشد پس از تکبیر چهارم بگوید: «اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَأَبْوَيِهِ وَلَنَا سَلَفاً وَفَرَطاً وَأَجْرَا»<sup>۳</sup>؛ و سپس تکبیر پنجم را بگوید.

(مسئله ۶۲۲) مستحب است نمازگزار پس از تکبیر پنجم بگوید: «ربَّنا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقَنَا عَذَابَ النَّارِ»<sup>۴</sup>

(مسئله ۶۲۳) بنابر احتیاط در همه این دعاها معنای آن را قصد کند و تنها حمایت الفاظ نباشد.

(مسئله ۶۲۴) باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخواند که نماز از صورت خود خارج نشود و علاوه بر آنچه گفته شد خواندن دعاها دیگر و نیز آیات قرآن جایز میباشد.

(مسئله ۶۲۵) کسانی که نماز میت را به جماعت میخوانند باید تکبیرها و دعاهای آن را هم بخوانند.

(مسئله ۶۲۶) اگر کسی دعاها را از حفظ نداشته باشد میتواند از روی

۱. خدایا! این میت بنده توست و فرزند بنده تو میباشد، اکنون به تو وارد شده است و تو بهترین میزان هستی. خداوند! ما از این میت چیزی جز خوبی نمیدانیم و تو از ما به او داناتر هستی. خدایا! اگر او نیکوکار است پس پاداش او را زیاد فرما، و چنانچه گنهکار میباشد پس از گناه او درگذر و ما و او را بیامز. خداوند! او را در عالیترین درجات قرار ده و در بین آیندگان بر بازماندگان او جانشین باش و با رحمت خود به او رحم کن، ای رحیمترین رحم کنندگان.

۲. خدایا! این بندهات را در میان بندگان و در شهرهایت ذلیل و خوار نما، خدایا او را به شدیدترین آتش جهنم برسان و حرارت عذابت را به او بچشان، چرا که او با دشمنان دوستی داشت و با دوستان دشمنی میورزید و با اهل بیت پیامبر دشمن بود.

۳. خدایا! او را برای پدر و مادرش و برای ما پیشو و پاداش قرار بده.

۴. خدایا! به ما در دنیا و آخرت نیکی عطا فرما و ما را از آتش جهنم محفوظ بدار.

کتاب بخواند.

(مسئله ۶۲۷) اگر دو یا چند میت باشد نمازگزار میتواند برای هر کدام جدا نماز بخواند و یا اینکه بر همه آنها یک نماز بخواند و بعد از تکبیر چهارم، ضمیرها را تثنیه یا جمع یاورد و در این صورت باید همه جنازه‌ها را در جلوی نمازگزار مرتب و پهلوی هم بگذارند.

مستحبات نماز میت:

(مسئله ۶۲۸) چند چیز در نماز میت مستحب است:

۱ - کسی که نماز میت را میخواند با وضو یا غسل و یا تیم باشد و بنابر احتیاط مستحب در صورتی تیم کند که وضو یا غسل ممکن نباشد یا برتسد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند به نماز میت نرسد.

۲ - در صورتی که میت مرد است امام جماعت یا کسی که فرادی به او نماز میخواند مقابل وسط قامت او بایستد و اگر میت زن است مقابل سینه‌اش بایستد.

۳ - بدون کفش نماز میت را بخواند.

۴ - در هر تکبیر دستها را بلند کند.

۵ - فاصله او با میت به قدری کم باشد که اگر باد لباسش را حرکت دهد به جنازه برسد.

۶ - نماز میت را به جماعت بخواند.

۷ - امام جماعت تکبیرها و دعاها را بلند بخواند و کسانی که با او نماز میخوانند آهسته بگویند.

۸ - در جماعت اگر چه مأمور یک نفر باشد پشت سر امام بایستد.

۹ - نمازگزار به میت و مؤمنین زیاد دعا کند.

۱۰ - پیش از نماز سه مرتبه به قصد رجاء و امید ثواب بگوید: «الصَّلَاة».

۱۱ - نماز را در جایی بخواند که مردم برای نماز میت بیشتر به آنجا میروند.

۱۲ - اگر زن حائض نماز میت را به جماعت میخواند در صفحه اگانه‌ای بایستد.

(مسئله ۶۲۹) خواندن نماز میت در مساجد، بجز مسجد الحرام، مکروه

است.

**ز - دفن میت و احکام آن:**

(مسئله ۶۳۰) میت را باید به ترتیبی در قبر قرار داد که سمت راست بدن او روی زمین و سینه و شکم او به طرف قبله قرار گیرد. قبر نیز باید به اندازه‌ای گود باشد که وقتی میت در آن دفن می‌شود بوی عفونت آن بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدن وی را بیرون آورند و اگر ترس آن باشد که جانوری بدن او را بیرون آورد باید قبر را با آجر و مانند آن محکم کنند.

(مسئله ۶۳۱) هزینه خاکسپاری میت در حد لازم از اصل دارایی میت برداشته می‌شود، گرچه به تهیه آجر و سیمان یا خریدن قبر نیاز باشد.

(مسئله ۶۳۲) بنابر احتیاط واجب دفن مسلمان در قبرستان کافران و دفن کافر در قبرستان مسلمانان جایز نیست، همچنین دفن میت مسلمان در جایی که به او بی‌حرمتی شود جایز نیست.

(مسئله ۶۳۳) دفن میت در زمین غصبی و بنابر احتیاط واجب در زمینی که مانند مسجد برای غیر دفن مردگان وقف شده جایز نیست، همچنین دفن میت در قبر میت دیگر چنانچه موجب نبش قبر شود حرام است، مگر اینکه قبر اول کهنه شده و میت آن از بین رفته باشد.

(مسئله ۶۳۴) چیزی که از میت جدا می‌شود، اگر چه مو و ناخن یا دندانش باشد، چنانچه موجب نبش قبر نباشد باید با او دفن شود و بنابر احتیاط در کفن او بگذارند، ولی اگر موجب نبش قبر شود احتیاط آن است که جدا دفن شود و نیز ناخن و دندانی که در حال زندگی از انسان جدا می‌شود مستحب است دفن شود.

(مسئله ۶۳۵) اگر بچه در رحم مادر بمیرد باید به آسانترین راه او را بیرون آورند و چنانچه ناچار شوند او را قطعه قطعه کنند اشکال ندارد و در صورتی که شوهرش اهل فن باشد باید او بچه را بیرون آورد و گرنه زنی که اهل فن باشد و اگر هم ممکن نشود مرد محرومی که اهل فن باشد و در غیر این صورت مرد نامحرومی که اهل فن باشد بچه را بیرون آورد و در صورتی که آن هم ممکن نشود، کسی که اهل فن نباشد می‌تواند بچه را بیرون آورد.

(مسئله ۶۳۶) هر گاه مادر بمیرد و بچه در رحم او زنده باشد، گرچه امید

به زنده ماندن طفل نداشته باشند، باید به وسیله کسانی که در مسأله پیش گفته شد از هر طرفی که بچه سالم بیرون می‌آید او را بیرون آورند و شکم مادر را بدوزنند، ولی اگر بین پهلوی چپ و راست در سالم بودن بچه فرقی نباشد، احتیاط واجب آن است که او را از پهلوی چپ بیرون آورند.

مستحبات دفن:

(مسأله ۶۳۷) رعایت موارد زیر هنگام دفن میّت مستحب است:

- ۱ - به قصد رجا و امید ثواب، قبر را به اندازه قد انسان متوسط گود کنند.
- ۲ - میّت را در نزدیکترین قبرستان دفن نمایند، مگر آنکه قبرستان دورتر به دلایلی، مانند مدفون بودن افراد صالح در آن یا رفت و آمد بیشتر مردم برای فاتحه خوانی، بر قبرستان نزدیکتر فضیلت داشته باشد.
- ۳ - جنازه را در چند متری قبر روی زمین گذارده تا سه بار کم کم نزدیک قبر ببرند و در هر مرتبه زمین بگذارند و بردارند و در نوبت چهارم وارد قبر کنند و اگر میّت مرد است، بار سوم طوری او را زمین بگذارند که سر او در طرف پایین قبر قرار گیرد و بار چهارم او را از طرف سر وارد قبر نمایند و اگر میّت زن است، در مرتبه سوم به طرف قبله قبر بگذارند و به پهنا وارد قبر کنند و در موقع وارد کردن پارچه‌ای روی قبر بگیرند.
- ۴ - جنازه را به آرامی از تابوت برگیرند و وارد قبر کنند و دعاها بای که دستور داده شده پیش از دفن و هنگام دفن بخوانند.
- ۵ - پس از آنکه میّت را در لحد گذاشتند گرهای کفن را باز کنند و بالشی از خاک فراهم سازند و صورت میّت را روی آن بگذارند.
- ۶ - پشت میّت را به دیوار قبر تکیه دهند و یا چیزی پشت او بگذارند که میّت به پشت برنگردد.
- ۷ - کسی که میّت را در قبر می‌گذارد به قصد رجا و امید ثواب با طهارت و سر و پا بر هنر باشد، و هنگام بیرون آمدن از قبر از طرف پای میّت بیرون آید، و غیر از خویشان میّت افراد دیگر با پشت دست خاک بر قبر بریزند و بگویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».
- ۸ - اگر میّت زن است کسانی که با او محربند او را در قبر بگذارند و اگر محربی نباشد خویشاوندانش او را در قبر بگذارند.

۹- هنگامی که قبر را از خاک پر کردند به امید ثواب روی آن آب پاشند و پس از آن کسانی که حاضرند در حالی که انگشتان خود را باز کرده و در خاک روی قبر فرو بردند هفت بار سوره «قدر» را بخوانند و برای میت طلب آمرزش نمایند و این دعا را بخوانند: «اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنَبِيْهِ وَ أَصْعُدْ إِلَيْكَ رُوحَهُ وَ لَقَهُ مِنْكَ رِضْوَانًا وَ أَسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيهِ بِهِ عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سَوَّاكَ».۱

۱۰- پس از رفتن تشییع کنندگان ولی میت یا کسی که از طرف او اجازه دارد دعاها را که دستور داده شده به میت تلقین کند.

(مسئله ۶۳۸) مستحب است پیش از آنکه لحد را پوشانند دست راست را به شانه راست میت بزنند و دست چپ را به قوت بر شانه چپ او گذاشته، دهان را نزدیک گوش میت برند و به شدت حرکتش دهند و سه مرتبه بگویند: «إِسْمَعْ إِفْهَمْ يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانْ» و بجای کلمه «فلان بن فلان» اسم میت و اسم پدرش را بگویند مثلاً اگر اسم او «محمد» و نام پدرش «علی» است سه مرتبه بگویند: «إِسْمَعْ إِفْهَمْ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلَى» - و پس از آن بگویند: «هَلْ أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلَهِ - عَبْدَهُ وَ رَسُولَهُ وَ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ خَاتَمَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنَّ عَلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدُ الْوَصِيْفَيْنَ وَ إِمامُ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلَى بْنَ الْحَسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلَى» وَ «جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدَ» وَ «مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ» وَ «عَلَى بْنَ مُوسَى» وَ «مُحَمَّدَ بْنَ عَلَى» وَ «عَلَى بْنَ مُحَمَّدَ» وَ «الْحَسَنَ بْنَ عَلَى» وَ «الْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ» - صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - أَئْمَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ حَجَّ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ أَئْمَتُكَ أَئْمَةُ هُدَى أَبْرَارُ يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانْ!» و بجای «فلان بن فلان» اسم میت و اسم پدرش را بگویند و سپس بگویند: «إِذَا أَتَاكَ الْمَلَكَانَ الْمُقْرَبَيْانَ رَسُولَيْنَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - وَ سَأَلَاكَ عَنْ رَبِّكَ وَ عَنْ نَبِيِّكَ وَ عَنْ دِينِكَ وَ عَنْ كِتَابِكَ وَ عَنْ قَبْلَتِكَ وَ عَنْ أَئْمَتِكَ فَلَا تَخُفْ وَ لَا تَحْزَنْ وَ قُلْ فِي جَوَابِهِما: «أَللَّهُ» رَبِّي وَ «مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلَهِ وَ نَبِيِّي» وَ

۱. خدایا! زمین را از دو پهلوی او فراخ نما و روح او را به طرف خود بالا بر و رضایت و خوشنودی خود را به او برسان و رحمت خود را در قبر او جای ده، به قدری که از رحمت غیر از تو بی نیاز شود.

«الْإِسْلَامُ» دینی و «الْقُرْآنُ» کتابی و «الْكَعْبَةُ» قبّتی و «أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» إِمامی و «الْحَسَنُ بْنُ عَلَى الْمُجْتَبَی عَلَيْهِ السَّلَامُ» إِمامی و «الْحَسَنُ بْنُ شَهِیدٍ بَکَرِيَّا لَعَلَیْهِ السَّلَامُ» إِمامی و «عَلَیْ زَینَ الْعَابِدِیْنَ عَلَیْهِ السَّلَامُ» إِمامی و «مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ عَلَیْهِ السَّلَامُ» إِمامی و «جَعْفَرُ الصَّادِقُ عَلَیْهِ السَّلَامُ» إِمامی و «مُوسَى الْكَاظِمُ عَلَیْهِ السَّلَامُ» إِمامی و «عَلَیْ الرَّضَا عَلَیْهِ السَّلَامُ» إِمامی و «مُحَمَّدُ الْجَوَادُ عَلَیْهِ السَّلَامُ» إِمامی و «عَلَیْ الْهَادِی عَلَیْهِ السَّلَامُ» إِمامی و «الْحَسَنُ الْعَسْكَرِی عَلَیْهِ السَّلَامُ» إِمامی و «الْحُجَّةُ الْمُتَنَظَّرُ عَلَیْهِ السَّلَامُ» إِمامی؛ هَوْلَاءَ - صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - أَئْمَتَی وَ سَادَتَی وَ قَادَتَی وَ شُفَعَائِی، بِهِمْ أَتَوْلَی وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَرَءَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. ثُمَّ اعْلَمْ يَا فُلانَ بْنَ فُلانَ! وَ بِجَای «فُلانَ بْنَ فُلانَ» اسْمَ مِیتٍ وَ پَدِرْشَ رَا بَکَوْینِدَ وَ سِپِسَ بَکَوْینِدَ: «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - نَعْمَ الرَّبُّ وَ أَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ نَعْمَ الرَّسُولُ وَ أَنَّ عَلَىَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَوْلَادَهُ الْعَصُومِينَ أَلَّا تَمَنَّ عَشَرَ نَعْمَ الْأَمَّةَ وَ أَنَّ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - حَقٌّ وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ سُؤَالٌ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ النَّشُورَ حَقٌّ وَ الصِّرَاطُ حَقٌّ وَ الْمِيزَانُ حَقٌّ وَ تَطَاَرِيْرُ الْكُتُبِ حَقٌّ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَّةٌ لَا رَبَّ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَعْثُثُ مِنْ فِي الْقُبُوْرِ».١

۱. معنای تلقین به ترتیب زیر است:

« بشنو و بفهم ای فلانی فرزند فلانی! آیا بر آن عهد و پیمانی که با ما از آن جدا شدی باقی هستی؟ عهدی که عبارت است از شهادت به توحید «خدای بی شریک» و نبوت «حضرت محمد (ص)» که بنده خدا و فرستاده او و بهترین پیامبران خدا و آخرین آنان می‌باشد و نیز شهادت به اینکه «حضرت علی (ع)» امیرمؤمنان و سید اوصیا و امامی است که خداوند پیروی او را بر همه مردم عالم واجب نموده است و پس از آن حضرت، اولاد بزرگوار او: «حسن (ع)»، «حسین (ع)»، «علی بن الحسین (ع)»، «محمد بن علی (ع)»، «جعفر بن محمد (ع)»، «موسی بن جعفر (ع)»، «علی بن موسی (ع)»، «محمد بن علی (ع)»، «حسن بن علی (ع)» و «مهدی حجت قائم (ع)» - که درود و رحمت خدا بر آنان باد - همگی امامان مردم مؤمن و حجتهای خداوند بر تمام مردم و نیز امامان تو می‌باشند؛ امامانی که همگی هدایت کننده و افرادی نیک و صالح می‌باشند. ای فلانی فرزند فلانی! هر گاه دو ملک مقرب که فرستاده پروردگار است برای سؤال نزد تو آمدند و از خدای تو و پیامبر تو و دین تو و کتاب تو و قبله تو و امامان تو سؤال نمودند، نترس و محرون مشو و در جواب آنان بگو: «خداوند» پروردگار من است و «محمد (ص)» پیامبر من است و «اسلام» دین من است و «قرآن» کتاب من است و «کعبه» قبله من است و «امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)» و «حسن بن علی (ع)» و «حسین بن علی شهید کربلا (ع)» و «علی زین العابدین (ع)» و «محمد باقر (ع)» و «جعفر صادق (ع)» و «موسی کاظم (ع)» و «علی الرضا (ع)» و «محمد جواد (ع)» و «علی هادی (ع)» و «حسن عسکری (ع)» و

پس بگوید: «أَفَهِمْتَ يَا فُلان!» و بجای «فلان» اسم میت را بگوید؛ پس از آن بگوید: «ثَبَّكَ اللَّهُ بِالْقُولِ الثَّابِتِ وَهَدَكَ اللَّهُ إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أُولَائِكَ فِي مَسْتَقِرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ».۱

پس بگوید: «اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنَبِيْهِ وَاصْعِدْ بِرُوحِهِ إِلَيْكَ وَلَقِهِ مِنْكَ بُرْهَانًا؛ اللَّهُمَّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ».۲

و کسی که تلقین را به میت میخواند باید توجه داشته باشد که اگر میت زن است ضمیرهای مذکور در این دعاها را به صورت ضمیر مؤنث بگوید.

(مسئله ۶۳۹) مستحب است پس از دفن صاحبان عزا را سراسلامتی دهند، ولی اگر مدتی گذشته است و به این واسطه مصیبت یادشان میآید ترک آن بهتر است.

(مسئله ۶۴۰) مستحب است تا سه روز برای اهل خانه میت غذا بفرستند و غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان مکروه است.

#### نماز و حشت:

(مسئله ۶۴۱) مستحب است در شب اول قبر، در رکعت نماز به نیت «نماز و حشت» برای میت بخوانند، به این ترتیب که در رکعت اول بعد از «حمد» یک مرتبه «آلیه الكرسى» و در رکعت دوم پس از «حمد» ده مرتبه «سوره قدر» را بخوانند و بعد از سلام نماز بگویند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى قَبْرِ فُلان!» و بجای کلمه «فلان» اسم میت را بگویند.

«حجت متظر (ع)» - که درود و رحمت خدا بر آنان باد - همگی امامان من و سروران من و شفیعان من هستند؛ همانا رشته ولایت و محبت را با آنان پیوند زدهام و از دشمنانشان در دنیا و آخرت بیزارم. آنگاه بدان ای فلانی فرزند فلانی! خداوند تبارک و تعالی خوب پروردگاری است و حضرت محمد (ص) خوب پیامبری است و حضرت علی بن ابی طالب (ع) و اولاد معصوم آن حضرت، یعنی دوازده امام، خوب امامانی میباشند؛ و بدان که آنچه را پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) با خود آورده حق است و صراط حق است و میزان حق است و پخش شدن نامههای اعمال هر فرد و رسیدن به دست او حق است و بهشت حق است و جهنم حق است، و به طور قطع روز قیامت خواهد آمد و در آن روز خداوند همه مردمگان را زنده خواهد کرد.

۱. یعنی: «آیا آنچه را گفته شد فهمیدی ای فلانی؟ خداوند تو را بر گفتار حق ثابت قدم گرداند و به سوی راه مستقیم هدایت نماید و تو را در بهشت در جوار رحمت خود با سروران و اولیائات آشنا سازد».

۲. یعنی: «خداوندا زمین را از دو پهلوی او فراخ نما و روح او را به سوی خودت بالا بر و به او قدرت استدلال عطا بفرما؛ خدایا عفوت را عفوت را [از او دریغ مدار].

۳. یعنی: «خدایا! بر محمد (ص) و آل او درود فرست و ثواب این نماز را به فلانی میت برسان».

(مسئله ۶۴۲) نماز وحشت را می‌توانند در هر موقع از شب اول قبر بجا آورند، ولی بهتر است در اول شب بعد از نماز عشا خوانده شود.

(مسئله ۶۴۳) اگر به هر جهت دفن میت به تأخیر افتاد باید نماز وحشت را تا شب اول قبر تأخیر اندازند.

احکام نبیش قبر:

(مسئله ۶۴۴) نبیش قبر مسلمان؛ یعنی شکافتن قبر او، هر چند طفل یا دیوانه باشد، حرام است، ولی اگر بدنش از بین رفته و خاک شده باشد اشکال ندارد.

(مسئله ۶۴۵) نبیش قبور امام زاده‌ها، علماء، شهداء و صلحاء، اگر چه سالها بر آن گذشته باشد، در صورتی که زیارتگاه باشد ترک شود؛ بلکه اگر زیارتگاه هم نباشد بنابر احتیاط باید آن را نبیش کرد.

(مسئله ۶۴۶) در چند مورد شکافتن قبر جائز است، از جمله:

۱ - در صورتی که میت بی‌غسل یا بی‌کفن دفن شده باشد، یا بفهمند غسل او باطل بوده یا به غیر دستور شرع کفن شده است و یا اینکه او را در قبر رو به قبله نگذاشته‌اند، ولی چنانچه بر او نماز نخوانده یا نمازی که خوانده‌اند باطل باشد، باید نماز را بر قبر او بخوانند و شکافتن قبر جائز نیست.

۲ - در صورتی که برای یک مطلب شرعی که اهمیت آن از شکافتن قبر بیشتر است قبر را بشکافند.

۳ - در صورتی که برای ثابت شدن حقی بخواهند بدن میت را بینند.

۴ - در صورتی که میت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالک زمین راضی نشود که در آنجا بماند.

۵ - در صورتی که کفن یا چیز دیگری که با میت دفن شده است غصبی باشد و صاحب آن راضی نشود.

۶ - در صورتی که میت را در جایی که بی‌احترامی به اوست دفن کرده باشند.

۷ - در صورتی که بترسند در نهادی بدن میت را پاره کند یا سیل او را بیرد و یا دشمن بیرون آورد.

۸ - در صورتی که بخواهند قسمتی از بدن میت را که با او دفن نشده است دفن کنند، ولی احتیاط واجب آن است که آن قسمت از بدن را طوری در قبر

#### مسائل طهارت

بگذارند که بدن میت دیده نشود.

- ۹ - در صورتی که خلاف وصیت میت در جای دیگری دفن شده باشد، اما اگر بدن متلاشی شده و یا نبش قبر موجب بیاحترامی به او شود جایز نیست.